



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
دیارتمنت تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
ریاست پوهنتونهای خصوصی

# وحدت موضوعی در سوره احزاب

رساله ماستری

محصل: عبد الظهور "جنتی"

استاد راهنما: دکتور مصباح الله عبدالباقی

سال 1399 هـ ش - 1442 هـ ق



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
دیپارتمنت تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
ریاست پوهنتونهای خصوصی

# وحدت موضوعی در سوره احزاب

رساله ماستری

محصل: عبد الظهور «جنتی»

استاد رهنما: دکتور مصباح الله عبدالباقي

سال 1399 هـ ش - 1442 هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورد ماستری

## تصدیق نامه

محترم عبدالظهور ولد عبدالشکور ID: SH-MST-97-344 محصل دور چهارم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: وحدت موضوعی در سوره احزاب به روز پنجشنبه تاریخ ۱۹ / ۱ / ۱۴۰۰ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق د ۸۸ (نمره په عدد) هشتاد و هشت (نمره په حروفو) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد محمد نعیم جلیلی	عضو هیات	
۲	دکتور محمد عارف عطانی	عضو هیات	
۳	دکتور مصباح الله عبدالباقي	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورد ماستری

## اهداء

این رساله را به روان پاک شهدای راه اسلام ، آن مردان و جانبازانی که در راه بر قراری نظام اسلامی و حاکمیت قرآن صادقانه رزمیدند و پیمان تجارت خود را با الله تعالی بستند و جان و مال خود را فدای اسلام عزیز نمودند و خون پاک خویش را به پای درخت قرآن نثار کردند اهداء مینمایم.

## سپاس گزاری

حمد و ثنا خدای عز و جل را که انسان را اشرف مخلوقات آفرید و بزرگترین نعمت (عقل) را به او ارزانی فرمود و درود به روان پاک حضرت محمد صلی الله علیه و سلم رهبر بشریت که انسان را به راه راست هدایت نمود.

از دولت جمهوری اسلامی افغانستان تشکری می نمایم که مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی را اجازه فعالیت داده است، همچنان از پوهنتون سلام تشکری می نمایم که زمینه تحصیل را برای مردم افغانستان فراهم ساخت تا در فضای آزاد و آرام به تحصیل ادامه بدهند، همچنان از استادان پوهنتون سلام تشکری مینمایم که با پیشانی باز و به وجه احسن برای ما تدریس نمودند به ویژه از استاد محترم دکتور مصباح الله رئیس پوهنتون سلام تشکری مینمایم که با وجود مصروفیت های زیادش با بنده فقیر با بسیار پیشانی باز صحبت کرده و رهنمائی مخلصانه نموده است.

## خلاصه

سوره احزاب دارای هفتاد و سه آیه بوده و مشتمل است بر معارف، احکام، عبرت ها و مواعظی چند، و داستان جنگ احزاب و داستان یهودیان بنی قریظه. سیاق آیات آن شهادت میدهد که از سوره های است که در مدینه نازل شده است.

این سوره بخشهای از زندگانی مسلمانان را که از بدر شروع و تا قبل از صلح حدیبیه ادامه داشت در بر می گیرد، این سوره از تصویر واقعی و پر از رخداد های دوران زندگانی مسلمانها در مدینه حکایت می کند، از رهنمون های سخن می گوید که در جامعه اسلامی نوپا بوجود آمده است که این رهنمون ها به اصل عقیده به الله تعالی و پیروی از پیامبر وی پیوند می خورد، و سر آغازیست که همه رخداد ها و حوادث را به اصل بزرگ وحی که تسلیم شدن به احکام الهی است پیوند می دهد، تا مسلمانان از برنامه های که الله تعالی برگزیده است پیروی کنند.

این سوره راه و روش جامعه اسلامی را تنظیم کرده و اصول عقیده و ارکان شریعت را ذکر می نماید، عادات و اخلاق را یا تعدیل یا باطل می سازد، مسلمانان را در همه امور به اطاعت از اسلام فرا می خواند، از جنگ احزاب، بنی قریظه، از موضع گیری های کافران، یهود و منافقان، و از دسیسه و توطئه های ایشان در برابر مسلمان ها، و از آثاری که از جنگ ها و غنیمت ها در زندگی مسلمانان به دنبال داشته صحبت می نماید، کیفر کسانی را که پیامبر صلی الله علیه و سلم را آزار داده و تهدید نموده اند بیان می کند، وقوع و حوادث قیامت را واضح ساخته و مقام والای کسانی را که امانت سنگین شریعت، امانت عقیده و استقامت، امانت دعوت و شکیبائی، امانت قبول کردن تکالیف و مشکلات و امانت تطبیق آنرا در زندگی به دوش دارند بیان می کند.

در این رساله من ثابت ساخته ام که سوره احزاب در ظاهر با وجود داشتن موضوعات مختلف، مقاطع آن باهم و با « تسلیم شدن به احکام الهی » که محور سوره است ارتباط ناگسستگی دارند که این ارتباط وحدت موضوعی را در سوره ثابت ساخته و از مهمترین صورت های اعجاز قرآن به شمار رفته و بیانگر این است که قرآن کریم ساخته دست انسان نبوده بلکه کتاب پروردگار عالمیان است که بشر توان آوردن مثل آن را تا روز قیامت ندارد.

## فهرست موضوعات

موضوع	صفحه
1- مقدمه	1
2- تمهید	7
3- وحدت موضوعی	11
4- فائده دانستن وحدت موضوعی در فهم تفسیر قران کریم	12
5- مقطع اول: عظمت و مکانت پیامبر اسلام	19
6- مقطع دوم: تصحیح مفاهیم اجهماعی	23
7- مقطع سوم: ولایت عام پیامبر اسلام بالای مؤمنین	29
8- مقطع چهارم: پیروزی مؤمنین بر گروه های متهاجم و نقش منافقین در غزوه احزاب	34
9- مقطع پنجم: معرفی قدوه حسنه و پیروانش	42
10- مقطع ششم: نتیجه نبرد و شکست بنوقریظه	47
11- مقطع هفتم: تعیین سرنوشت ازواج مطهرات	50
12- مقطع هشتم: تکمیل شخصیت مسلمان	56
13- مقطع نهم: ازدواج پیامبر اسلام با زینب	60
14- مقطع دهم: امر به کثرت ذکر و تسبیح الله تعالی	66
15- مقطع یازدهم: وظایف رسول الله صلی الله علیه و سلم	69
16- مقطع دوازدهم: حکم طلاق قبل از همبستر شدن	72
17- مقطع سیزدهم: خصوصیات پیامبر اسلام	74



- 18- مقطع چهاردهم: آداب اسلامی-----77
- 19- مقطع پانزدهم: منع ایذاء رسول الله صلی الله علیه و سلم و مؤمنین-----82
- 20- مقطع شانزدهم: فرضیت حجاب-----87
- 21- مقطع هفدهم: تهدید منافقین و وعده قرب قیامت برای کفار-----91
- 22- مقطع هژدهم: هدایات برای مؤمنین-----96
- 23- مقطع نوزدهم: عظمت تکلیف انسان و حمل امانت-----100
- 24- نتیجه-----105
- 25- پیشنهاد-----106
- 26- فهرست آیات-----107
- 27- فهرست احادیث-----109
- 28- فهرست اعلام-----110
- 29- منابع و مصادر-----111

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيد الانبياء و المرسلين و على آله و اصحابه اجمعين و بعد:

قرآنکریم قانون الهی و کتاب هدایت است تا بشر را از گمراهی ، خرافات ، فساد و تباهی به سوی امنیت و آرامش و عدالت هدایت کند. پیروی از قرآنکریم و عمل به اوامر و اجتناب از نواهی آن انسانرا به سوی رستگاری و کامیابی در دنیا و آخرت سوق میدهد. روگشتاندن از قرآن و عمل نمودن به آن سبب گمراهی و تباهی در دنیا و در آخرت می گردد. یقیناً کسانی که به قرآن و پیامبرش ایمان نیاورده و به دستورات الهی عمل ننمایند عذاب آخرت در انتظارشان است. درین مورد الله متعال میفرماید: **{ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ }** النساء/14) و آن کسی که از الله و پیامبرش نا فرمانی کند، از حدود وی تجاوز کند الله او را به آتش داخل میکند که جاودانه در آن میماند و او را عذاب خوار کننده ای است. در مقابل برای کسانی که پیروی از قرآن و سنت را مینمایند الله متعال جنات و اجر عظیم را وعده نموده و همین را پیروزی بزرگ یاد نموده است و میفرماید: **{ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ }** النساء: 13. و هرکسی از الله و پیامبرش اطاعت کند الله او را به باغها ای وارد میکند که در آنها نهر ها روان است.

قرآنکریم کتاب آسمانی است، کلام الله متعال، آن الله که آفریننده همه جهان است. کتابی که بزرگترین معجزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم است که هیچ گروهی و قومی و طائفه ای در هیچ زمانی تا روز قیامت مانند آنرا آورده نمیتوانند این چلنج الهی است برای کافه بشر که میفرماید: **{ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا، فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ، وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ، إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ }** البقرة/ 23- 24 . اگر در باره آنچه بر بنده خود نازل کردیم، دچار شک و دودلی هستید، سوره ای همانند آن را بسازید و گواهان خود را بجز الله فرا خوانید اگر شما راستگو هستید.

قرآنکریم کتابی است عصاره و چکیده و مکمل کتب و صحف همه پیامبران در طول تاریخ، کتابی است همیشه زنده ، جاودانی ، که کهنه گی ندارد، و با گذشت زمان فرسوده نشده و بادهای مخالف آن را از بین نمی برد ، دستوراتش جامع و قابل اجرا تا قیام قیامت است. امروز عالیترین کتابی که میتوان در تمام دنیا در مقابل همه مکتبها عرضه کرد همین قرآن است، که هیچ مکتبی و قانونی نمی توان با

او مقابله کرد، یگانه کتابیکه بتواند همه خواسته های جوامع بشری را از ابعاد مختلف برآورده ساخته و بشر را به سر منزل مقصود برساند و از چشمه حیات سیراب نماید و یک زندگی آرام و مطمئن ببخشد همین قرآن است.

قرآن کریم کتابی است دنیائی از علم و معرفت و حکمت و حقیقت و اعجاز و گنجینه ها ای از فرهنگ و ادب .

کسانی که مشغول فرا گرفتن علم دین اند میآموزند و به دیگران میآموزانند پیامبر بزرگوار اسلام آنها را بهترین مردم ذکر نموده میفرماید **{من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین}** به هرکسی الله اراده خیر کرده باشد آنرا در دین آگاه میسازد. در صحیح بخاری از عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت است که نبی کریم صلی الله علیه و سلم فرمود: **{خیرکم من تعلم القرآن و علمه}** بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران یاد بدهد.

کسانی که یک حرف از قرآنکریم را تلاوت میکنند الله متعال برایشان ده حسنه نوشته میکند و فرموده که (الم) یک حرف نیست بلکه (ا) حرف است و (ل) حرف است و (م) حرف است. درین مورد سنن الترمزی از عبدالله بن مسعود از پیامبر اسلام روایت میکند: **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ { مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ، وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا، لَا أَقُولُ الْم حَرْفٌ، وَلَكِنْ أَلِفٌ حَرْفٌ وَلَا مٌ حَرْفٌ وَمِيمٌ حَرْفٌ }** کسی که حرفی از کتاب الله را قرائت کند برای او به سبب قرائتش ده نیکی است، و ثواب هر نیکی به ده برابر آن است، نمیگویم (الم) حرف است لکن الف حرف است و لام حرف است و میم حرف است.

تا زمانیکه مسلمانها به قرآن چنگ زده و پیروی از قرآن و سنت را میکردند سید و آقای روی زمین بودند و بزرگترین امپراتورها در مقابل شان زانو زدند، اما وقتی که مسلمانها از قرآن فاصله گرفتند، دنبال مکتبهای مختلف رفتند و این کتاب آسمانی را پشت سر قرار دادند، هیثیت خود را از دست دادند، دلیل و خوار شده جهان کفری بالایشان حکم فرما شد .

تا مسلمانها بخود نیایند و به دامن این قرآن چنگ نزنند و در زندگی خود تطبیق ننمایند و دستورات آن را حاکم بر جامعه خود نسازند عزت و شرف از دست داده خود را باز نخواهند یافت.

قرآنکریم را علمای پیشین به زبان عربی ترجمه و تفسیر نموده اند که امروز ما از آنها استفاده مینمائیم. تفسیر تحلیلی قرآنکریم و تفسیر اجمالی آن خیلی زیاد شده است که به زبانهای دیگر نیز

ترجمه شده است، اما تفسیر موضوعی قرآن کریم نوع دیگری از تفسیر قرآن کریم است که درین اواخر بروز کرده و در بعضی از جامعات تدریس میگردد. گرچه تفسیر موضوعات قرآن کریم در اوایل شروع شده بود و آن هم اقسام مختلف دارد از آن جمله: تفسیر موضوع قرآنی، تفسیر مصطلح قرآنی و تفسیر موضوعی سوره های قرآن کریم.

### پیشینه تحقیق:

علماء موضوعات مختلف را نظر به آیات قرآنی تفسیر نموده اند مگر جدا جدا مثل: مباحث فی اعجاز القرآن نوشته مصطفی مسلم، احکام القرآن نوشته احمد بن علی الجصاص، الناسخ و المنسوخ نوشته قتاده بن دعامة و اسباب نزول الآيات نوشته ابی الحسن علی الواحدی. اما به صورت کتاب واحد که تفسیر همه موضوعات قرآن کریم بوده و در یک تفسیر به نام تفسیر موضوعی قرآن کریم، و روی همه موضوعات قرآن کریم به طور مستقل بحث کرده باشد در اواخر بمیان آمده است. مثل: تفسیر موضوعی قرآن کریم قرآن در قرآن- به زبان فارسی نوشته جواد آملی و التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم- نوشته نخبه ای از علماء تفسیر و علوم القرآن جامعه الشارقة.

قرآن پژوهان معاصر در سالهای اخیر فصلی نوین در حوزه تحقیقات قرآنی گشوده اند و بحث از وحدت موضوعی سوره های قرآن کریم را به فهرست و عناوین مباحث علوم قرآنی افزودند، تاکنون تحقیقات گسترده ای درین عرصه انجام گرفته است، عده ای نیز گامی فراتر نهاده چهره پیوسته تمام قرآن را مطرح کرده اند، این ادعا از سوی سعید حوی در (الاساس فی التفسیر) عنوان شده است، وی طرحی را در زمینه پیوستگی تمام قرآن ارائه می دهد. محمد محمود حجازی هم در کتاب خود (تفسیر الواضح و الوحدة الموضوعیه) بحث و بررسی (وحدت موضوعی) را دنبال کرده است.

در تفسیر موضوعی قرآن کریم علماء در اوایل از مناهج مختلف استفاده کرده اند مگر در اواخر علماء از منهج خاصی در تفسیر موضوعی استفاده نموده اند که این منهج در مقدمه {التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم} از دکتر مصطفی مسلم به وضاحت هویدا است. من هم در نوشتن این رساله از منهج وی استفاده نموده ام.

### اهمیت موضوع:

اگر در قرآن کریم دقیق شویم می بینیم که مناسبت بین مقاطع سوره ها و مناسبت بین سوره ها در مجموع به نحوی موجود است که همه آنها بر میگردد به سه اصلی که قرآن کریم به آن میچرخد، و

آن سه اصل عبارت از: عقائد، عبادات و مناهج زندگی. همین مناسبت، وحدت سوره ها و وحدت قسم قرآن و در مجموع وحدت همه قرآن را برملا میسازد که این وحدت موضوعی نوعی از اعجاز قرآن کریم است پس به این نتیجه میرسیم که قرآن کریم کتاب الله تعالی و معجزه نبی کریم صلی الله علیه وسلم است. جهت وضاحت بیشتر میتوانید به کتاب (الرسول) صلی الله علیه وسلم نوشته سعید حوی مراجعه نمائید. به همین اساس این موضوع اهمیت زیادی دارد، زیرا از یک طرف موضوع جدید است و از طرف دیگر رد است بالای منکرین کتاب الله تعالی که میگویند قرآن کتاب الله نیست زیرا آیت های آن پراکنده است و یکی به دیگر ارتباط ندارد.

### اهداف بحث:

هدف از این بحث ثابت ساختن اعجاز قرآن کریم است که ساخته دست بشر نبوده بلکه کتاب خالق مخلوق و قانون الهی است و تا ابد مخلوق مانند آنها آورده نمی تواند.

### سبب اختیار موضوع:

وحدت موضوعی را اختیار کردم تا جوابی باشد بر کسانی که می گویند قرآن موضوعات پراکنده و بی ارتباطی را در بر دارد که نه تنها شایسته مرد عادی نیست چه رسد به پروردگار عالمیان. من در این بحث ثابت می سازم که قرآن کریم مشتمل بر موضوعات مختلف و پراکنده و جسته و گریخته نیست که به ندرت بتوان در بخش عمده یک سوره اتساق و انسجام معانی مشاهده کرد، بلکه با وجود تنوع و تعدد ظاهری موضوعات در بسیاری از سوره های قرآن کریم، غرض و موضوع واحدی نهفته است، و میان تمامی آیه های یک سوره پیوند اجتناب ناپذیری با موضوع و غرض سوره برقرار است، که این ویژگی وحدت موضوعی از معجزات و حکمت الهی است که مخلوق توان آوردن مثل آن را ندارد.

من به خاطری سوره احزاب را اختیار کردم که از یک طرف نه بسیار طولانی است تا وقت زیاد را در بر بگیرد و نه بسیار کوتاه و مختصر است و همچنان موضوعات مختلف را در بر دارد که ثابت شدن وحدت موضوعی در آن نمونه اعجاز قرآن است.

منهج این بحث بیان علاقه این سوره با سوره قبلی، مناسبت یک مقطع با مقطع دیگر و مناسبت مقاطع با محور سوره است، که این همه بیانگر وحدت موضوعی قرآن در این سوره است.

## خطه بحث:

بحث خود را به مقدمه، تمهید و بیان اصل موضوع که دارای نزده مقطع میباشد، خلاصه و نتیجه گیری ترتیب نموده ام.

مقدمه: که شامل حمد و سپاس و درود، اهمیت موضوع، اهداف بحث، پیشینه تحقیق، روش بحث و سوالات تحقیق می باشد به صورت فشرده در مورد آن بحث کرده ام.

تمهید: درین بخش پیرامون آشنایی با سوره احزاب و وحدت موضوعی در موارد آتی بحث کرده ام:  
الف - وجه تسمیه سوره احزاب و سبب نزول آن. ب - مناسبت سوره احزاب با سوره ما قیل. ج - موضوعات اساسی سوره احزاب. د - خصایص سوره احزاب. ه - ارتباط مقاطع با محور اصلی سوره احزاب. و - تصویر غزوه احزاب. ز - معنی و مفهوم وحدت موضوعی. ح - اهمیت و فایده دانستن وحدت موضوعی در فهم تفسیر قرآن کریم. ط - وحدت موضوعی در سوره احزاب.

## روش بحث: وصفی (تحلیلی کتابخانه ای).

در نوشتن این بحث نکات ذیل را مراعات نموده ام:

سبب نزول آیات را با استفاده از مصادر آن بیان نموده ام، سوره را به مقاطع تقسیم نموده ام، ترجمه آیات مقاطع را با استفاده از ترجمه فارسی فی ظلال القرآن، ترجمه خرم دل، ترجمه نموده ام، هر مقطع را به مقطع قبلی و به محور سوره ارتباط داده ام، مقاطع را با استفاده از تفاسیر معتبر تفسیر اجمالی نموده ام، در صورت اختلاف در معانی قول راجح را ذکر نموده ام، فوائد استنباط شده از مقاطع را در هر مقطع ذکر نموده ام و از آوردن اقوال ضعیف خود داری نموده ام. آیات و احادیث را در بین دو قوس { } ذکر نموده ام.

## سوالات تحقیق:

1- آیا سوره احزاب روی یک محور مشخصی می چرخد؟ و مقاطع با محور سوره چه مناسبت دارند؟ و علاقه مقاطع با هم چه طور است؟ و آیا وحدت موضوعی در سوره احزاب تحقق پذیرفته است؟

## مشکلات بحث:

این بحث مشکلات خود را دارد زیرا در رابطه به تفسیر موضوعی کتاب های زیادی نوشته نشده مانند تفسیر تحلیلی که به دسترس همه قرار داشته باشد تا بتوانند به آسانی از آنها استفاده نمایند.

در فارسی یک کتاب بنام تفسیر موضوعی قرآن کریم است که آن هم در رابطه به ارتباط آیات به هم سخن نزده بلکه قرآن کریم را به موضوعات مختلف تقسیم کرده و را جمع به هر موضوع، آیات مربوطه اش را جمع آوری کرده و در آنمورد صحبت نموده است. در رابطه به علاقه و یا مناسبت آیات به هم و یا مناسبت سوره ها به هم و در مجموع مناسبت همه سوره های قرآن کریم به هم چیزی ننوشته است، به این مناسبت در نوشتن وحدت موضوعی در سوره های قرآن کریم نسبتاً مشکلاتی وجود دارد.

## نتایج متوقع از این بحث:

درین بحث انشاءالله واضح میسازم که:

- 1- آیات سوره احزاب غیر منظم و پراکنده نبوده بلکه آیات آن به هم ارتباط داشته و روی محور مشخصی می چرخند، و وحدت موضوعی در سوره از مهمترین معجزه ها در قرآن است.
- 2- تمامی آیات سوره احزاب به رغم ناپیوستگی های ظاهری بر آنها پیوستگی مفهومی حاکم است و تمامی آیات آن بر محور موضوعی خاص و غرض واحد ترتیب و تنظیم یافته است.
- 3- قرآن کریم از نظم و ترتیب و اسلوبی برخوردار است که مانند آن را آوردن، از توان بشری خارج است، در نهایت به این نتیجه میرسیم که قرآن کریم کتاب و قانون خالق و آفریدگار همه موجودات بوده که از آغاز نزول قرآن تا به امروز کسی مانند آنرا نیاورده و تا قیام قیامت آورده نمی تواند.

## تمهید

### پس منظر:

جنگ احد که در سال سوم هجری به وقوع پیوست، در اثر نا فرمانی چهل تن از مسلمانان که در بالای کوه احد بودند به مسلمانان شکست رخ داد، از همین خاطر برای مشرکان عرب، یهود و منافقان امیدواری پیدا شد که میتوانند مسلمانان را شکست بدهند.

بعد از جنگ احد اضافه از دو ماه نگذشته بود که قبیله بنی اسد در نجد به خاطر حمله به مدینه آمادگی گرفتند، پیامبر صلی الله علیه و سلم جهت جلوگیری آن سریه ابوسلمه را فرستاد.

ابو سلمه<sup>1</sup> با لشکر صد و پنجاه نفری به خاطر سرکوب کردن بنی اسد ناگهان بر آنها وارد شد، آنها از بسیار وارخطائی همه چیز خود را ترک کرده فرار کردند و خانه و مال و زمین همه بدست مسلمانان افتید<sup>2</sup>.

در سال چهارم در ماه صفر قبائل عضل و قاره از پیامبر اسلام خواستند که چند تن از اصحاب کرام را بفرستد تا به آنها دین اسلام را تعلیم بدهند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم به سوی آنها ده تن از صحابه را فرستاد، مگر در راه قبیله هذیل بالای آنها حمله کردند در نتیجه هشت تن آنها را به شهادت رساندند و دو تن دیگر یعنی خبیب بن عدی و حضرت زید بن الدثنه را به مشرکین مکه فروختند. در همین ماه به پیشنهاد بزرگ قبیله بنی عامر، پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم یک هیئت تبلیغی هفتاد نفری را به همراه آن به طرف نجد فرستاد، مگر همراه آنها هم خیانت شد. قبیله رعل و ذکوان در بئر معونه بالای آنها نا آگاهانه حمله کرده و آنها را به شهادت رساندند، از جمله آن ها کعب بن زید و عمر بن امیه نجات یافتند. به تعقیب آن در مدینه قبیله بنی نضیر که قبلاً با پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم پیمان بسته بود، آن پیمان را شکستاده و دسیسه به شهادت رساندن پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم را طرح ریزی کردند. بعد از این که راز به شهادت رساندن پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم فاش گردید، رسول الله صلی الله علیه و سلم آنها را اخطار داد که در ظرف ده

---

<sup>1</sup>- ابو سلمه پسر عبدالاسد نام وی عبدالله، برادر رضاعی رسول الله صلی الله علیه و سلم، قبل از پیامبر اسلام به مدینه هجرت کرده بود. کتاب المغازی لواقدی ج 1 ص 3.

<sup>2</sup>- کتاب المغازی- ج 1- ص 340- ابو عبدالله محمد بن عمر بن واقد الواقدی- المتوفی 207- ناشر: عالم الکتب- بیروت. الطبعة 1413 هجری.



روز باید مدینه را ترک کنند، و اگر بعد از ده روز کسی در مدینه دیده شد کشته می شود. درین هنگام رئیس منافقان عبدالله بن ابی به آنها وعده همکاری داد که جائی نروند و در مدینه بمانند، آنها به قول ابن ابی باور کرده به پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم نفر فرستادند تا برایش بگویند که ما از خانه های خود جائی دیگر نمی رویم، هرچه از دستت می آید بکن.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم مجردی که مدت تعیین شده خروج آنها از مدینه به پایان رسید آنها را محاصره کرد. آنها ایکه وعده همکاری به بنی نضیر داده بودند، جرأت کرده نتوانستند که با ایشان همکاری کنند. در نتیجه آنها به این شرط از جنگ دست کشیدند که در شترها هرچه می توانند با خود ببرند باقی هرچه ماند از مسلمان هاست<sup>1</sup>. به این ترتیب هرچه که متعلق به بنی نضیر بود در مدینه از باغ و زمین و وسائل به تصرف مسلمان ها شد. بعداً قبیله های بنو ثعلبه و بنومحارب آمادگی حمله به مدینه را گرفتند. به خاطر دفاع آنها پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم خود با لشکر چهارصد نفری بالای آنها حمله کردند که در نتیجه آنها بدون مقاومت خانه ها و مال و اسباب خود را ترک کرده به کوه ها فرار کردند. به همین ترتیب بعد از جنگ احد در هر گوشه و کنار دشمنان اسلام آمادگی حمله بالای مسلمانان را می گرفتند مگر با استقامت و پایداری مسلمان ها طرح های دشمنان اسلام خنثی میگردید.

در هنگامی که ابوسفیان از جنگ احد برمی گشت به مسلمانان خطاب کرد که موعد ما و شما سال آینده در بدر است. در جواب پیامبر صلی الله علیه و سلم بواسطه یک صحابی اعلان کرده بود که درست است سال آینده مقابله ما و شما در بدر است. به همین سبب پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم در همان وقت تعیین شده با پنجصد صحابی به بدر رفتند. از آنطرف ابوسفیان با دوهزار نفر به طرف بدر حرکت کرد، مگر در منطقه مرالظهران جرأت پیش رفتن را نکرد. پیامبر صلی الله علیه و سلم در آنجا هشت روز انتظار کشیده بعداً به مدینه رجوع کرد<sup>2</sup>.

بعد از این واقعه در سرتاسر عرب آوازه پخش شد که قریش از این به بعد توان مقابله با پیامبر اسلام را ندارد زیرا قبلاً هم قبائل مختلفی را که اراده حمله به مسلمانها را داشتند سرکوب کرده بود. در همین دوران واقعه دیگری نیز رخ داد و آن این که بین عرب و شام یک منطقه به نام

<sup>1</sup>- عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر- باب غزوه بنی النضیر- ج 2 ص 73- محمد بن محمد بن احمد سیدالناس الیعمری الربعی- ناشر دار القلم بیروت. الطبعة 1418 قمری.

<sup>2</sup>- السیرة النبویه - ج 2 ص 94- عبدالملک بن هشام بن ایوب الحمیری المعافری- ابو محمد جمال الدین المتوفی 213 ناشر مطبعة مصطفی البابی بمصر. الطبعة 1405 قمری

"دومةالجدل" امروز به نام الجوف یاد می شود که یک جای تجارتي و مهم بود، از آنجا کاروان تجارتي مصر، سوریه، عراق و عرب عبور میکردند. مردم این منطقه کاروان های تجارتي را آزار و اذیت میکردند. به خاطر پند دادن به آنها پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم در اول سال پنجم هجری با لشکر هزار نفری به آنجا تشریف بردند، مردم منطقه مقاومت کرده نتوانسته و فرار کردند. با این عمل هیبت مسلمانها در تمام عرب شمالی نشست و فهمیدند که دیگر با مسلمانان مدینه مقاومت کردن مشکل است. روی همین اسباب جنگ احزاب بوقوع پیوست<sup>1</sup>.

### غزوه احزاب:

غزوه احزاب در حقیقت حمله چندین قبیله عرب متحداً با لای مسلمانان بود. طراحی جنگ احزاب را رهبران بنی نضیر که از مدینه فراری شده بودند کردند. آنها همه جا گشتند آن قبائلی که مخالف پیامبر اسلام بودند مانند: قریش، غطفان، هذیل، یهودیان بنی نضیر و بنی قینقاع که در جلا وطنی در وادی القری و خیبر بسر می بردند، و غیره قبائل را را متحد ساختند تا دسته جمعی با لای مسلمانان در مدینه حمله کرده و آنها را نابود سازند. بالاخره در سال پنجم هجری یک جمعیت بزرگ عربها جمع شدند و بالای مدینه حمله کردند که در تاریخ عرب به این بزرگی قبلاً جمع نشده بودند، تعداد آنها به ده و یا دوازده هزار نفر می رسید. اگر این حمله ناگهانی می بود به مسلمانان تلفات زیادی وارد می کردند مگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم قبلاً از این حمله آگاه شده بود، بناءً قبل از اینکه آنها به مدینه حمله کنند در مدت شش روز به سمت شمال مدینه یک خندق حفر کردند و در عقب خندق با سه هزار نفر به خاطر دفاع آماده شدند. به طرف جنوب باغ های زیاد بود که از آن طرف حمله کرده نمی توانستند، دیگر راه های آنها هم بند بود تنها راه هجوم همان راه شمال بود که در آن جا خندق حفر کردند.

برای کافران به غیر از خندق تنها یک راه دیگر مانده بود و آن این که قبیله بنی قریظه را وادار سازند تا پیمانی که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم بسته بودند بشکنند و با دیگران یکجا شده بالای مسلمانها حمله کنند، زیرا قبیله بنی قریظه در جنوب مدینه واقع بود که سد راه حمله بالای مسلمانان شده بود. کافران به همین منظور بزرگ قبیله بنی نضیر را به بنی قریظه فرستادند تا آنها را وادار به شکستادن پیمان با پیامبر اسلام بسازند، بزرگ قبیله بنی نضیر به تصمیم خود موفق شده و بنی قریظه را وادار ساخت تا وعده خود را که با پیامبر اسلام بسته بود بشکنند. بنی قریظه به وی

<sup>1</sup> - تفهیم القرآن ترجمه پشتو- اداره احیاءالعلوم پشاور- جلد 4 ص- 82- سید ابوالاعلی مودودی- اللطبعة 1992 م-

وعده دادند که دیگر پیمانی با محمد نیست و ما با شما یکجا بالای مسلمانها حمله می کنیم. این خبر به پیامبر اسلام رسید، پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم چند تن از اصحاب کرام را به بنی قریظه فرستاد تا از حقیقت آگاه شود. بنی قریظه به اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم گفتند که عهد و پیمانی بین ما و محمد نیست. با شنیدن این خبر مسلمانان بسیار به تشویش شدند زیرا از دوطرف با دشمن جنگ کردن و آن هم لشکر بسیار زیاد خیلی مشکل بود. خداوند جل جلاله درین مقطعه اساس مسلمانان را کمک نموده طوفان شدیدی را بالای آنها نازل کرد که همه ذپلان آنها را برهم زدند، خیمه ها و تجهیزات شان را به هوا کشیده و آنها را مجبور به فرار کرد. بدین ترتیب مسلمانها از جنگ آنها نجات یافتند<sup>1</sup>.

### عزوه بنی قریظه:

هنگامی که مسلمانان از خندق برگشتند پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم هنگام ظهر به خانه رسید در این وقت جبرائیل علیه السلام آمد و برایش حکم را بیان کرد که اسلحه را به زمین نگذارد زیرا موضوع بنی قریظه باقی مانده هم اکنون با آنها فیصله کردن ضروری است. با شنیدن این حکم پیامبر صلی الله علیه و سلم اعلان کرد که هرکس به سمع و طاعت پایند است باید نماز دیگر را در بنی قریظه بخواند. {عَنِ ابْنِ عُمَرَ ، قَالَ : قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ الْأَحْزَابِ : لَا يُصَلِّيَنَّ أَحَدٌ الْعَصْرَ ، إِلَّا فِي بَنِي قُرَيْظَةَ<sup>2</sup> } از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که حضرت نبی کریم صلی الله علیه و سلم در روز احزاب گفت: هیچ یک از شما نماز عصر را نمی خوانید مگر در بنی قریظه. پیامبر صلی الله علیه و سلم مطابق به این اعلان یک تعداد از صحابه کرام را به سرکردگی حضرت علی رضی الله عنه به طرف بنی قریظه فرستاد، بعداً آن حضرت صلی الله علیه و سلم با یک لشکر بزرگ به تعقیب آنها به بنی قریظه رسیده و آنها را محاصره کردند. بعد از دو و یا سه هفته مقاومت تسلیم شدند مشروط بر این که هرچه بزرگ قبیله اوس حضرت سعد بن معاذ<sup>3</sup> رضی الله عنه فیصله کند قبول داریم. حضرت سعد رضی الله عنه با در نظر داشت عهد شکنی بنی قریظه فیصله کرد که تمام مردان آنها کشته شوند و زنان و اطفال شان غلام شده و تمام اموال آنها بالای مسلمان ها تقسیم

1 - تفسیر تفهیم القرآن ترجمه پشتو جلد 4 ص 87 - مودودی.

2- صحیح بخاری- باب صلاة الطالب و المطلوب راكبا و ایاء- ج 2 ص 15- رقم 964. ابو عبالله محمی بن اسماعیل البخاری الجعفی - الطبعة 1357 قمری.

3- سعد پسر معاذ پسر نعمان انصاری از بنی عبدالاشهل کنیت وی ابا عمرو، در جنگ بدر اشتراک کرده و در جنگ احزاب در بازویش زخم برداشت و بعد از آن یکماه زنده بود- الاصابه فی تمیز الصحابه- ج 3 ص 70.

## وحدت موضوعی در سوره احزاب

شود، این در حالی است که حضرت سعد در غزوه احزاب زخمی شده بود. پیامبر صلی الله علیه و سلم فیصله سعد رضی الله عنه را تطبیق کرد. زمانی که مسلمان ها داخل خانه های شان شدند از داخل خانه ها هزارو پنجصد شمشیر و دوهزار نیزه و غیره آلات جنگی به دست آوردند. این خود نشان دهنده آن است که آمادگی کامل به خاطر حمله بالای مسلمانان را داشتند. پس فیصله سعد رضی الله عنه در باره آنها به حق بود<sup>1</sup>.

## وحدت موضوعی:

عبارت از: تناسب و پیوستگی در سراسر یک سوره با محوریت موضوعی واحد. ویا رابطه معنوی تناسبی نزدیک میان آیات هر سوره. به عباره دیگر وحدت موضوعی عبارت از برقراری پیوند ناگسستنی و اجتناب ناپذیر تمامی آیه های یک سوره با غرض و موضوع اصلی سوره<sup>2</sup>.

## وحدت موضوعی در سوره احزاب:

این سوره مشتمل است بر احکام، معارف، قصص، عبرت ها و مواعظی چند، از آن جمله داستان جنگ احزاب و یهودیان بنی قریظه.

این سوره با وجود داشتن موضوعات مختلف همه مقاطع آن به گونه ای روی یک محور مشترک دور میزنند. مقاطع سوره احزاب یکی با دیگری و در مجموع با محور سوره گره خورده اند که وحدت موضوعی این سوره را بر ملا میسازد، این وحدت موضوعی از بارز ترین انواع اعجاز قرآن بوده که بشر را از آوردن مثل آن عاجز ساخته است.

مفسرین هریک از دید خود به سوره احزاب محوری ذکر کرده اند مانند:

موسوعة التفسیر الموضوعی و تفسیر معارف القرآن، محور سوره احزاب را محبوبیت رسول الله صلی الله علیه و سلم و خصوصیات وی نزد الله متعال و وجوب گرامیداشت و حرمت آزار رسانی به پیامبر گرامی اسلام ذکر کرده اند.

<sup>1</sup> - تفهیم القرآن - ترجمه پشتو ج 4 ص 88- مودودی .

<sup>2</sup> - المدخل الی القرآن الکریم- ص 121 الطبعة الاول- دکتور محمد عبدالله دراز. الطبعة 2016 م.

التفسیر الموضوعی لسور القرآن از مصطفی مسلم برای سوره احزاب سه محور ذکر نموده است:

- 1- عقیده به الله متعال و تسلیم به تقدیر وی.
- 2- تشریف و تنزیه پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم و آل بیت و مؤمنین.
- 3- غزوه احزاب و نعمت الله متعال به رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحاب کرام و نصرت بر دشمنان اسلام.

تفسیر تفهیم القرآن محور اصلی سوره احزاب را سه محور ذکر کرده است:

اول غزوه احزاب که در سال پنجم هجری بوقوع پیوست، دوم غزه بنی قریظه که در سال پنجم هجری بوقوع پیوست و سوم نکاح پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم با زینب و خط بطلان کشیدن به رسوم جاهلیت<sup>1</sup>.

یقیناً اگر هر یک از موضوعات فوق را محور سوره احزاب قرار دهیم مقاطع آن با محور به گونه ای مناسب میداشته باشند که این خود وحدت موضوعی سوره را نشان میدهد، مگر من از دید خود به طور فشرده محور این سوره را تسلیم شدن به احکام الهی در هر حالت بویژه در هنگام مشکلات قرار داده ام زیرا یک محور عام شده میتواند که همه مقاطع با آن مناسب داشته باشد.

مجتمع اسلامی تازه بپا خاسته به چنین اصلاحی ضرورت داشت تا قوانین تازه ای را جانشین قوانین قبلی سازد، و هدف از نزول قرآن هم همین است تا مجتمع اسلامی را پایه گذاری نماید، بناءً سوره احزاب بسیاری از عادات جاهلی را باطل و بسیاری از احکام الهی را نافذ ساخت، پس محور اصلی سوره روی تسلیم شدن به احکام الهی در هر حالت بویژه در هنگام مشکلات می چرخد.

### فائده دانستن وحدت موضوعی در فهم تفسیر قرآن کریم:

- 1- دانستن محور اصلی سوره کمک می کند به فهم بسیاری از آیات که سیاق کلام به آن دلالت می کند.

<sup>1</sup> - تفهیم القرآن- ج 4 ص 78- مودودی.

2- دقت در فهم مقاصد سوره بهترین راه برای فهم معانی آیات است.

3- دانستن وحدت موضوعی در یک سوره ای که قضایای مختلف دارد وجهی از وجوه اعجاز قرآن کریم را ثابت میسازد .

4- دانستن وحدت موضوعی رد است بالای کسانی که میگویند: سوره های قرآن باهم ارتباط ندارند، هر سوره از مسائل پراکنده بحث کرده، آیاتش یکی با دیگری ارتباط ندارد<sup>1</sup>.

### سوره احزاب:

سوره احزاب مدنی است، تفاسیر معتبر مثل: تفسیر طبری، تفسیر ابن کثیر، فی ظلال القرآن و تفسیر تهفیم القرآن آنرا مدنی ذکر کرده اند. و دارای هفتاد و سه آیت است. در مصحف و کتب تفسیر و سنت به نام سوره احزاب نام گذاری شده است. همچنان از عبدالله بن عباس و ابی بن کعب به اسانید مقبول به نام سوره احزاب یاد شده است. نام سوره از آیت بیستم این سوره گرفته شده که در آن احزاب ذکر شده است {يَحْسِبُونَ الْاِحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا}<sup>2</sup>. به قول تفسیر المراغی بعد از سوره آل عمران و به قول ابن عاشور بعد از سوره انفال و قبل از سوره المائده نازل شده است. و در مصحف شریف بعد از سوره السجده سی و سوم ذکر گردیده است.

این سوره مشتمل است بر: مقطع اول: عظمت و مکانت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم، مقطع دوم: تصحیح مفاهیم اجتماعی، مقطع سوم: ولایت عام پیامبر اسلام بالای مؤمنین، مقطع چهارم: پیروزی مؤمنین بر گروه های متهاجم، و نقش منافقین در غزوه احزاب. مقطع پنجم: معرفی قده حسنه و پیروانش، مقطع ششم: نتیجه نبرد و شکست بنوقریظه، مقطع هفتم: تعیین سرنوشت ازواج مطهرات، مقطع هشتم: تکمیل شخصیت مسلمان، مقطع نهم: ازدواج نبی کریم با زینب، مقطع دهم: امر به کثرت ذکر الله تعالی و تسبیح وی، مقطع یازدهم: وظایف رسول الله صلی الله علیه و سلم، مقطع دوازدهم: حکم طلاق قبل از همبستر شدن، مقطع سیزدهم: خصوصیات پیامبر اسلام ، مقطع چهاردهم: آداب اجتماعی اسلامی، مقطع پانزدهم: منع ایذاء رسول الله صلی الله علیه و سلم و مؤمنین، مقطع

<sup>1</sup> - النبا العظیم- ص 195- الطبعة 1389 هجری- دکتور محمد عبدالله دراز.

<sup>2</sup> - تفسیر التحریر و التنویر- مؤسسة التاریخ بیروت لبنان- ج 21 ص - 175- محمد طاهر بن عاشور- 1997 م -

شانزدهم: فرضیت حجاب، مقطع هفدهم: تهدید منافقین و وعده قرب قیامت برای کفار، مقطع هژدهم: هدایات برای مؤمنین، مقطع نوزدهم: عظمت تکلیف انسان و حمل امانت. در مجموع بین یک مقطع با مقطع دیگر و بین مقاطع با محور سوره به گونه ای رابطه موجود است که وحدت موضوعی را تثبیت می نماید. این وحدت موضوعی بعد از شرح مقاطع انشاء الله واضح می گردد.

در این سوره نخست الله متعال پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم را عزت داده وی را به نبی خطاب نموده که اطاعت الله جل جلاله را نماید، و از پیروی کفار و منافقین بپرهیزد، این روشی است که الله تعالی پیامبرش را به انجام دادن آن دستور میدهد، زیرا آنچه را که کفار در دل دارند و می خواهند الله متعال از آن آگاه است، و آنچه را دستور میدهد از حکمت وی خالی نیست.

کفار پیوسته از پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم می خواستند که ما را به حال ما رها کن که آنچه را می پرستیم بپرستیم و ما ترا به حال خودت رها می کنیم که آنچه را می پرستی بپرست. الله متعال برایش دستور داد تا فقط از آنچه که از جانب پروردگارت به تو وحی می شود پیروی کن. به پیشنهادات آنها توجهی نکرده فقط طبق وحی الهی عمل کن و بعد از تصمیم در کاری توکلت را به الله تعالی کن زیرا بهترین کارساز الله تعالی است و هر کاری را که انجام دهد الله تعالی از آن با خبر است.

از دو مفکوره پیروی کردن امکان پذیر نیست، هم الله پرست بودن و هم بت پرست، هم از وحی الهی پیروی کردن و هم از خواهشات خود ممکن نیست. زیرا هیچ شخصی دارای دو قلب نیست، که یک قلب آن الله پرست باشد و یک قلب دیگر آن بت پرست.

دو عادت جاهلی را که یکی ظهار است و دیگری تبنی هر دو را ملغاً قرار داده و می فرماید که به گفتن اینکه **(انت کظهر امی)** یعنی تو مانند پشت مادرم هستی زن شخصی طلاق نمی گردد، و به اینکه شخصی فردی را بگوید: تو پسر هستی، فرد مذکور پسر نسبی اش نمیگردد پس باید اشخاص به نام پدران نسبی شان یاد کردند، و برادران دینی هم مانند برادران نسبی نیستند و از یکدیگر میراث نمیبرند. بعداً ولایت پیامبر اسلام را بر مؤمنان بیان میکند که اراده و خواست پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم در مسائل فردی و اجتماعی مقدم بر اراده و خواست مسلمانان است. به این ترتیب تنظیم مسلمانان را به پایه های اصل آن بر گردانده و به ازواج مطهرات پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم اختیار میدهد که یا زینت و دارائی دنیا را قبول کنند یا زندگی ابدی آخرت را. به تعقیب آن موضوع ازواج زینب دختر جحش قریشی دختر عمه رسول الله صلی الله علیه و سلم را با زید پسر خوانده

پیامبر اسلام صلی الله علیه و بعداً از دواج زینب را با رسول الله صلی الله علیه و سلم بیان میکند. بعداً مسئله حجاب را بیان نموده و کیفر کسانی که به پیامبر اسلام آزار میرسانند واضح میسازد. در پی آن از قیامت آگهی میدهد که قیامت را هیچ کسی به جز الله متعال نمیداند. و در اخیر مقام والای کسانی را که امانت سنگین دین مبین اسلام را به عهده دارند بیان میدارد.

در قسمت تعداد آیات سوره احزاب روافض شبهاتی وارد کردند که گویا بعضی از آیات این سوره مفقود گردیده و یا تحریف شده است. **{ وَكَانَتْ أَطْوَلُ مِنْ سُورَةِ الْبَقَرَةِ وَلَكِنْ نَقَصُوهَا وَحَرْفُوهَا <sup>1</sup> }** و طویلتر از سوره بقره بود لکن آنرا کم کردند و تحریف کردند. درین مورد حدیث عایشه رضی الله عنها را که گفته: آیت رجم و رضاعت کبیر نازل شد و در صحیفه ای زیر سریر من بود و ما در موت رسول الله صلی الله علیه و سلم مشغول شدیم، گوسفند داخل شده و آن صحیفه را خورد **{ دَخَلَ دَاجِنٌ فَأَكَلَهَا }** نیز دلیل می گیرند. و همچنان حدیث صحیح روایت شده از اُبی بن کعب<sup>2</sup> را که سوره احزاب برابر به سوره بقره بوده **{ كَانَتْ سُورَةُ الْأَحْزَابِ تُؤَازِي سُورَةَ الْبَقَرَةِ <sup>3</sup> }**.

تفسیر ابن عاشور می نویسد: اُبی بن کعب قبل از نسخ آیات سوره احزاب روایت کرده است<sup>4</sup>.

نسخ در قرآن ثابت است، الله متعال بعضی از آیات را نسخ کرده و بعوض آنها آیات دیگری را نازل کرده است، الله تعالی می فرماید **{ مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا }** البقرة: 106. هر آیه ای را نسخ کنیم یا از یادها ببریم بهتر از آن یا مثلش را می آوریم.

از خطبه حضرت عمر رضی الله عنه که در مدینه ایراد فرموده بود نیز معلوم می شود که بعضی از آیات سوره احزاب نسخ شده است **{ قَوْلَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْلَا أَنْ يَقُولَ النَّاسُ زَادَ عُمَرُ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَكَتَبْتُمَا: { الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَارْجُمُوهُمَا أَلْبَتَّةَ }، فَإِنَّا قَدْ قَرَأْنَاهَا }**<sup>5</sup>. اگر مردم نمی گفتند که عمر

<sup>1</sup>- ثواب الاعمال- باب ثواب من قرأ سورة الاحزاب- ص - 111- محمد بن علی القمی - الطبعة - 1376 هجری-

<sup>2</sup>- ابي بن کعب بن قيس بن عبيد بن معاوية بن عمرو- از بنی حدیله و آن محله ای است در مدینه- در جنگ بدر شرکت کرده بود،- معجم البلدان لحموی- ج 4 ص 44.

<sup>2</sup>- المستدرک علی الصحیحین للحاکم رقم 3554- باب تفسیر سورة الاحزاب- ج 2 ص 1411- ابو عبدالله الحاکم محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه بن نعیم بن الحکم النیشابور الطبعة 2009 م.

<sup>4</sup>- تفسیر ابن عاشور جلد 21 ص 176

<sup>5</sup>- مسند الشافعی- کتاب اختلاف الحدیث و ترک المعاد منها- ج 1 ص 163. ابي عبدالله حمی بن ابريس الشافعي دار الکتب علمیه بیروت لبنان الطبعة 1412 قمری.



در کتاب الله اضافه کرده من آنرا می نوشتم (در قرآن) **{الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنِيَا فَارْجُمُوهُمَا أَلْبَتَّةَ}** ما آنرا قرائت کرده ایم .

در روایت دیگر از عمر رضی الله عنه در خطبه طولانی ای که ایراد فرمود آمده: رجم حق است، در قرآن بود، پیامبر اسلام رجم کرده و ما هم رجم کردیم، من میترسم که بعد از مدتی کسی بگوید: ما در قرآن آیت رجم را نماییم ، پس گمراه می شوند به ترک فریضه الله . اگر مردم نمی گفت که عمر در قرآن اضافه کرده آیت رجم را به دست خود می نوشتم **{ لَوْلَا أَنْ يَقُولَ النَّاسُ زَادَ عُمَرُ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَكُنْتُمْ آيَةَ الرَّجْمِ بِيَدِي }**<sup>1</sup> . یعنی آیت رجم را اگر منسوخ نمی بود در قرآن می نوشتم.

در معرفة السنن و الآثار آمده : نسخ آیت رجم به نزد صحابه کرام معلوم بود زیرا وقتیکه حضرت عمر رضی الله عنه از پیامبر اسلام اجازه خواست تا آیت رجم را مثل سایر آیت های قرآن کریم نوشته کنند پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم اجازه نداد.<sup>2</sup>

به نظر من این امکان ندارد که اصحاب کرام حاضر باشند و قرآن کریم در سینه اکثرشان محفوظ و نوشته های آن به نزدشان موجود بعداً آیات گم شود و یا تحریف گردد و صحابه کرام صدای خود را نکشیده و خاموش بنشینند، این از نا ممکنات است.

از زید بن ثابت<sup>3</sup> رضی الله عنه روایت است: آیتی از سوره احزاب را که شنیده بودم رسول الله صلی الله علیه و سلم آنرا تلاوت میکرد گم کرده بودم، بعد از جستجو آنرا نزد خزیمه انصاری یافتیم و به سوره اش ملحق کردم **{ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ }**<sup>4</sup> {الاحزاب: 23}. پس اگر آیات دیگری هم گم می بود آن ها را جستجو کرده پیدا می کردند.

<sup>1</sup> - صحیح بخاری- باب الشهادة تكون عندالحاكم- رقم 6441..

<sup>2</sup> - معرفة السنن و الآثار- ابی بکر احمد بن الحسين البيهقي- المحقق: عبدالمعطي امين قلجعي- باب ما يحرم من الرضاع جزء 11 ص 261- 1412 قمری.

<sup>3</sup> - زید بن ثابت بن الضحاک بن لوزان بن عمرو بن عبد عوف- انصاری است از مدینه کاتب وحی از جمله مفتیان صحابه بود، در سال 45 هجری فوت کرد- اسعاف المبطأ- ج 1 ص 14.

<sup>4</sup> - المعجم الكبير- باب زید بن ثابت- ج 4 ص 82- مكتبة ابن تيمية- القاهرة- الطبعة 2010 م- سليمان بن احمد بن ايوب بن مطير اللخمي الشامي- ابوالقاسم الطبرانی.

بعد از جمع قرآن به اجماع صحابه، دیگر هیچ نقصی در قرآن باقی نمی ماند. این که بسیاری از آیات قرآن کریم مفقود گردیده و یا تحریف شده یک اصل از اصول روافض است تا طعن بزنند به سه خلیفه اول، به زعم رافضه قرآن کامل به نزد امام منتظر است و او همه قرآن را می آورد<sup>1</sup>.

سوره احزاب اسباب نزول مختلف دارد بناءً سبب نزول هر مقطع را در تفسیر اول هر مقطع ذکر می کنم.

### مناسبت سوره احزاب با سوره قبل:

بقاعی مناسبت این سوره را با سوره قبلی چنین می نویسد: سوره السجده ختم گردیده به دوری از کفار و توجه نکردن به اقوال آنها، و انتظار کشیدن به حکم الله تبارک و تعالی در باره آنها، و شک نکردن به لقاء الله تبارک و تعالی. سوره احزاب شروع شده به منع اطاعت از کفار و امر شده به پیروی از قرآن<sup>2</sup>.

وجه اتصال این سوره با سوره السجده به قول سیوطی یرحمه الله تشابه مطلع این سوره با مقطع سوره سجده است. سوره قبلی ختم شده به امر رسول صلی الله علیه و سلم به اعراض از کفار و منافقین و انتظار عذاب شان و سوره احزاب در آغاز امر کرده رسول الله صلی الله علیه و سلم را به تقوی و عدم اطاعت کافرین و منافقین و پیروی از وحی با توکل به الله متعال<sup>3</sup>.

### خصایص سوره احزاب:

این سوره موضوعات و احکام متعددی را در بر گرفته که در سوره های دیگر تکرار نشده است بناءً این سوره نسبت به سوره های دیگر مزایای خاص خود را دارد. مثل: غزوه احزاب و بنی قریظه، قضیه تبنی، تخییر زوجات النبی در انتخاب دنیا و یا آخرت، و اینکه آنها مثل سایر زنان نیستند، مسئله ازدواج پیامبر اسلام با زینب، باطل ساختن عادت جاهلیت تبنی، زنان رسول الله صلی الله علیه و سلم را امر به حجاب، درود فرستادن به پیامبر اسلام، ولایت پیامبر اسلام بالای مسلمانها،

<sup>1</sup> - تفسیر التحرير والتتویر ج 21 ص- 177- ابن عاشور.

<sup>1</sup> - نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور جزء 15 ص 373- مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیه الهند- ابی الحسن ابراهیم بن عمر البقاعی- الطبعة 1884 م.

<sup>2</sup> - البحر المحیط فی التفسیر- جلد 7 ص 206- ابو حیان محمد بن یوسف بن علی بن یوسف بن حیان الاندلسی- دارالفکر بیروت الطبعة 1420 م

## وحدت موضوعی در سوره احزاب

موضوع هبه، موضوع تشبیه دادن خانم را به پشت مادر یا ظهار، حکم زنانی که پیش از مباشرت طلاق داده میشوند و سخن از امانت انسان.

## مقطع اول

### عظمت و مکانت پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم

الله تعالی نبی کریم صلی الله علیه و سلم را به پیروی از وحی و توکل به الله متعال و مخالفت کفار و منافقین امر نموده است. میفرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (1) وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (2) وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (3)

### ترجمه آیات:

- 1- ای پیامبر بترس از (عذاب و خشم) الله، و از کافران و منافقان اطاعت مکن، بیگمان الله آگاه(از هر چیزی و) دارای حکمت( در افعال و اقوال خود) است.
- 2- از چیزی پیروی کن که از سوی پروردگارت به تو وحی می شود، بیگمان الله از کارهایی که انجام می دهد بس آگاه است.
- 3- و بر الله توکل کن( و کارهای خود را به او بسپار) همین بس که الله حافظ ( و مدافع انسان) باشد.

### سبب نزول:

ابو سفیان بن حرب ، عکرمه بن ابی جهل و ابو الاعور السلمی در موعدی که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم قرار گذاشته بودند، به مدینه داخل شده اول به خانه عبدالله بن ابی و معتب بن قشیر و الجد بن القیس رفته بعد از مشوره با آنها به نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم رفتند. آنها به پیامبر اسلام پیشنهاد کردند که بتان ما را به خوبی یاد کن و بگو که آنها به نزد الله متعال شفاعت میکنند. این گفتار آنها پیامبر اسلام را ناراحت کرد، عمر رضی الله عنه از پیامبر اسلام خواست تا اجازه دهد که آنها را به قتل برساند مگر پیامبر اسلام فرمود که من برای شان امان داده ام، رسول الله صلی الله

علیه و سلم امر کرد تا از مدینه آنها را خارج کنند. سپس این آیات نازل شد: **{ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا <sup>1</sup> }**.

### معنای اجمالی:

در ابتداء این سوره الله تبارک و تعالی پیامبر اسلام را مخاطب قرار داده راه و روش زندگی را برایش رهنمائی نموده و به بهترین وجه وی را به یایهاالنبی خطاب قرار داده و نه فرموده یا محمد زیرا به خاطر مقام و منزلتی که به نزد الله تعالی دارد و به خاطر تعلیم امت که پیامبر اسلام را به رسول و یا نبی یاد کنند، تا منزلت و عزتش بین مسلمانها محفوظ باشد. پیامبر اسلام در قرآن به نام محمد چهار مرتبه و به احمد یک مرتبه ذکر گردیده است.

الله تعالی درین نداء پیامبرش را متوجه رسالتش میسازد، و آن پیروی از وحی الهی است. الله تعالی مثل این نداء در سوره المائده نیز فرموده **{ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ }** المائده 67 یعنی ای پیامبر تبلیغ کن آنچه را که پروردگارت برایت فرستاده است. و در آیت دیگری فرموده **{ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ }** المائده 41. ای پیامبر ترا غمگین نسازد کسانی که در کفر شتاب میکنند.

الله تعالی پیامبر اسلام را مأمور کرد به تقوی الله عز و جل و نهی فرمود از اطاعت کافرین و منافقین در این جا سؤال مطرح می شود که پیامبران معصوم هستند و الله تعالی گناهان پس و پیش پیامبر اسلام را بحشیده است پس چرا وی را به تقوی امر فرموده؟ جواب این سؤال معلوم است زیرا هرگاه بخواهند کسی را که در کاری مصروف است تا در همان کار در حال و آینده پایدار بماند، وی را در همان کار امر میکنند. مثلاً الله تعالی مؤمنین را به صفت مؤمن خطاب کرده بعداً آنها را دستور میدهد تا ایمان بیاورند **{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ }** النساء: 136. یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید ایمان بیاورید به الله تعالی و رسولش. در بدایت این سوره که الله تعالی پیامبر اسلام را به تقوی دستور داده معنی اش این است که در پیروی از وحی و عدم اطاعت کافرین و منافقین در حال و آینده پایدار و استوار باش <sup>2</sup>.

<sup>1</sup> - اسباب نزول الايات جزء 1 ص 331 - دارالباز للنشر و التوزيع- مكة المكرمة-468- ابوالحسن على الواحدی النيسا بوری- الطبعة 1412 قمری.

<sup>2</sup> - تفسیر القرآن - ج 16 - ص 246. - الشعراوی

کفار در مکه و بعداً در مدینه هم پیوسته از پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم می خواستند که آنها را به حال خود شان رها کند و به خدایان شان بدگویی نکند، و منافقین در مدینه هم پیامبر اسلام را تشویق و ترغیب میکردند که به پیشنهاد مشرکین جواب مثبت دهد، و آن پیشنهاد امری بود که الله تعالی به علم و حکمت خود بر خلاف آن حکم نازل کرده و رسول الله صلی الله علیه و سلم را مأمور ساخت تا مطابق خواهشات آنها عمل ننموده و از آنچه به او وحی شده مطابعت نماید. الله تعالی مؤمنان را بر حذر از آن میدارد که آراء و نظرات کافران را بپذیرند، به هیچ وجه نباید مؤمنان بویژه در کار عقیده و در کار قانون گذاری و در کار نظم و نظام دادن و سر و سامان بخشیدن امور اجتماعی، از کافران و منافقان پیروی کنند. و از کسی نهراسیده و به الله تعالی توکل کنند زیرا الله تعالی به آنچه انجام میدهند آگاه است<sup>1</sup>.

آنچه که به رسول الله صلی الله علیه و سلم امر شده بود خیلی مهم بوده و مشکلات زیاد داشت و درد سر آور بود، که هر دلی را وحشت زده و حیران میکرد، مگر کسی را که به الله متعال توکل کرده و از او کمک بخواهد، و متیقن باشد که پروردگارش او را کمک میکند و کافی و کار ساز است { وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا }.

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

این مقطع احکام الهی را بیان میکند که عنصر های سه گانه : تقوی و ترس الله تعالی ، پیروی از وحی الله تعالی و توکل کردن بر او، برنامه روشن، استوار و پایدار برای مسلمانها است تا به آنها تسلیم بوده و در زندگی خود تطبیق نمایند.

### فوائد استنباط شده از مقطع:

1- تعظیم پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم به ذکر، رسول الله- نبی الله – رسول کریم- نبی کریم و فرستادن درود و سلام برایش<sup>2</sup>.

<sup>1</sup>- فی ظلال القرآن- ترجمه فارسی خرم دل- ج 5 ص 138. سید قطب-

<sup>2</sup>- التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم - ج 6 ص 72- نخبة من علماء التفسیر و علوم القرآن- جامعة الشارقة- الامارات العربیة المتحدة- الطبعة 1434 قمری.

2- اهمیت تقوی در حیات مسلم، زیرا سر منشأ هر کار و عمل است. تقوی عبارت از: ادای اوامر جهت بدست آوردن ثواب و دوری از گناه به خاطر نجات از عذاب الله<sup>1</sup>.

3- حرمت پیروی از کفار و منافقین.

4- وجوب پیروی از قرآن کریم و توکل به الله<sup>2</sup>.

5- هرگاه الله تعالی اراده خیر و یا شری را بکند هیچ مانعی در برابر آن وجود ندارد<sup>3</sup>.

---

<sup>1</sup>- تفسیر القرآن العظیم - یکجلدی- مکتبه الرشد - الرياض ص - 1155- ابی الفداء اسماعیل بن عمر ابن کثیر- الطبعة 1422 قمری.

<sup>2</sup>- ایسرالتفاسیر لکلام العلی الکبیر- مکتبه العلوم والحکم - المینة المنوره - الطبعة 1430- ج 4 ص 240. ابی بکر جابر الجزائری-

<sup>3</sup>- تفسیر المراغی- دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - بیروت- ج 7 ص 269. احمد مصطفی المراغی- الطبعة 2015 م.

## مقطع دوم

### تصحیح مفاهیم اجتماعی

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ (4) ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (5).

#### ترجمه آیات:

4- الله دو دل را در درون کسی قرار نداده است، و هرگز همسرانتان را با اظهار (ظهار) مادران شما نمی سازد، و فرزند خواندگانتان را فرزندان حقیقی شما نمی سازد، این سخنی است که شما به زبان می گوئید، الله حق میگوید و به راه راست راهنما می کند.

5- آنان را به نام پدرانشان بخوانید، که این کار در پیش الله عادلانه تر بشمار است، اگر پدران ایشان را نشناختید، آنان برادران دینی و یاران شما هستند، هر گاه در این مورد اشتباه کردید گناهی بر شما نیست، ولی آنچه را که دلتان می خواهد، به هر حال الله پیوسته آمرز گار و مهربان بوده و هست.

#### سبب نزول:

در سبب نزول این مقطع اقوال مختلف ذکر گردیده است، مگر قول راجح آن روایت مسلم و نسائی است که در مورد زید بن حارثه نازل شده زیرا زید بن حارثه را بنام پسر محمد یاد میکردند، سالم بن عبدالله از پدر خود روایت میکند که میگفت: ما زید بن حارثه را به نام زید پسر محمد یاد میکردیم تا این که نازل شد در قرآن { ادعوهم لأبائهم هو أقسط عند الله }<sup>1</sup>. یعنی آنها را به بنام پدران شان یاد کنید.

<sup>1</sup> - صحیح مسلم باب فضائل زید بن حارثه و سنن النسائی الکبری باب سوره احزاب ج 6 ص 429



## علاقه این مقطع با مقطع قبلی:

در مقطع اول رسول الله صلی الله علیه وسلم امر شده بود به پرهیز گاری و منع شده بود از پیروی کفار و منافقین، درین مقطع الله تعالی به ما مثال زده: که ترس از الله تعالی و ترس از کس دیگری یکجا نمی شود، یعنی یک شخص نمی تواند هم از پیرو الله باشد و هم پیرو کفار، زیرا الله تعالی هیچ کسی را دارای دو قلب نیافریده است، و امکان ندارد یک زن هم خانم و هم مادر انسان باشد، همچنان پسر خوانده (تبنی) پسر حقیقی نگردیده و میراث برده نمی تواند<sup>1</sup>.

## معنای اجمالی:

الله تعالی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم دستور داد که در قصه سخنان کفار و منافقین نشود و تنها از وحی الهی پیروی کند زیرا انسان از یک راه پیروی کرده میتواند و بس، به خاطر اینکه الله متعال در بدن هیچ کسی دو دل نه آفریده است، که یک دل آن از یک راه پیروی کند و دل دیگر آن از راه دیگر. این امکان ندارد که یک نفر هم مشرک باشد و هم مسلمان، مثلی که یک نفر امکان ندارد که دو پدر و یا دو مادر داشته باشد، سید قطب علیه الرحمه در تفسیر همین آیت دو قلب را به دو راه تفسیر نموده یعنی همانطوریکه انسان دو قلب ندارد دو راه را هم اختیار کرده نمیتواند باید یک راه را انتخاب کند یا کفر یا اسلام<sup>2</sup>، من هم قول سید قطب علیه الرحمه را ترجیح میدهم زیرا از سیاق کلام چنین معلوم می شود که هیچ انسانی امکان ندارد هم کافر باشد و هم مسلمان، هم از قانون اسلام پیروی کند و هم از قوانین غیر اسلامی، این عمل را منافقین پیشه کرده اند که با کفار کافر هستند و با مسلمانان مسلمان، اگر کدام آیه به رغبت شان برابر بود به آن عمل میکنند و اگر برابر نبود به آن عمل نمیکند، پس آنها نه از گروه مسلمانها هستند و نه از گروه کفار، الله متعال درین مورد میفرماید: ﴿مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هُوَاءٍ وَلَا إِلَى هُوَاءٍ﴾ النساء: 143. جای هر دوی این دو طبقه کفار و منافقین در جهنم است ﴿وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا﴾ التوبه: 68. در جای دیگر میفرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ﴾ النساء: 145

<sup>1</sup> - تفسیر المراغی - ج 7 ص 270. المراغی

<sup>2</sup> - فی ظلال القرآن - ترجمه فارسی خرم دل - نشر احسان - ج 5 ص 139. سید قطب

النساء: 145 جای منافقین در پائین ترین طبقه دوزخ است. اسلام میانه روی ندارد یعنی که یک چیزی به گفته آنها عمل کنی و یک چیزی به وحی الهی پس از کافرین و منافقین پیروی نکن تنها از الله یگانه پیروی کن زیرا الله متعال علیم و حکیم است. طبری می نویسد: منافقین کسانی اند که ظاهراً به قرآن و پیامبرش ایمان آورده و در خفا قصد ضرر رساندن به مؤمنین را میداشته باشند<sup>1</sup>.

به تعقیب آن الله متعال یکی از رسوم جاهلیت (ظهار) را باطل میسازد. ظهار یعنی شوهری به زن خود بگوید: تو مثل پشت مادرم هستی {أَنْتِ عَلِيٌّ كَظْهِرِ أُمِّي، أَوْ أَنْتِ مِنِّي كَظْهِرِ أُمِّي، أَوْ مِثْلَ ظْهِرِ أُمِّي}. قبل از اسلام هرگاه کسی چنین کلمات را استعمال میکرد زنش برای دائم طلاق میشد<sup>2</sup>. اسلام با لای این قانون خط بطلان کشیده و بیان داشت که با استعمال کلمه ظهار زن انسان طلاق نمیشود {وَمَا جَعَلَ أَرْوَاجَكُمْ اللَّائِي تَظَاهَرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ}. در سوره مجادله هم همین موضوع بیان شده که مادران کسانی اند که از آنها تولد شده اند {إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ} المجادله: 2.

اگر شخصی در یک مجلس و یا مجالس مختلف چند بار خانم خود را ظهار کند بالای آن در هر بار ظهار یک كفاره لازم میگردد، به خاطری که تکرار ظهار مثل تکرار قسم است، در هر قسم یک كفاره است، همچنان در هر ظهار یک كفاره است، و اگر تکرار ظهار به نیت تکرار کلام اول باشد در آن صورت بالای آن یک كفاره لازم است<sup>3</sup>. تا زمانی که كفاره نداده است، نه زن خود را بوسه بزند و نه با وی مباشرت کند و نه به فرج وی به شهوت ببیند زیرا {مَنْ قَبِلَ أَنْ يَتَمَاسَا} همه انواع مس را در بر میگردد، با دست و غیر دست<sup>4</sup>.

اگر زنی شوهر خود را ظهار کند درست نیست و كفاره لازم نمی گردد زیرا طلاق دادن به دست شوهر است همچنان ظهار بدست شوهر است<sup>5</sup>. اگر مردی زن خود را تشبیه بدهد به پشت زنی که قبلاً نکاح وی برایش حلال بوده بعداً حرام شده ظهار نمی گردد مثل مادر زن<sup>6</sup>.

<sup>1</sup> - جامع البیان عن تأویل آی القرآن - ج 21 ص - 134 - طبری -

<sup>2</sup> - نظم الدرر - جلد 5 ص - 284 - بقاعی.

<sup>3</sup> - المبسوط - ناشر: دارالمعرفه - بیروت - ج 6 ص 225 - محمد بن احمد بن ابی سهل السرخسی. الطبعة 2014 م.

<sup>4</sup> - احکام القرآن - ناشر: دارالکتب العلمیه - بیروت - باب ان رجلاً ظاهراً من امرأته جزء 5 ص 3 - ابی بکر احمد بن علی الرازی الجصاص - الطبعة 1415 قمری

<sup>5</sup> - احکام القرآن - ج 5 ص 310. الجصاص .

<sup>6</sup> - البنايه شرح هدايه - باب قال انت على مثل امي - ابو محمد محمود بن احمد بن موسى بن احمد بن حسين الحنفی بدرالدين العینی. الطبعة 1413 قمری.

اگر در اثنای روزه گرفتن به خاطر کفاره ظهار، با زنی که آنرا ظهار کرده جماع کرد روزه اش باطل شده باید روزه را سر از نو آغاز کند، و اگر در اثنای روزه داری با زن دیگر خود که آنرا ظهار نکرده جماع کند، روزه اش درست است ادامه بدهد.

اگر مردی به زن خود بگوید تو به من حرام هستی مثل پشت مادرم، ظهار واقع می‌گردد اگرچه نیت ظهار را کرده باشد یا نیت طلاق و یا هیچ نیت نکرده باشد<sup>1</sup>.

هرگاه مردی چهار زن خود را به یک کلمه ظهار کند بالای وی چهار کفاره است ( **وَإِذَا ظَاهَرَ الرَّجُلُ مِنْ أَرْبَعِ نِسْوَةٍ لَهُ فَعَلَيْهِ أَرْبَعُ كَفَّارَاتٍ<sup>2</sup>** ).

الله متعال کفاره ظهار را در سوره مجادله آیه چهارم واضح ساخته است، که هر گاه شخصی می‌خواست بعد از ظهار به زن خود رجوع کند، قبل از مباشرت باید پرداخته شود. 1- **{ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا }** آزاد کردن غلام 2- **{ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ }** اگر غلام نیافت دو ماه پی در پی روزه بگیرد 3- **{ فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فِطْعَامَ سِتِّينَ مِسْكِينًا }** اگر روزه گرفته نمیتوانست شصت مسکین را طعام بدهد. به جزئیات بیشتر میتوانید به احکام القرآن للجصاص و یا المبسوط للسرخسی مراجعه نمائید.

بعداً الله متعال عادت دیگر جاهلیت را که تبنی است باطل می‌سازد. در زمان قبل از اسلام مردم پسر خوانده داشتند، پسر کس دیگری را می‌گرفتند و آنرا تربیه کرده به صفت پسر خود با خود نگه میداشتند و مردم هم به نام وی یادش میکردند، و پسر خوانده از پدر خوانده خود میراث میبرد، امروز هم فرزندی در بین مردم رواج دارد، پیامبر اسلام هم غلام خود زید بن حارثه را آزاد کرده و به فرزندی گرفته بود، مردم زید را به نام پسر محمد یاد میکردند<sup>3</sup>. زمانی که زید خانم خود زینب را طلاق داد بعد از وی پیامبر اسلام به خاطر از بین بردن رسم جاهلیت زینب را به نکاح خود در آورد، مردم تبصره میکردند که محمد خانم پسر خود را نکاح کرده است الله متعال این رواج آنها را باطل ساخته میفرماید **{وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ دَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ }** پسر خوانده های شما پسران تان نیستند این چیزی است که به زبان می‌گوئید. پس به نام پدران شان یاد کنید **{ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ }** و اگر پدران شانرا نمیشناختید پس برادران دینی شما اند **{فَإِنْ لَّمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ }** و اگر پدران شانرا به اشتباه گرفتید گناهی ندارد **{وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ }** یعنی کوشش

<sup>1</sup> - المبسوط للسرخسی- باب ظهار- ج 6 ص 226.

<sup>2</sup> - المبسوط للسرخسی- باب ظهار- ج 6 ص 226.

<sup>3</sup> - ترجمه فارسی تفسیر فی ظلال القرآن - نشر احسان - ج 5 ص 142- سید قطب - .

کردید تا نام اصلی پدران شانرا بیابید باز هم به خطا رفتید و به نام دیگری یاد کردید در این صورت گناهی نیست. در این مورد از عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: **{إِذَا حَكَمَ الْحَاكِمُ فَاجْتَهِدْ ثُمَّ أَصَابْ فَلَهُ أَجْرَانِ وَإِذَا حَكَمَ فَاجْتَهَدْتَ ثُمَّ أَخْطَأَ فَلَهُ أَجْرٌ}** یعنی اگر حاکم در مسئله ای نظر به اجتهاد خود حکم کرد و آن به حقیقت بپیوست برایش دو اجر است و اگر اجتهاد کرد و به خطا رفت برایش یک اجر است<sup>1</sup>. در حدیث دیگری الله تعالی از خطاء و فراموشی امت محمد صلی الله علیه وسلم در گذر شده است **{تَجَاوَزَ اللَّهُ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأَ وَالنَّسِيَانَ<sup>2</sup>}** به همین مفهوم الله تعالی در سوره البقره می فرماید **{ لَا يُوَئِذْكُمْ اللَّهُ بِاللُّغُو فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُوَئِذْكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبِكُمْ}** البقره: 225. یعنی الله تعالی آن قسمی که قصداً نباشد مؤاخذه نمی کند، مگر آن قسمی را که قصداً باشد مؤاخذه می نماید. گناه در صورتی است که آنها را قصداً به نام دیگری یاد کنید **{وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ}** بخاری به سند خود از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند که کسی قصداً خود را منسوب به غیر از پدر اصلی خود میسازد جنت برایش حرام است **{مَنْ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ وَهُوَ يَعْلَمُ فَالْجَنَّةُ عَلَيْهِ حَرَامٌ<sup>3</sup>}** در صورتیکه به اشتباه به نام دیگری یاد کنید در انصورت خداوند بخشنده و مهربان است. به گفته طبری الله متعال به پیامبر اسلام ضرب المثل زده که پسر دیگری پسرت شده نمی تواند<sup>4</sup>.

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

در این مقطع الله تعالی راه و روش زندگی را به مسلمانها واضح ساخته است. باطل ساختن عادات جاهلیت ظهار و تبنی از احکام الهی است که راه را به جامعه اسلامی روشن ساخته است. تا در سایه آیات الهی مسلمانها زندگی خود را تنظیم نموده و به احکام الهی تسلیم بوده و در زندگی خود عملی کنند.

<sup>1</sup> - صحیح بخاری - باب اجر الحاکم اذا اجتهد فاصاب او اخطأ - ج 6 ص 2676 - رقم 6919.

<sup>2</sup> - المستدرک علی الصحیحین - ج 2 ص 500. صحیح به شرط شیخین. الحاکم -

<sup>3</sup> - صحیح بخاری - باب غزوه الطائف - ج 4 ص 1572 - رقم 4071.

<sup>4</sup> - جامع البیان عن تأویل آی القرآن جزء 21 ص 136 - محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی ابو جعفر الطبری - الطبعة 1413ق

## فوائد استنباط شده از مقطع:

- 1- باطل ساختن عادت جاهلی(ظهار) و (تبنی) <sup>1</sup>.
- 2- وجوب مسمی کردن فرزندی یا پسر خوانده بنام پدر حقیقی آن <sup>2</sup>.
- 3- اگر شوهری پشت خانم خود را به مادر خود تشبیه دهد، خانمش طلاق نگردیده بلکه كفاره بالایش لازم میگردد.
- 4- اگر کسی خانم خود را به غیر از مادر به پشت و یا شکم یکی از محارم خود تشبیه دهد ظهار واقع می شود و اگر به غیر از محارم تشبیه دهد ظهار واقع نمیشود <sup>3</sup>.
- 5- هرگاه کسی فرزندی را اشتبهاً بنام پسر کس دیگری نسبت دهد در آن گناه نیست، بلکه گناه در قصداً است <sup>4</sup>.

---

<sup>1</sup>- ایسرالتفاسیر لكلام العلی الكبير- ج 4 ص 243. جابر بن موسی بن عدالقادر بن جابر ابوبکر الجزائری- مكتبه العلوم و الحكم. الطبعة 2009 م.

<sup>2</sup>- ایسرالتفاسیر لكلام العلی الكبير- ج 4 ص 243. الجزائری-

<sup>3</sup>- المبسوط - باب الظهار - ج 6 ص 225 السرخسی - .

<sup>4</sup>- تفسیر المراغی- ج 7 ص 272. احمد بن مصطفی المراغی المتوفی 1371 قمری- مطبعه المصطفی البابی الحلبی بمصر. الطبعة 2015 م

## مقطع سوم

### ولایت عام پیامبر اسلام بالای مؤمنین و اخذ میثاق از پیامبران

النَّبِيِّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (6) وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (7) لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (8).

#### ترجمه آیات:

6- پیامبر نسبت به خود مؤمنان اولویت بیشتری دارد، و همسران پیامبر مادران مؤمنان محسوبند، و خویشاوندان به همدیگر از اولویت بیشتری برخوردار اند نسبت به مؤمنان و مهاجران در کتاب الله، مگر این که بخواهید در حق دوستان خود کار نیکی انجام دهید، این در کتاب (قرآن) مکتوب و مقرر است.

7- (یاد آور شو) هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم، از آنان پیمان محکم و استواری گرفتیم.

8- هدف این است که الله از راستکاری و راستگویی افراد راستکار و راستگو پرسش کند، و الله عذاب دردناکی برای کافران آماده ساخته است.

#### علاقه بین این مقطع و مقطع قبلی:

بعد از این که اسلام تبیینی را منع کرد و واضح ساخت که علاقه حقیقی به نسب است و بس. درین جا بیان می کند که ولایت عام پیامبر اسلام بالای همه مؤمنین است، حتی نسبت به جانهای شان مقدمتر است، یعنی بدون اینکه کسی را به فرزندی بگیرد بالای همه مؤمنین ولایت عام دارد، و به همه مؤمنین حکم وی نسبت به پدران شان مقدم تر است، پس ضرورت به فرزندی گرفتن ندارد. و آن

قرابت برادری که بین مهاجرین و انصار بر قرار شده بود که از یکدیگر میراث می بردند ملغا قرار داده شد، تنها از طریق قرابت نسبی میتوان میراث برد و بس<sup>1</sup>.

### معنای اجمالی:

الله تعالی تبنی را رد کرده و فرموده که پسر خوانده هیچ کسی پسر حقیقی آن شده نمی تواند، و محمد صلی الله علیه وسلم پدر زید بن حارثه نیست، و مسلمان برادر مسلمان است در دین، و پیامبر اسلام پدر هیچ یکی از امتش نیست، بلکه پدری وی عام است و همسران پیامبر مادران مسلمانها است، و پدری پیامبر اسلام بهتر است از پدری نسبی، بخاطری که پدری پیامبر اسلام حیات حقیقی است و پدری نسبی حیات فانی، بلکه پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم تسلط دارد، فرمانروائی دارد و نزدیک تر و مستحق تر است نسبت به خود مؤمنین، یعنی پیامبر اسلام هر آنچه که میگوید باید عملی گردد، بدون در نظر داشت نظریه و حکم مؤمنین<sup>2</sup>. الله متعال می فرماید: **فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** النساء: 65. نه سوگند به پروردگارت که آنها ایمان نمیآورند مگر اینکه در اختلافات شان ترا داور قرار دهند و از داوری تو در دل خویش احساس ناراحتی نکنند. صحیح بخاری هم حدیثی را به روایت ابوهریره از پیامبر اسلام نقل میکند که فرمود: **{مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اأَفْرَعُوا إِنِ شِئْتُمْ: {النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ} فَأَيُّمَا مُؤْمِنٍ تَرَكَ مَالًا فَلْيَرِثْهُ عَصَبَتُهُ مَنْ كَانُوا، فَإِن تَرَكَ دِينًا، أَوْ ضِيَاعًا فَلْيَأْتِنِي فَأَنَا مَوْلَاهُ}**<sup>3</sup>. من بر هر یک مؤمن سزا وارتر هستم نسبت به دیگران در دنیا و در آخرت. اگر یک مؤمن فوت کند، مال آنرا ورثه آن به میراث میبرد، و اگر قرض دار باشد و یا عیالش را ترک کرده باشد به نزد من بیاید که مالک آن من هستم .

معنی آن این است که اگر مؤمنی بمیرد و او قرض دار باشد و دارائی و ثروتی بجای نگذاشته باشد که قرضش پرداخته شود، درین صورت پیامبر صلی الله علیه وسلم عوض او آن قرض و وام را

<sup>1</sup> - التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص - 77 - مصطفی مسلم -

<sup>2</sup> - تفسیر المراغی- ج 7 ص 272. احمد مصطفی

<sup>3</sup> - صحیح بخاری- باب سوره احزاب - ج 4 ص 1795 - رقم 4503

پرداخت می نماید و همچنین بعد از او اگر فرزندان کوچک باشند عهده دار آنها میگردد و هزینۀ اهل و عیالش را می پردازد<sup>1</sup>.

در حدیث دیگری از حضرت عمر رضی الله عنه روایت است که از پیامبر اسلام پرسید: **{يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَأَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا مِنْ نَفْسِي، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِنْ نَفْسِكَ» فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: فَإِنَّهُ الْآنَ، وَاللَّهِ، لَأَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الآنَ يَا عُمَرُ»}**<sup>2</sup>. یا رسول الله من ترا نسبت به هر چیز دوست دارم به جز از نفس خود، پیامبر اسلام برایش فرمود: خیر ای عمر قسم است به آن ذاتیکه جان من در دست اوست تا زمانیکه مرا نسبت به جانت دوست نداشته باشی عمر رضی الله عنه برایش گفت: ترا من نسبت به جان خود هم دوست دارم، نبی کریم صلی الله علیه وسلم برایش گفت: حالا درست شد یا عمر.

در سنن ابی داود از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم نقل است: من به شما بمنزله پدر هستم، شما را تعلیم میدهم **{انما أنا لكم بمنزلة الوالد أعلمکم}**<sup>3</sup>. در صحیح بخاری از پیامبر اسلام حدیثی ذکر است که معنی آن چنین است: هیچ یکی از شما ایمان کامل ندارد تا زمانی که من به وی از پدر، پسر و تمام مردم دوستدارتر نباشم **{لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه من والده وولده والناس أجمعين}**<sup>4</sup>. این ولایت عام پیامبر اسلام در دنیا و در آخرت میباشد. در مورد دنیا احادیث فوق ذکر گردید، اما در آخرت شفاعت پیامبر اسلام بر مؤمنین است<sup>5</sup>.

بعد از اینکه ولایت پیامبر را بیان نمود به تعقیب آن حقوق ازواج مطهرات را بیان کرده می فرماید: ازواج مطهرات برای مسلمانها حکم مادر را دارند در احترام و در حرمت<sup>6</sup>، قسمی که مادران تانرا احترام می کنید باید با ازواج مطهرات هم همان طور احترام صورت گیرد و نباید بعد از وی کس دیگری آنها را به نکاح خود در آورد **{وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَرْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا}**.

<sup>1</sup>- فی ظلال القرآن - ترجمه فارسی مصطفی خرم دل - نشر تهران ج 5 ص - 149- سید قطب .

<sup>2</sup> - صحیح بخاری- باب کیف كانت یمین النبی صلی الله علیه و سلم- ج 6 ص 2445- رقم 6257

<sup>3</sup>- سنن ابی داود جزء 1 ص 49

<sup>4</sup>- صحیح بخاری باب حب رسول صلی الله علیه وسلم. و در مسلم کتاب ایمان باب حب الرسول صلی الله علیه وسلم اکثر من الاهل .. رقم 44

<sup>5</sup>- التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم جزء 6 ص - 78- مصطفی مسلم -

<sup>6</sup>- تفسیر المراغی - ج 7 ص 273. احمد مصطفی-



بعد از آن حکم دیگری را ملغاً قرار می دهد که پیامبر اسلام بین مسلمانها برقرار کرده بود. در اوایل اسلام در مدینه مسلمانها از همدیگر میراث میبردند به سبب برادری ای که پیامبر اسلام در بین شان ایجاد کرده بود. مهاجرین میراث میبردند از انصار بدون کدام قرابت نسبی. رابطه برادری برقرار بود بین ابوبکر رضی الله عنه و خارجه بن زید، و بین عمر و شخص دیگر و بین زبیر و کعب بن مالک. الله متعال حکم را تغیر داده و فرمود که صاحبان رحم یعنی کسانی که قرابت نسبی دارند میتوانند از همدیگر میراث ببرند نه برادر خواندگی، و این حکم در کتاب الله نوشته شده است ﴿وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ﴾. مراد از اولوالارحام در این جا عصبات و اصحاب الفروض است<sup>1</sup>. بعداً وصیت را استثناء قرار داده میفرماید: میتوانید برای دوستان خود از مهاجرین و انصار وصیت کنید ﴿إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾. اولیاء درین جا همان مؤمنین و مهاجرین است و معروف هم وصیت است<sup>2</sup>.

بعداً الله متعال واضح می سازد عهدی را که از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم و از سائر انبیا گرفته است که وظیفه نبوت و تبلیغ را در سختی و آسانی به وجه احسن انجام دهند. و اینکه عبادت الله متعال را نموده و مردم را به عبادت الله متعال دعوت کنند. و بشارت بدهد هر یکی از آمدن پیامبر بعدی<sup>3</sup>. قسمی که عیسی علیه السلام از آمدن پیامبر آخر زمان بشارت میدهد ﴿وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِيهِ مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ﴾: الصف:6. و بشارت میدهم به پیامبری که بعد از من میآید نام وی احمد است. این پیمان بعد از فرستادن پیامبران به نبوت صورت گرفته است<sup>4</sup>.

### مناسبت بین این مقطع و محور سوره:

این مقطع با محور سوره مستقیماً ارتباط دارد، زیرا در این مقطع دستور بر این است که از اوامر و نواهی پیامبر اسلام باید پیروی گردد، و همسران پیامبر اسلام را چنان احترام کنند مثلی که مادران شان را احترام می کنند، پس یک مسلمان باید به دستورات الهی تسلیم بوده و دستورالعمل خود قرار دهد.

<sup>1</sup> - ایسرالتفاسیر - ج 2 ص 335. الجزائری -

<sup>2</sup> - تفسیر المراغی جزء 7 ص 273

<sup>3</sup> - تفسیر السمرقندی - (بحر العلوم) ج 3 ص 42 - ابواللیث نصر بن محمد بن ابراهیم السمرقندی - مکتبه مشکات الاسلامیه 1412 قمری

<sup>4</sup> - تفسیر القرآن العظیم - یک جلدی - مکتبه الرشد - الرياض ص 1158 - ابن کثیر -

### فوائد استنباط شده از مقطع:

- 1- وجوب اطاعت و پیروی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم بدون شک و تردید<sup>1</sup>.
- 2- باطل شدن میراث بردن به سبب برادری و هجرت و قسم که در جاهلیت رواج داشت<sup>2</sup>.

---

<sup>1</sup>- التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم - ج 6 ص 80. مصطفی مسلم-

<sup>2</sup>- ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 246. الجزائر-.

## مقطع چهارم

### پیروزی مؤمنین بر گروه های متهاجم و نقش منافقین در غزوه احزاب

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (9) إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا (10) هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (11) وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (12) وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنَّهُمْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (13) وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (14) وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الدِّبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْنُورًا (15) قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا (16) قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (17) قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ النَّبَأَ إِلَّا قَلِيلًا (18) أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَفُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (19) يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَاءِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا (20).

### ترجمه آیات:

9- ای مؤمنان بیاد آورید نعمت الله را در حق خود تان، آن گاه که لشکر ها به سراغ شما آمدند، ولی ما تند باد را بر آنان گماشتیم و لشکر هائی (فرشتگان) را به سویشان روانه کردیم که شما آنان را نمی دیدید، الله می دید کارهائی را که می کردید.

10- (به خاطر بیاورد) زمانی را که دشمنان از طرف بالا و پائین (شهر) شما، به سوی شما آمدند (و مدینه را محاصره کردند)، و زمانی را که چشمها (از شدت وحشت) خیره شده بودند، و جانها به لب رسیده بود، و گمانهای گوناگونی در باره (وعده) الله داشتند.

- 11- در این وقت مؤمنان آزمایش شدند و سخت به اضطراب افتادند.
- 12- (بیاد آورید) زمانی را که منافقان و آنان که در دلهای شان بیماری (نفاق) بود می گفتند: الله و پیامبرش جز وعده های دروغین به ما نداده اند.
- 13- (و به یاد آورید) زمانی را که گروهی از آنان (که منافقین و ضعیف الایمان بودند) گفتند: ای اهل یثرب این جا (کنار خندق) جای ماندگاری شما نیست، (و ایستادگی در کارزار همگان را زیانبار می سازد، لذا (به منازل خود) بر گردید، دسته ای از ایشان نیز از پیامبر اجازه (باز گشت به خانه های خود) خواستند، و گفتند: واقعاً خانه های ما بدون حفاظ و نا استوار است (و باید برای نگهبانی از آنها برگردیم) در حالی که بدون حفاظ و نا استوار نبود، و مراد شان جز فرار از (جنگ) نبود.
- 14- (آنان آن اندازه سست اراده و ایمان اند که نه آماده پیکار با دشمن و نه پذیرای شهادتند) و اگر احزاب از جوانب مدینه وارد آن شوند (و شهر را اشغال کنند) و به ایشان پیشنهاد نمایند که از دین بر گردید (و بت پرستی و شرک را بپذیرید) به سرعت می پذیرند و جز مدت کمی برای انتخاب این پیشنهاد درنگ نخواهند کرد.
- 15- آنان قبلاً به الله عهد و پیمان بسته بودند که پشت به دشمن نکنند و نگریزند (و در دفاع از اسلام و مسلمین بایستند) عهد و پیمان الله پرشش دارد.
- 16- بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، این فرار سودی به حال شما نخواهد داشت، و اگر (هم به فرض) سودی داشته باشد، الله بیش از چند روزی (از زندگی دنیا) بهره مند تان نمی گرداند.
- 17- بگو چه کسی می تواند شما را در برابر اراده الله حفظ کند، اگر او مصیبت یا رحمتی را برای شما بخواهد؟ آنان غیر از الله هیچ سرپرست و یآوری برای خود نخواهند یافت.
- 18- الله کسانی را به خوبی می شناسد که مردم را از جنگ باز میداشتند، و کسانی را که به برادران خود می گفتند: به سوی ما بیایید (و به ما بپیوندید و خود را از معرکه بیرون بکشید) و جز هم مقدار کمی (آن هم از روی اکراه یا ریا) دست به جنگ نمی زدند.
- 19- آنان نسبت به شما بخیلند، (و برای تهیه ادوات و ابزار جنگی کمترین کمکی نمی کنند) و هنگامی که لحظات بیم و هراس فرا می رسد می بینی به تو نگاه می کنند در حالی که چشمان شان

بی اختیار در حدقه به گردش در آمده است همسان کسی که دچار سكرات موت بوده و می خواهد قالب تهی کند، اما هنگامی که خوف و هراس نماند، زبانهای تند و تیز خود را بی ادبانه بر شما می گشایند و برای گرفتن غنایم سخت حریص و آزمند اند، آنان ایمان نیاورده اند و لذا الله اعمال ایشان را باطل و بی مزد می کند و این کار برای الله آسان است.

20- آنان (از شدت خوف و هراس هنوز) گمان می کنند لشکریان احزاب نرفته اند، و اگر احزاب بار دیگر بر گردند، ایشان دوست میدارند در میان اعراب بادیه نشین، صحرا نشین شوند و اخبار شما را جویا شوند، اگر آنان در میان شما می مانند، جز مقدار کم و ناچیزی نمی جنگیدند.

### سبب نزول:

1- در زمانیکه مسلمانها در حفر خندق مصروف بودند در داخل خندق سنگی برآمد که پارچه کردن آن بالای شان مشکل شد، موضوع را به پیامبر اسلام رساندند، پیامبر اسلام خود تشریف برده ضربه ای بالای آن وارد کرد که از آن جرقه ای از آتش برون شده و پیامبر اسلام اکبر گفت و مسلمانها هم الله اکبر گفتند، بعداً ضربه دوم وارد کرد باز هم جرقه ای از آتش از سنگ برون شد، پیامبر اسلام الله اکبر گفت و مسلمانها هم الله اکبر گفتند، در دفعه سوم هم آتش برون شد که پیامبر صلی الله علیه و سلم الله اکبر گفت و مسلمانها هم الله اکبر گفتند. بعداً رسول الله صلی الله علیه و سلم توضیح داد که امپراطوری فارس و روم به دست مسلمانها فتح میگردد. زمانیکه بالای مسلمانها محاصره طولانی شده و به مشکلات زیاد مواجه شدند، کسانی که به پیامبر اسلام واقعاً ایمان نیاورده بودند، تنها به زبان ایمان آورده اما در دل همان اندیشه های کفری را میپروراندند شروع کردند به توطئه چینی علیه پیامبر اسلام، فرصت را غنیمت دانستند میگفتند: وعده های را که محمد میدهد وعده باطل است حقیقت ندارد فریب است، این آیات نازل شد **{وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا}** <sup>1</sup>.

2- **{وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الْآذِنَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا}** این آیت در مورد بنی حارثه نازل شده است، آنها از پیامبر اسلام خواستند که برای شان اجازه دهد تا خندق را ترک کرده به مدینه بروند، باوجودی که قبلاً عهد کرده بودند که در جنگ اشتراک می کنند و رو نمی گردانند <sup>2</sup>.

<sup>1</sup>- جامع البیان عن تأویل آی القرآن - جز 21 ص 121 - طبری -

<sup>2</sup>- جامع البیان عن تأویل آی القرآن - ج 21 ص 155 - طبری -

3- در یکی از روزهای غزوه احزاب شخصی از نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم رفت، در جایی برادرش را دید که پیش رویش نان و شراب و کباب است، برایش گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم بین شمشیر و نیزه ها و تو درین جا با کباب و شراب، برادرش گفت: بیا این جا رفیقت چیزی که میگوید هرگز به آن رسیدنی نیست، شخص مذکور قسم خورد که این موضوع را به پیامبر اسلام میرسانم، زمانی که نزد پیامبر اسلام رسید که جبرائیل آیت ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا﴾ را نازل کرده است.<sup>1</sup>

### علاقه بین این مقطع و مقطع قبلی:

در مقطع قبلی الله متعال به مسلمانها دستور داد که از پیامبر اسلام اطاعت نموده و فرموده های وی را دستورالعمل خود قرار دهند. درین مقطع اثر اطاعت از پیامبر اسلام را بیان میکند و میفرماید که اطاعت از رسول الله صلی الله علیه و سلم باعث این شد تا الله متعال مسلمانان را از شر احزاب نجات داده و منجر به فتح بلادی گردید که در آنجا پا ننهاده بودند.

### معنای اجمالی این مقطع:

بعد از اینکه الله تعالی دستور داد که از پیامبر اسلام باید صد در صد پیروی شود، درین جا یکی از پیامد های اطاعت از پیامبر اسلام را بیان می کند و آن نعمتی از نعمت های الله تعالی است که مؤمنین را از شر احزاب نجات داد.

در جنگ احزاب قبایل مختلف دست به دست هم داده بودند تا پیامبر اسلام را از بین برده و مسلمان ها را نابود کنند، با دوازده هزار نفر هجوم آوردند، لشکر بزرگی که از شرق و غرب مدینه مسلمانان را محاصره کرده بودند و مسلمانها سخت در اضطراب و لرزه بودند، حلق و گلوی شان خشک شده بود و دو چشمانان شان متوجه دشمن بود و مرگ را لحظه شماری میکردند و دشمنان اسلام در مجموع هم تصور میکردند که کار مسلمانها ختم است.

الله متعال غزوه احزاب را به تصویر می کشد و میگوید که بیاد بیاورید زمانی را که گروه های مختلف از بالا و پائین آمدند ﴿إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ﴾ و از دست ترس چشم ها حیران شد و جانها به گلورسید ﴿وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ﴾ در آنوقت در مورد الله جل جلاله

<sup>1</sup> - جامع البیان عن تدویل ای القرآن- ج 21 ص 158 - طبری -

گمانها می کردید {وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا} یعنی مختلف گمانها میکردند، منافقین گمان میکردند که مسلمانها شکست میخورند و مسلمانها فکر میکردند که الله متعال کمک شان میکند و پیروزمی شوند<sup>1</sup>.

در نتیجه الله متعال بنده های مخلص خود را کمک کرده لشکری از ملائکه را فرستاد که آنها به چشم دیده نمی شدند، با باد تندى همه دار و ندار شان را برهم زده {فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا} و خود شانرا چنان وحشت زده کرد که راه فرار را اختیار کردند، همه شان بدون جنگ منطقه را ترک کردند و مسلمانها از شر شوم شان نجات یافتند<sup>2</sup>. در حدیثی از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که نبی کریم صلی الله علیه و سلم فرمود {نُصِرْتُ بِالصَّبَا، وَأُهْلِكْتُ عَادًا بِالدَّبُورِ} من به صبا کمک شدم و عاد به دبور هلاک شد. صبا بادی است که از شرق میوزد. دبور بادی است که از غرب میوزد<sup>3</sup>. این تصویری است از خوف و هراسی که مدینه را به ترس و لرزه انداخت، و کسی از اهالی مدینه از آن برکنار نماند و رهائی پیدا نکرد.

مشرکان قریش و غطفان و یهودیان بنی قریظه از هرسو مدینه را محاصره کرده بودند و از بالا و پائین دور زده بودند -<sup>4</sup>. این ابتلائی بود که الله متعال مؤمنین را آزمایش کرد. برای پیامبر اسلام واضح شد که چه کسانی مخلصانه در راه الله متعال میروزمند و چه کسانی منافق بوده و پیامبر الله جل جلاله را فریب میدهند. آیات مذکور حالت منافقین را با مسلمانها و با رسول صلی الله علیه و سلم بیان میکند که میگفتند وعده پیامبر مبنی بر فتح فارس و روم به دست مسلمانها یک چیز بی اساس و فریبکارانه است. یک طائفه آنها مسلمانها را از مقاومت و ایستادگی در برابر احزاب باز میداشتند و میگفتند: بروید به طرف خانه های تان که اینجا جنگ و مقاومت امکان پذیر نیست. طائفه دیگرش از پیامبر اسلام اجازه می خواستند که خانه های ما هیچ موانع حفاظتی ندارد، در حالیکه دروغ میگفتند الله متعال میفرماید {وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ} فقط میخواستند فرار کنند. اگر دشمنان اسلام داخل قریه میشدند آنها بیدرنگ مرتد شده و بیزاری خود را از دین اسلام اعلان میکردند {ثُمَّ سُلُوا الْفِتْنَةَ لَا تَوْهَا} در حالیکه قبل از جنگ تعهد کرده بودند که از صحنه جنگ گریز نمیکنند. این حال منافقین در طول تاریخ است، در وقت آسایش و غنیمت ها خود را با مسلمانها و و مجاهدین نزدیک میساختند حتی

<sup>1</sup> - زادالمسیر فی علم التفسیر- ج 6 ص 192. ابن الجوزی -

<sup>2</sup> - تفسیر التحرير و التتویر- ج 21 ص 202. ابن عاشور-

<sup>3</sup> - صحیح بخاری- باب قول النبی صلی الله علیه و سلم نصرت بالصبا- ج 2 ص 33.

<sup>4</sup> - فی ظلال القرآن- ترجمه فارسی خرم دل- ج 5 ص 160. سید قطب-

بهتر از نزدیکترین دوست شان اما در وقت مشکلات و مصائب به بهانه های این و آن خود را از صحنه برون میکردند تا از مرگ نجات بیابند، در حالیکه مرگ آمدنی است انسان هر جا که باشد به سراغش میرود {إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ} نوح: 4. وقتی که اجل الله رسید به تأخیر نمیافتد. {قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مَلَأَقِيكُمْ} الجمعة: 8 (ای پیامبر) بگو: آن مرگی که از آن فرار میکنید حتماً به شما خواهد رسید. فکر میکردند که اگر صحنه جهاد را ترک کنیم کشته نمیشویم و به ما ضرری نمیرسد در حالیکه هر نفس چه پس چه پیش چشنده مرگ است {كُلُّ نَفْسٍ دَائِقَةُ الْمَوْتِ} آل عمران 185. هر زنده جان چشنده مرگ است، بعداً به سوی پروردگار عالمیان رجوع کردنی است، در آنجا هر عملی را که در دنیا انجام داده باشد ثمره آنرا میبیند. پس نباید از مرگ بترسیم، باید در مقابل تهاجم کفارجهانی که امروز بالای ممالک اسلامی هجوم آورده اند ایستادگی کنیم انشاءالله رب العزت به کمک مسلمانها رسیده پیروز میشوند. الله متعال سمیع بصیر است همه حالات را میبیند و ناظر بر اعمال انسان ها است. هر آن کسی که مردم را تشویق به فرار میکند و هر آنکسی که خودش به بهانه های این و آن فرار میکند الله متعال ناظر شان است. الله متعال میفرماید که این گروه ایمان نیاورده اند و اگر هرچه اعمال حسنه انجام داده باشند بی فائده است و به نزد الله متعال ارزشی ندارد {أُولَئِكَ لَمْ يُولِنَا فَأَحْبَبَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ}.

بعد از فرار احزاب از صحنه ، منافقین از دست ترس و خوفی که در جان شان راه یافته بود فکر میکردند که احزاب نرفته اند در حالیکه احزاب رفته اند و میدان را ترک کرده اند. الله متعال حالت منافقین را بیان میکند که اگر احزاب برگردند و دو باره به جنگ آغاز کنند دوست میدارند که به صحرا رفته با بادیه نشینان اعراب آنجا بمانند و از آنجا احوال کسانی را که در مدینه هستند بگیرند و به همین قدر اکتفاء میکنند<sup>1</sup>. این بود حال منافقین و کار روائی آنها به همراه مسلمانها و پیامبر اسلام. رفتار منافقین با مسلمانها در طول تاریخ چنین بوده و تا روز قیامت به همین منوال ادامه خواهد داشت.

### مناسبت بین این مقطع و محور سوره:

محور سوره تسلیم به احکام الهی است. این مقطع راه و روش کفار و منافقین را بیان نموده که با مسلمانها چطور معامله می کردند. به عهد خود وفا نمی کردند، زبان شان با قلب شان یکسان نبود، در ظاهر با مسلمانها بودند و در باطن علیه مؤمنین دسیسه می چیدند، با پیامبر اسلام در هنگام

<sup>1</sup> - فی ظلال القرآن ترجمه فارسی خرم دل جزء 5 ص 168 - سید قطب -



غنیمت گرفتن بی ادبانه و با الفاظ تند و زشت بر خورد می کردند. که چنین عمل به شأن مسلمانها نمی زیید، مسلمان ها باید اقوال شان با قلوب شان یکسان باشد، چیزی را که به زبان می گویند باید در عمل پیاده کنند، پس باید به احکام الهی تسلیم بود.

### فوائد استنباط شده از مقطع :

1- انسان باید شکر نعمت های الله را بجا بیاورد، زیرا انسان از ادای شکر نعمت های الله عز و جل قاصر است و هر گاه شکر نعمت ها را بجا آوریم پروردگار عالمیان نعمت های خود را زیاد میسازد **{لَنْ يَشْكُرَكُمْ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا الْأُولَىٰ}** بزرگترین انواع شکر، الله جل جلاله را مخلصانه عبادت کردن است که در صدر آن ادای فرایض است و اول آن نماز است ، شکر به زبان گفتن حمد و ثناء الله متعال را در برابر نعمت هایش است و شکر به قول و عمل و به نیت میباشد( **أَنَّ الشُّكْرَ يَكُونُ بِالْفِعْلِ كَمَا يَكُونُ بِالْقَوْلِ وَبِالنِّيَّةِ**)<sup>1</sup> .

طبری یرحمه الله در مورد شکر می نویسد:

(الصَّلَاةُ شُكْرٌ، وَالصِّيَامُ شُكْرٌ، وَكُلُّ خَيْرٍ تَعْمَلُهُ لِلَّهِ شُكْرٌ. وَأَفْضَلُ الشُّكْرِ الْحَمْدُ) نماز، روزه و هر عمل خیر را که به رضای الله انجام میدهید شکر است و افضل شکر حمد است، (الشُّكْرُ: تَقْوَى اللَّهِ، وَالْعَمَلُ بِطَاعَتِهِ)<sup>2</sup>. شکر: تقوی الله را اختیار کردن و فرمان برداری وی را نمودن است.

2- جد و جهد به خاطر اقامه دین الله متضمن پیروزی است، زیرا الله متعال نصر و پیروزی را مرتبط به تب و تلاش جهت سر بلندی دین الله قرار داده و میفرماید **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ}** محمد: 7. یعنی اگر الله را کمک کنید الله تعالی شما را کمک نموده و در آن راه شما را ثابت و استوار نگه میدارد<sup>3</sup> .

<sup>1</sup> - تفسیر ابن کثیر ت سلامه - 6 ص 500.

<sup>2</sup> - تفسیر طبری- ج 19 - ص 235.

<sup>3</sup> - التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم- ج 6 ص 85. مصتقی مسلم-

3- الله متعال با خیر و شر بنده های مؤمن خود را امتحان میکند تا درجات آنها را بالا ببرد<sup>1</sup>.  
میفرماید: {وَنَبِّئُكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِنَّا تُرْجَعُونَ} الانبیاء: 35.

4- وجوب وفا به عهد، زیرا در روز قیامت انسان از پیمانی که بسته بود پرسان می شود<sup>2</sup>.

5- ترک جهاد از ترس مرگ عمل درست نیست زیرا قتال از عمر کم نمی کند و ترک آن به عمر نمی افزاید<sup>3</sup>.

6- بخل و دوست نداشتن رساندن خیر به دیگران از صفات منافقین است باید از آن دوری جست<sup>4</sup>.

---

<sup>1</sup> - التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم- ج 6 ص 85. مصطفی مسلم.

<sup>2</sup> - تفسیر المراغی- ج 7 ص 280.

<sup>3</sup> - ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 225. الجزائر-.

<sup>4</sup> - التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم- ج 6 ص 92. مصطفی مسلم-

## مقطع پنجم

### معرفی قدوه حسنه و پیروانش

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (21) وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (22) مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (23) لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (24) .

#### ترجمه آیات:

21- سرمشق و الگوی زیبایی در (شیوه پندار و گفتار و کردار) پیامبر اسلام برای شما است. برای کسانی که (داراری سه ویژگی باشند) امید به الله داشته و جویای قیامت باشند و الله را بسیار یاد کنند.

22- و هنگامی که مؤمنون احزاب را دیدند گفتند: این همان چیزی است که الله و پیامبرش به ما وعده فرموده بودند. و الله و پیامبرش راست فرموده بودند. این سختی ها جز بر ایمان (به الله) و تسلیم (قضا و قدر شدن) ایشان نمی افزاید.

23- در میان مؤمنان مردانی هستند که با الله راست بوده اند در پیمانی که با او بسته اند برخی پیمان خود را به سر بردند (شربت شهادت سر کشیدند) و برخی نیز در انتظار اند آنان هیچ گونه تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده اند.

24- هدف اینست که الله صادقان را به خاطر صدق شان پاداش بدهد و منافقان را هر گاه بخواهد عذاب کند، و یا ببخشد و توبه ایشان را بپذیرد چراکه الله آمرز گار و مهربان است.

## سبب نزول:

انس پسر نصر در جنگ بدر شرکت نکرده بود و میگفت که چطور در اولین جنگ همراه پیامبر صلی الله علیه و سلم اشتراک نکردم و اگر جنگ دیگری رخ داد الله جل جلاله می بیند که من چه میکنم. در غزوه احد اشتراک کرده تا آنکه شهید شد. بعد از جنگ خواهرش به سراغش آمده و او را از انگشتان و یا داغ و خال سیاهش شناخت که اضافه تر از هشتاد نیزه و شمشیر خورده بود. درینموقع آیت **{مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ ..}** نازل شد<sup>1</sup>.

## علاقه این مقطع با مقطع قبلی

در مقطع قبلی الله متعال صفات قبیح منافقین را بیان کرد که آنها در جنگ حاضر نمی شدند مگر اندکی و اگر حاضر هم شدند به بهانه های مختلف از صحنه فرار میکردند و مجاهدین را ترسانده و تشویق به ترک معرکه می نمودند و اگر پیروزی شامل حال مسلمانها می شد به آنها خود را به بسیار شیرین زبانی نزدیک کرده و خواهان مال غنیمت می شدند. درین مقطع صفات نیک و خوب پیامبر اسلام و مسلمانها را یادآوری می شود و میفرماید که رسول الله صلی الله علیه و سلم قدوه صالحه مسلمانان یعنی پیشوای نیک و خوب مسلمانان است و کسانی که به الله جل جلاله و روز قیامت یقین کامل دارند از او پیروی میکنند.

## معنای اجمالی:

در مقطع قبلی الله متعال حال و احوال منافقینی را که در دلهای شان بیماری بود و حال و احوال شایعه پراگندنی و دروغ پردازی و پخش خبرهای نا درست شانرا در میان صفهای مسلمانان به تصویر کشید، اینک به دنبال تصویر بد و نا زیبایی ایشان، به وصف حال مؤمنین میپردازد، با وجودی که غم و اندوه و پریشانی و مشکلات زیادی دامنگیرشان شده بود پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم را پناه گاه پر امن و امان و منبع یقین، اطمینان و رهبری و قدوه صالحه خود قرار داده و در جویای رضای الله متعال بوده و امید به او داشتند و خداوند جل جلاله را بسیار یاد میکردند **{لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا}**.

1- صحیح بخاری- باب قول الله تعالی من المؤمنین رجال - رقم 2651.

مسلمانان هنگامی که شکست احزاب را دیدند یقین شان حاصل شد که وعده الله و رسولش حق است و راست گفته اند ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَرَسُولُهُ﴾<sup>1</sup> و در ایمان شان افزود شد ﴿وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا﴾<sup>1</sup>. در هنگام کندن خندق پیامبر اسلام به مؤمنین بشارت داده بود که فارس و روم به دست مسلمانها فتح می گردد، چینی که فرار و شکست احزاب را دیدن یقین شان کامل شد که وعده پیامبر اسلام حق است بلاد فارس و روم به دست مسلمانها فتح میگردد.<sup>2</sup>

پیروان راستین اسلام به اطاعت از نبی کریم صلی الله علیه و سلم و عهدهی که با آفریدگار خود بسته بودند که تا آخرین وقت از اسلام دفاع می کنند، در آن تغییری نیاورده تا آخرین دم جنگیدند تعدادی جام شهادت نوشیدند و تعدادی هم منتظر شهادت اند، در وصف ایشان الله متعال میفرماید ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ﴾.

تنها به زبان ایمان آوردن، انسان رها نمی گردد، تا به عمل ثابت نشده و صادق از کاذب و مسلمان از منافق تشخیص نگردد. الله متعال می فرماید ﴿أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (2) وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾ العنكبود:3. آیا مردم فکر کردند همین که (به زبان) بگویند: ایمان آوردیم، آنان را (به حال خود) وامی گذارند و آزموده نمی شوند؟

و به راستی کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم، تا الله کسانی را که راست گفته اند و دروغ گفته اند معلوم کند.

ایمان کلمه ای نیست که فقط به زبان گفته شود بلکه صاحبش را در معرض ابتلا و امتحان گوناگون قرار می دهد تا ایمان قوی از ایمان ضعیف تشخیص گردد.<sup>3</sup>

در سوره بقره الله تعالی می فرماید ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ﴾ [البقرة:214]. (ای مؤمنان) پنداشته اید که وارد بهشت می شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه

<sup>1</sup> - زادالمسیر فی علم التفسیر ج 6 ص 198 - ابن الجوزی.

<sup>2</sup> - تفسیر القرآن- ج 16 ص 314. شعراوی-

<sup>3</sup> - التفسیر الوسیط للقرآن الکریم - ج 11 ص 11. دار نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزیع، القاهرة. محمد سید طنطاوی- الطبعة 1431 هجری.

بر(سر) پیشینیان شما آمده بر (سر) شما نیامده است. شما هنوز رنجها و درد هائی را ندیده اید و باید چشم به راه حوادث تلخ و ناگوار در راه کردگار باشید، زیانهای مالی و جانی چنان به آنان دست داده و پریشان گشته اند که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند می گفتند پس یاری الله کی است.

این جنگها و کشمکش ها و زدوبند ها به خاطر نیست **{لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ}** تا کسانی راکه در راه الله جنگیدند و شهید شدند پاداش نیک دهد و اگر خواست منافقین را جزا دهد، زیرا کسانی که به الله متعال ایمان آورده و در راه وی از جان و مال خود میگذرند برابر نیستند با مؤمنینی که در خانه های خود نشسته اند **{لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ}** النساء: 95) همچنان کسانی که در جنت میروند(مسلمان هستند) و کسانی که به دوزخ میروند(کافرین و منافقین هستند) باهم برابر نیستند **{لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ}** الحشر: 20.

الله تعالی در این جا پیامبر اسلام و مؤمنین را تشویق به ثبات و تحمل مشاغل و مصائب در برابر کفار نموده زیرا دعوت به سوی الله انواع درد و رنج و زحمات را در بر دارد، مثلی که پیامبران سابق به انواع درد و رنج و مشکلات گرفتار شدند، صبر کردند و در دعوت به دین الله ثابت قدم ماندند، در نهایت الله تعالی آنها را کمک کرده و از مشکلات نجات یافتند. کامیابی در آخرت و دخول جنت بدون جهاد در راه الله تعالی و تحمل مشاغل و صبر در برابر اذیت و آزار کفار و ثبات و پایداری در دین الله امکان پذیر نیست<sup>1</sup>.

### مناسبت بین این مقطع و محور سوره:

این مقطع هم از احکام الهی سخن می زند، راه و روش زندگی را به مسلمانها می آموزاند، که صادق و راستکار بوده، به وعده های خود وفا کنند، و از پیامبر اسلام پیروی کنند زیرا وی قنوه نیکوئی برای مسلمانها است، و مطمئن باشند که وعده های الله و رسولش حق بوده و به وقوع پیوستنی است و ما باید تسلیم احکام الهی باشیم.

<sup>1</sup> - التفسیر المنیر - ج 22 ص 243. دکتور وهبه بن مصطفی الزحیلی - دار الفکر المعاصر - بیروت - الطبعة 1418 هجری.

## فوائد استنباط شده از مقطع:

- 1- مسلمان ها باید تنها از رسول الله صلی الله علیه و سلم در زندگی خود پیروی نمایند<sup>1</sup> ..
- 2- مسلمان باید به قضاء و قدر الهی تسلیم بوده و به این یقین کامل داشته باشد که وعده های الله متعال و رسولش حق و بوقوع پیوستنی است.
- 3- بهترین تجارت معامله با الله متعال است که انسان مال و جان خود را در راه وی وقف نموده تا زندگی ابدی خود را درخشان سازد. درین مورد الله عزوجل میفرماید {إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ} التوبه: 111.
- 4- الله متعال عمل هیچ کسی را ضایع نمیسازد، در مقابل عمل نیک اجرو ثواب و در مقابل عمل بد عذاب می دهد، رب العزت میفرماید {أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى} آل عمران: 195. و الله متعال توبه پذیر است هرگاه کسی بعد از خطائی توبه کند الله جل جلاله غفور و رحیم است<sup>2</sup>.

---

<sup>1</sup> - التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم- ج 6 ص 99. مصطفی مسلم-

<sup>2</sup> - التفسیر الموضوعی لسور القرآن- ج 6 ص 100. مصطفی مسلم-

## مقطع ششم

### نتیجه نبرد و شکست بنوقریظه

وَرَدَ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا (25)  
وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ  
فَرِيقًا (26) وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوُّهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا  
(27).

### ترجمه آیات:

25- الله کافران را با دلی لبریز از خشم و غم باز گرداند، در حالی که به هیچ یک از نتایجی که در نظر داشتند نرسیده بودند الله (درین میدان) مؤمنان را (با طوفان باد و ارسال فرشتگان) از جنگ بی نیاز ساخت و الله نیرومند و چیره است.

26- الله کسانی از اهل الکتاب (بنی قریظه) را که احزاب را پشتیبانی کرده بودند از دژ های شان پائین کشید = و به دل های شان ترس و هراس انداخت گروهی را کشتید و گروهی را اسیر کردید.

27- و زمین ها و خانه ها و دارائی و همچنان زمینی را که هرگز به بدن گام ننهاده بودید به چنگ شما انداخت بی گمان الله به هر چیز توانا است.

### علاقه این مقطع با مقطع قبلی:

در مقطع قبلی الله قدوه حسنه را که یکی از بزرگترین نعمت های الله است یاد آوری کرد، یعنی پیشوای خیلی نیکو که از آن باید پیروی گردد، زیرا کامیابی دنیا و آخرت در پیروی از پیامبر اسلام نهفته است، و زیاد شدن ایمان مسلمانها با دیدن احزاب و همچنان پادشاه صادقین و کسانی که به عهد



خود وفا می کنند، در این مقطع نعمت دیگرش را بیان میکند و آن نجات مسلمان ها از شر احزاب و فتح بنوقریظه و قرار دادن تمامی اموال و دارائی بنوقریظه بدست مسلمانها است<sup>1</sup>.

### معنای اجمالی مقطع:

هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم به مدینه تشریف فرما شد هرچه زود تر با یهودیان آنجا پیمان صلح بست. در پیمان نامه لازم فرموده بودند که ایشان را کمک و یاری کند و در حمایت و حفاظت بکوشد مشروط بر اینکه پیمان نشکنند و ستمگری نکنند و فسق و فجور را راه نیندازند و جاسوسی ننمایند و دشمنان را کمک و یاری ندهند و در اذیت و آزار همدست کسی یا گروهی نشوند.

در زمان جنگ احزاب یهودیان بنی قریظه پیمانی را که با پیامبر اسلام بسته بودند شکسته و با مشرکان مکه هم پیمان شدند که بر علیه مسلمان ها بجنگند، درین هنگام پیامبر اسلام از عهد شکنی شان آگاه شد و چند نفر را فرستاد تا قضیه را از نزدیک بر رسی کنند، یهودان بنی قریظه به آنها گفتند که ما عهد و پیمانی با محمد نداریم. این در حالیست که ساحه با لای مسلمانان تنگ شده و همه در ترس و هراس اند، بعد از این همه پریشانی ها الله متعال بالای مسلمان ها رحم کرده و دشمنان شان را شکست داده و مسلمانها را از شر شان نجات داد.

هنگامی که پیامبر اسلام پیروزمندانه به مدینه برگشت و مصروف تمیز کردن سرو لباس خود بود ناگهان جبرائیل آمده و به پیامبر اسلام گفت: الله تبارک و تعالی برایت دستور میدهد تا به سوی بنی قریظه بروی. متعاقباً پیامبر اسلام به اصحاب کرام دستور داد تا نماز عصر را در بنی قریظه ادا نمایند، این هنگام ظهر بود. بعداً پیامبر اسلام به تعقیب آنها رفت و بنی قریظه را در محاصره درآورد، بعد از بیست و پنج روز محاصره آنها پذیرفتند که هرآنچه سعد بن معاذ بگوید حکمش تنفیذ گردد. سعد بن معاذ فرمود که جنگ جویان شان کشته، اطفال و زنان شان اسیر گردیده و اموال شان به غنیمت برده شود بعداً پیامبر اسلام چنین کرد<sup>2</sup>. درین مورد الله تبارک و تعالی میفرماید: خداوند کسانی از اهل کتاب را که احزاب را پشتیبانی کرده بودند از دژ های شان پائین کرد **{وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ}** و در دل های شان ترس و هراس انداخت **{وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ}** گروهی را کشتید و گروهی را اسیر کردید **{فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا}** و زمین ها و

<sup>1</sup> - نظم الدرر فی تناسب الآيات و السور- ج 6 ص 96. بقاعی-

<sup>2</sup> - فی ظلال القرآن ج 5 ص 178 ترجمه فارسی- نشر احسان- تهران- سید قطب .

خانه های شان و دارائی آنان و همچنان زمینی را که هرگز بدان گام ننهاده بودید به چنگ شما انداخت {وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطْنُوهَا} و خداوند بر هر چیز قادر است {وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا}.

چرا سعد پسر معاذ جنگ جویان آنها را به کشتن محکوم کرد؟ بخاطری که اگر الله تعالی احزاب را شکست نمی داد و آتش جنگ شعله ور می شد، و احزاب از شرق و غرب بالای مسلمانها سرازیر می شدند، در این وقت همه مسلمانها به نابودی کشانده شده و اموال و دارائی شان به غارت برده می شد، به همین دلیل بود که سعد پسر معاذ جنگ جویان بنی قریظه را به کشتن محکوم کرد.

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

پیامبر اسلام و صحابه کرام به احکام الهی تسلیم بودند و در هر حالت از دستورات الهی پیروی می نمودند، همین سبب شد که الله تعالی آنها را از مصیبت بزرگ احزاب نجات داد، این مقطع هم از پیروزی مسلمانها در برابر احزاب حکایت میکند که در اثر تسلیم شدن به احکام الهی به دست آمده است.

### فوائد استنباط شده از مقطع:

- 1- یهود هرگز در برابر عهد خود با مسلمان ها وفا نمیکنند بلکه منفعت خود را در نظر دارند، پس بر مسلمانهاست که به وعده های آنها اعتبار ندهند.
- 2- غدر پایه ندارد، یهود با پیامبر اسلام غدر کردند، الله تعالی پیامبرش را بر آنها مسلط ساخت<sup>1</sup>.

<sup>1</sup>- ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 261. ابوبکر الجزائری-

## مقطع هفتم

### تعیین سرنوشت ازواج مطهرات

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْن أُمَتِّعَنَّ وَأَسْرَحَنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً (28) وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْراً عَظِيماً (29) يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً (30) وَمَن يَفْعَلْ مِثْلَ ذَلِكَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنكُمْ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً (31) يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسُنُنٌ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّفَقْتُنَّ فِي آلِ النَّبِيِّ عَلَى شَيْءٍ فَأُولَئِكَ أَنبَاءُ اللَّهِ فِي الْأُمَمِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (32) وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (33) وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفاً خَبِيراً (34)

### ترجمه آیات:

28- ای پیامبر به همسران خود بگو اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می خواهید بیایید تا به شما هدیه ای مناسب بدهم و شما را به طرز نیکویی رها سازم.

29- و اگر شما الله و پیامبرش و سرای آخرت را می خواهید، الله برای نیکوکاران شما پاداش بزرگی را آماده ساخته است.

30- ای همسران پیامبر هر کدام از شما مرتکب گناه آشکاری شود، کیفر او دو برابر خواهد بود و این برای الله آسان است، و هرکس از شما در برابر الله و پیامبرش خشوع و اطاعت کند و کار شایسته انجام دهد پاداش او را دو چندان خواهیم کرد، و برای او (در قیامت) رزق و نعمت ارزشمندی فراهم ساخته ایم.

32- ای همسران پیامبر شما (در فضل و شرف) مثل هیچ یک از زنان (مردم عادی) نیستید اگر می خواهید پرهیزگار باشید صدا را نرم و نازک نکشید، که بیمار دلان چشم طمع بر شما بدوزند و به صورت شایسته و برازنده سخن بگوئید.

33- و در خانه های خود بمانید و همچون جاهلیت پیشین در بین مردم ظاهر نشوید و خود نمائی نکنید. و نماز را بر پا دارید و زکات را بپردازید از الله و پیامبرش اطاعت نمائید. الله می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

34- ذکر کنید آنچه را که تلاوت می شود در خانه های شما از آیات الله و حکمت، بی گمان الله دقیق و آگاه است.

### سبب نزول:

بعد از پیروزی مسلمانها بر دشمنان اسلام و بدست آوردن غنائم زیاد، ازواج مطهرات به نبی کریم صلی الله علی و سلم مراجعه کردند و از وی در خواست نفقه و هزینه زندگی کردند بعداً الله متعال درین باره چنین فرمود {يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا ...} <sup>1</sup>.

### علاقه بین این مقطع و مقطع سابق:

در مقطع قبلی سخن از شکست یهود بنی قریظه و افتیدن اموال زیادی بدست مسلمانها زده شد، درین مقطع سخن از ازواج مطهرات است که از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم تقاضای نفقه کرده و زینت دنیا را طلب نمودند تا از آن اموالی که به دست مسلمان ها افتیده برای شان سهمی داده شود.

### معنای اجمالی مقطع:

بعد از بدست آمدن غنائم از بنی قریظه ازواج مطهرات از پیامبر اسلام خواهان نفقه و سهم دادن از غنائم شدند، از سخنان ایشان پیامبر اسلام ناراحت شد، الله متعال درین مورد به پیامبر اسلام دستور داد که به خانم هایت بگوکه اگر زندگی دنیا و زرق و برق آنرا میخواهید { يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا } بیائید تا شما را هدیه ای مناسب بدهم { فَتَعَالَيْنَ أُمَتَّعَنَّ } یعنی برای شما آنچه را که شریعت برای زن طلاق شده فرض گردانیده بدهم <sup>2</sup>. و شما را به طرز نیکویی رها سازم { وَأَسْرَحَنَّ سَرَاً جَمِيلاً } ، یعنی شما را به وجه نیکویی طلاق میدهم تا بروید به نزد کسانی که مال و دارائی زیاد داشته باشند، اما اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را میخواهید

<sup>1</sup> - صحیح بخاری رقم 2336 صحیح مسلم رقم 1745

<sup>2</sup> - تفسیر القرآن - ج 16 ص 329 - شعراوی -

خداوند برای نیکو کاران شما پاداش بزرگی را آماده ساخته است ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ  
الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾. از عایشه رضی الله عنها روایت است: زمانی که  
به پیامبر اسلام امر شد تا زنان خود را به انتخاب دنیا و یا آخرت مخیر بسازد، وی نزد من آمد و  
گفت من به تو امری را می گویم مگر در آن عجله نکن و میتوانی با پدر و مادرت درین مورد  
مشوره کنی، در حالی که خودش می فهمید که پدر و مادرم مرا به جدائی از وی امر نمی کنند. بعداً  
گفت الله تعالی قال: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ﴾ هر دو آیه را تا به آخر تلاوت کرد. برایش گفتم: در  
چی این من با پدر و مادرم مشوره کنم، من الله و رسولش و سرای آخرت را می خواهم<sup>1</sup>.

اسلام وقتی که ظهور کرد جامعه عربی بسان جامعه های دیگر آن زمان بود، به زن به  
عنوان وسیله لذت و سیر کردن غریزه نگاه میکردند، بدین سبب از ناحیه انسانی نگاه پستی و  
دیدگاه بدی به زن داشتند. در جامعه نوعی هرج و مرج در رابطه جنسی دیده میشد، نظم و نظام  
خانواده نابسامان و فرو پاشیده بود. وقتی که اسلام ظهور کرد دیدگاه جامعه را در حق زن بالا برد،  
و جنبه های انسانی را در پیوند های دو جنس مخالف مورد نظر قرار داد. زن و مرد را دو زنده  
موجود انسان نام، قرار داد که باید بین شان محبت و دوستی و در تماس شان آرامش و آسایش باشد.  
و این دو موجود دارای هدف والائی اند که باید برآورده شود، و آن خلافت انسان در روی زمین و  
تطبیق شریعت الله است. در نخست به روابط خانوادگی پرداخته و خانواده را نظم و نظام اجتماعی  
داد، که بخش زیادی از قانونگذاری های اسلام را به خود اختصاص داده است. این سوره کار های  
خانوادگی عظیمی را مورد بحث قرار داده است. درین آیات سخنی با همسران پیامبر اسلام صلی الله  
علیه وسلم زده می شود، و ایشان را رهنمود مینماید به چگونگی رفتاری که با مردمان خواهند  
داشت. الله تعالی همسران پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم را به مقام بالا و مکانت والائی توجه  
میدهد، و برتری ایشان را بر همه زنان دیگر بیان مینماید، این مقام والا و امتیاز بالا وقتی بر  
ایشان محفوظ و به ایشان اختصاص دارد که مطابق وحی الهی و دستورات پیامبر اسلام صلی الله  
علیه و سلم عمل نمایند. الله تعالی می فرماید ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ أَقْبَنُتُنَّ﴾ این حق  
و حقوقی است که این دین برآن استوار میماند. همسر پیامبر و مادران مؤمنین بودن این هر  
دو صفت، وظایف و تکالیف دشواری پدید میآورد، و ایشان را از ارتکاب گناهان نیز به دور  
و مصئون میدارد. و اگر از یکی از آنها گناهی سرزند عذاب آن دوچندان است و اگر مطابق  
اوامر الهی و رسولش زندگی خود را به پیش ببرند پاداش آنها نیز دوچندان است ﴿نَوْتَهَا أَجْرَهَا

<sup>1</sup> - صحیح بخاری رقم 4507 و مسلم باب تخییر امرآته لا یكون طلاقاً - رقم 3754

**مرتین}** و در آخرت برای شان رزق ارزشمندی فراهم میسازد، این بشارت جنت است به همسران پیامبر اسلام<sup>1</sup>. مسئله تنها نزدیکی و قرابت با پیامبر اسلام نیست بلکه مقربترین انسان ها به نزد الله تعالی متقی ترین آنها است **{إن أكرمكم عند الله اتقاكم}** البقره: 62.

بعد از این که مکانت و منزلت همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم را بیان می نماید وسائلی را واضح میسازد که با آنها ناپاکی و پلیدی را از اهل بیت دور میسازد **{فلا تخضعن بالقول}** با کسانی که صحبت می کنید صدا را نرم و نازک نکنید **{و قلن قولاً معروفاً}** و به صورت شایسته سخن بگوئید. الله تعالی آفریدگار همه است، از ذره ذره مخلوقات خود آگاه است، او میداند که زنان چه گونه باید با مردان رفتار کنند تا جامعه پاک و دور از فتنه و فساد باقی بماند، به این لحاظ به ازواج مطهرات دستور میدهد که با مسلمان ها جهت رفع ضروریات با طریقه ای گفتگو نمایند که طمع بیمار دلان را قطع نماید. بعداً به آنها دستور میدهد تا از خانه ها بدون ضرورت بیرون نشوند **{و قرن فی بیوتکن}** در خانه های خود بمانید. اسلام برای این که فضای خانه را آماده و آراسته کند، و در خانه برای نونهالانی که تازه به دنیا میآیند، رعایت و عنایت مهیا و میسر گرداند، به مرد نفقه را واجب نموده و تهیه هزینه را به دوش او انداخته است، تا مادر فرصت کامل و وقت لازم و آرامش خاطر را به تربیه اولاد خود پیدا کند. دستور خانه ماندن هم به این معنی نیست که زنان در خانه بنشینند و اصلاً از آنجا بیرون نروند، بلکه به این معنی است که خانه در زندگی زنان اصل و جایگاه پسندیده شان است و جهت رفع ضروریات شان مؤقتاً میتوانند بیرون روند، و آن هم با حجاب اسلامی **{ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى}** و همچون جاهلیت پیشین در میان مردم بازیب و زینت و آرایش اندام های خود را ظاهر نساخته و خود نمائی نکنند، و وسائل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهند. زنان در دوران جاهلیت یعنی قبل از اسلام، در میان مردان ظاهر می شدند و رفت و آمد میکردند و خود نمائی مینمودند<sup>2</sup>.

در مورد جاهلیت اولی زادالمسیر چهار قول را ذکر کرده است: قول اول سالهای بین آدم و نوح علیهما السلام، قول دوم سالهای بین نوح و ادريس علیهما السلام، قول سوم در عهد ابراهیم علیه السلام و قول چهارم بعد از عیسی علیه السلام الی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم<sup>3</sup>. ابن حجر

<sup>1</sup> - ایسرالتفاسیر لکلام العلی الکبیر - ج 4 ص 266. الجزائری -

<sup>2</sup> - تفسیر فی ظلال القرآن - ج 5 ص 197. سید قطب -

<sup>3</sup> - زادالمسیر فی علم التفسیر - ج 6 ص 205. ابن الجوزی -

در فتح الباری جاهلیت اولی را به قبل از بعثت پیامبر اسلام ذکر کرده است<sup>1</sup>. قول راجح قول سید قطب یرحمه الله است که در هر زمان پیدا می شود، فعلاً جاهلیت عصر حاضر است که بدتر از جاهلیت قبل از اسلام. می نویسد: جاهلیت تنها یک دوره معین از زمان نیست، بلکه جاهلیت یک حالت اجتماعی معینی است که جهانیها و اندیشه های معینی در باره زندگی دارد. ممکن است این جهانیها و این حالت در هر زمان و در هر مکانی یافت شود که دال بر وجود جاهلیت گردد. جاهلیت احساس جهانیها حیوانی دارد و در شناخت بشریت به پائین ترین پله افتیده است<sup>2</sup>.

الله تعالی می خواهد تا ازواج مطهرات را از سقوط در پلیدی ها نجات داده و به اوج سعادت برساند فلذا آنها را دستور به ادای نماز و دادن زکات و اطاعت الله تعالی و رسولش نموده میفرماید **{وَأَقِمِ الصَّلَاةَ وَآتِ الزَّكَاةَ وَاطِعِنِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ}**. عبادت و پرستش الله تعالی راه بلند رفتن مقام و تقرب به درگاه وی است. در اخیر رهنمود های ازواج مطهرات را به حفظ کردن فرموده های الله تعالی و سخنان پیامبر اسلام در خانه ها به پایان میرساند **{وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ}**. ابن جریر یرحمه الله مینویسد: شکر الله تعالی را بجا بیاورید که الله بر شما بسیار لطف کرده است که شما را در خانه ای قرار داده که در آن آیات الله تعالی و سنت تلاوت میگردد، یعنی به دستورات قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام عمل کنید، و به زبان به دیگران برسانید. **{إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا}**، الله آگاه است از احوال شما که شما را به صفت ازواج پیامبر اختیار کرد<sup>3</sup>.

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

درین مقطع به زنها دستور داده شده که در خانه بمانند، و اگر در صورت ضرورت بیرون می رفتند با حجاب بروند، و با غیر محارم به طور جذاب سخن نزنند، و نماز را ادا نمایند و زکات را بدهند و اطاعت از الله و رسولش را نمایند که این همه احکام الهی اند که محور این سوره است.

<sup>1</sup> - فتح الباری شرح صحیح بخاری- باب ایام الجاهلیه- ج 7 ص 149. احمد بن علی بن محمد بن احمد بن حجر العسقلانی المتوفی 852 قمری- دارالعلم بیروت- الطبعة 1424 قمری.

<sup>2</sup> - فی ظلال القرآن- ترجمه فارسی خرم دل- ج 5 ص 198. سید قطب -

<sup>3</sup> - جامع البیان عن تأویل آی القرآن- ج 21 ص 124. طبری-

## فوائد استنباط شده از مقطع:

- 1- حرمت سخن زدن زنان با مردان با آواز نرم و رقیق و دلکش<sup>1</sup>.
- 2- وجوب استقرار زنان در خانه های شان و بدون ضرورت بیرون رفتن<sup>2</sup>.
- 3- حرمت ظاهر شدن زنها در حضور مردان با زیب و زینت و آرایش<sup>3</sup>.
- 4- هر آنچه را که به همسران پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم الله تعالی امر کرده به زنان مؤمنین نیز امر شده است<sup>4</sup>.

---

<sup>1</sup>- ایسرالتفاسیر لكلام العلی الكبير- ج 4 ص 268. الجزائری-

<sup>2</sup>- ایسرالتفاسیر لكلام العلی الكبير- ج 4 ص 268. الجزائری-

<sup>3</sup>- ایسرالتفاسیر لكلام العلی الكبير- ج 4 ص 268. الجزائری -

<sup>4</sup>- - التفسیر الموضوعی لسوالقرآن الکریم- ج 6 ص 110 - مصطفی مسلم.



## مقطع هشتم

### تکمیل شخصیت مسلمان

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّانِمِينَ وَالصَّانِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (35).

#### ترجمه آیات:

35- مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان فرمانبردار الله و زنان فرمانبردار الله، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان بخشایشگر و زنان بخشایشگر، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردانی که بسیار الله را یاد میکنند و زنانی که بسیار الله را یاد میکنند، الله برای همه آنها آمرزش و پاداش بزرگی را فراهم ساخته است.

#### سبب نزول:

از ام سلمة رضی الله عنها روایت است: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، يُذَكَّرُ الرَّجَالُ وَلَا يُذَكَّرُ النِّسَاءُ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ {إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ} یعنی گفتیم به رسول الله صلی الله علیه و سلم: یا رسول الله مردان ذکر شده و زنان ذکر نشده، الله متعال این آیت را نازل کرد {إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ...} <sup>1</sup>.

#### علاقه بین این مقطع و مقطع قبلی:

در مقطع قبلی الله متعال برای ازواج مطهرات آداب زندگی را بیان نموده و آنها را به انجام بعضی از امور امر، و از انجام بعضی منع کرد مانند: بدون حاجت از خانه بیرون نشدن، بامردان به الفاظ نرم سخن نزدن و پوشیدن حجاب. در این مقطع نتیجه امتثال به اوامر الله تعالی و اجتناب از

1- المستدرک علی الصحیحین للحاکم- باب تفسیر سوره احزاب ج 2 ص 451 - صحیح به شرط شیخین

نواهی وی را بیان می نمایند. و آن مغفرت و ثواب بزرگی است که آماده ساخته است در آخرت برای پیروان راستین حق<sup>1</sup>، می فرماید { **أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا**}. یعنی برای شان مغفرت و اجر بزرگ را آماده ساخته است.

### معنای اجمالی مقطع:

در مقطع قبلی الله تعالی ازواج مطهرات را به بعضی از امور امر و از بعضی منع نمود، درین آیات الله متعال پیامد های آن را در مجموع بیان میکند که جایگاه شان جنت بوده و مقام عالی ای را برای شان آماده نموده است، بعداً اوصاف آنانی را که مقام عالی برای شان آماده شده بیان میکند، و آنها مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان فرمانبردار فرمان الله متعال و زنان فرمانبردار فرمان الله متعال { **وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ** } یعنی طاعت در سکون<sup>2</sup>، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبیا و زنان شکیبیا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان بخشایشگر و زنان بخشایشگر، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن { **وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ** } یعنی از حرام و گناه پرهیز میکنند<sup>3</sup>، و مردانیکه بسیار الله متعال را یاد میکنند و زنانی که بسیار الله متعال را یاد میکنند اند { **وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ** } در حدیث صحیح از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود { **مَنْ اسْتَيْقِظَ مِنَ اللَّيْلِ وَأَيْقِظَ امْرَأَتَهُ فَصَلِّيَا رَكَعَتَيْنِ جَمِيعًا كَتَبَا لِيْتَهُمَا مِنَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ** } کسی که در یک شب از خواب بخیزد و خانم خود را بیدار کند و هر دوی شان دو رکعت نماز بخوانند نوشته می شود همان شب آنها از جمله ذکر کننده گان<sup>4</sup>.

الله متعال ده صفات اسلامی را که همه آنها جمع میشوند در اصول اسلامی و در بردارنده اعتقاد، عبادت، اخلاق، سلوک و نیت صادق و اخلاص در عمل است درین آیت واضح ساخته. اسلام به معنی تسلیم فرمان الله شدن، ایمان به معنی تصدیق کردن، قنوت به معنی اطاعت ناشی از اسلام و ایمان از روی رضایت درونی، صدق یعنی راستگویی که یکی از صفات ملت مسلمان است، صبر

<sup>1</sup> - تفسیر المراغی- ج 8 ص 6. المراغی-

<sup>2</sup> - تفسیر القرآن العظيم- یکجادی- مکتبه ارشد- ریاض ص 1170- ابن کثیر-

<sup>3</sup> - تفسیر القرآن العظيم- یکجادی- مکتبه الرشد- الریاض ص 1171 - ابن کثیر-

<sup>4</sup> - السنن الكبرى للامام النسائي- 2 ص 123- احمد بن شعيب ابو عبدالرحمن النسائي - دارالکتب العلمیه-بیروت- الطبعة 1411 قمری.

یعنی تحمل و بردباری و استقامت و پایداری در برابر خواسته ها و آرزوهای نفس، در مقابل سختیها و دشواریهای دعوت، در برابر اذیت و آزار مردمان جاهل و بی دین، در برابر بلاها و آزمایش ها، در برابر فتنه های روز افزون، در برابر خوشیها و ناخوشیها و نعمتها و زیانها و ضررها. خشوع یعنی فروتنی و احساس ترس و هراس از هیبت و شوکت ذات کبریاء. تصدق یعنی بخشایش دال بر پاک شدن مال و بخل درون و سپاسگزاری از دهنده نعمتها. روزه صبر و شکیبائی در برابر حوائج اولیه زندگی و استوار داشتن اراده، حفظ فرج یعنی پاکدامنی و حفظ عورت و استقامت در برابر خواسته های شیطانی. ذکر یعنی زیاد الله متعال را یاد کردن و دایم به یاد الله بودن و لحظه ای از یاد الله غافل نبودن. پس به همین خاطر است که الله متعال میفرماید: **{أَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا}** خداوند تبارک و تعالی برای همه آنها آمرزش و پاداش بزرگ را فراهم ساخته است.<sup>1</sup>

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

صفتی را که الله متعال در این آیت ذکر کرده در ساختار جامعه اسلامی نقش بارزی را ایفا مینمایند زیرا مسلمان عقیده به الله تعالی داشته و متیقن است که قرآن کریم کتاب الله تعالی است، و آنچه را که الله تعالی و پیامبرش دستور میدهند احکام الهی است که جامعه را به سوی فلاح و رستگاری سوق میدهد. ، بناءً مسلمان باید به این صفات تسلیم بوده و خود را آراسته سازد تا جنات برین نصیبش گردد، مانند: اسلام، ایمان، قنوت، صدق، صبر، خشوع، تصدق، روزه، حفظ فرج و ذکر زیاد. بناءً ارتباط مستقیم با محور سوره دارد.

### فوائد استنباط شده از مقطع:

- 1- بشارت است برای زنان و مردان مسلمان به مغفرت گناهان شان و دخول جنت به شرطی که به صفات مذکور متصف شوند، که اول آن اسلام و ایمان است و آخر آن ذکر الله تعالی<sup>2</sup>.
- 2- مساوات بین زن و مرد در تکلیف که الله تعالی مرد و زن را یکسان به عمل آن حکم نموده، و اما آن چیزی که را که مختص به مردان و یا زنان قرار داده آن خصوصیت آنها است، به خاطری که الله تعالی فروده: **{للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن، والله يقول الحق و هو يهدى}**

<sup>1</sup> - فی ظلال القرآن - ترجمه فارسی خرم دل - ج 5 ص 200. سید قطب-

<sup>2</sup> - ایسرالتفاسیر لکلام العلی الکبیر - ج 4 ص 270. الجزائری-

**السبیل** {<sup>1</sup>. یعنی مردان از آنچه به دست آورده اند بهره ای دارند و زنان از آنچه به دست آورده اند بهره ای دارند، الله حق را بیان می کند و او هدایت کننده به راه راست است.

---

<sup>1</sup>- ایسرالتفاسیر لكلام العلی الكبير- ج 4 ص 270- الجزائری-

## مقطع نهم

### ازدواج پیامبر اسلام با زینب

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا (36) وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطْرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطْرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (37) مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا (38) الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (39) مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (40)

### ترجمه آیات:

36- هیچ مرد وزن مؤمنی در کاری که الله و رسولش فیصله یا حکمی کرده از خود اختیار در آن ندارند، و هر کسی که نافرمانی الله و رسولش را کند به تحقیق که آشکارا گمراه شده.

37- (یاد آور) زمانی را که به کسی که الله برایش نعمت داده بود (هدایت دادن وی به اسلام) و تو هم برایش لطف کردی (تربیه نموده و آزادش کردی) می گفتی همسرت (زینب بنت جحش) را نگه دار- و اتق الله و از الله بترس، (ای پیامبر) تو مخفی میداشتی در دل خود چیزی را که الله آنرا آشکار میسازد، و از مردم می ترسیدی در حالی که الله سزاوارتر است از او بترسی، هنگامی که زید حاجت خود را از او برآورده ساخت (بر اثر ناسازگاری زینب، مجبور به طلاق شد و وی را رها کرد)، ما او را به همسری تو درآوردیم تا مشکلی بر مؤمنان نباشد در ازدواج با همسران پسرخواندگانشان، و فرمان الله همواره انجام پذیر است.

38- بر پیامبر در مورد آنچه الله برایش مقرر (و حلال) داشته است، هیچ گونه گناهی وجود ندارد، این کار سنت الهی است (و) در باره کسانی (پیامبرانی) که پیش از این بوده اند (نیز صدق می کند) و فرمان الله همواره دقیق و حساب شده است.

39- کسانی که پیمان های الله را (به مردم) می‌رسانند و تنها از او می‌ترسند، و از هیچ کس جز الله ترسی ندارند، و الله برای حساب الله و آخرین پیامبران است، و الله از همه چیز آگاه بوده و است.

### سبب نزول:

زینب بنت جحش خواهر عبدالله بن جحش، مادرش امیمة بنت عبدالمطلب عمه رسول الله صلی الله علیه و سلم است. رسول الله صلی الله علیه و سلم زینب را به زید بن حارثه که در جاهلیت او را خریده و بعداً آزاد کرده و پسر خوانده بود خواستگاری کرد، زینب نه پذیرفت و گفت: من دختر عمه شما هستم و برادرش هم نه پذیرفت این آیت نازل شد: **وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ**<sup>1</sup>.

### علاقه بین این مقطع و مقطع سابق:

در آیات قبلی الله متعال اوصاف مؤمنین و مؤمنات و کسانی که ذکر الله متعال را میکنند یاد آوری شد که همه آنها تعلق می‌گیرد به اطاعت الله جل جلاله و رسولش که با انجام این اعمال الله متعال مغفرت و اجر عظیم را شامل حالشان می‌گرداند، در این مقطع هم سخن از اطاعت الله تعالی و رسولش است، که هیچ مرد و زن مسلمان بعد از فیصله الله و رسولش اختیار قبول و رد را ندارد (کاملاً از الله و رسولش باید اطاعت کنند) و در اطاعت الله و رسولش زن و مرد برابرنند مثلی که در احکام گذشته برابر بودند، و هرگاه کسی نافرمانی الله تعالی و رسولش را نماید در گمراهی رفته است<sup>2</sup>.

### معنای اجمالی مقطع:

در آیات قبلی برای زنان و مردان مؤمن و مسلمان و در مجموع برای کسانی که اعمال شایسته انجام می‌دهند و عده مغفرت و اجر عظیم داده شد، و آن متضمن پیروی از دستورات الله تعالی و رسولش است زیرا اطاعت الله تعالی و نبی کریم صلی الله علیه و سلم بالای زن و مرد مسلمان

1- المعجم الكبير - باب ذکر تزویج نبی صلی الله علیه و سلم - ج 24 ص 45- ابی القاسم سلیمان بن احمد الطبرانی - المتوفی 360 - مکتبه بن تیمیه القاهره - الطبعة 2010 م -

2- - التحرير و التتویر ج 22 ص 27- ابن عاشور.

واجب بوده و در اجرای اوامر الله ورسولش، مخیر نیستند، و هر کسی خلاف اوامر الله ورسولش قدم نهد به تحقیق در گمراهی آشکارا قدم نهاده است. این شروع قصه زید بن حارثه کلبی مولی رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه زینب بنت جحش بنت عمه رسول صلی الله علیه وسلم است. رسول الله صلی الله علیه وسلم از زینب خواست تا با زید ازدواج کند مگر زینب ازدواج را با زید قبول نمیکرد، الله متعال دستور داد که فرمان رسولش را قبول کند، زیرا مسلمانها مخیر نیستند که هر آن چه دلشان خواست انجام دهند بلکه فرمان الله و رسولش بر خواسته مؤمنین مقدم است که باید عملی گردد. درین جا اراده الله جل جلاله بود که زید بعد از ازدواج، زینب را طلاق دهد و بعداً آنرا در نکاح پیامبر اسلام درآورد تا رسم فرزند خواندگی جاهلی از بین برود، از این موضوع رسول الله صلی الله علیه وسلم را آگاه ساخته بود<sup>1</sup>. بعد از ازدواج، زینب و زید نا راض شدند تا حدی که موضوع را زید به پیامبر اسلام رساند و پیامبر اسلام برایش گفت که زینب را با خود نگه دار **{أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ}** این در حالی است که الله متعال برای زید نعمت ایمان را عطا فرموده و حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم وی را از غلامی آزاد کرده بود، تشنج بین شان شدید شد بالاخره زید زینب را طلاق داد. بعد از این که زینب طلاق داده شد الله متعال وی را به نکاح پیامبر اسلام درآورد. پیامبر اسلام موضوعی را که زینب در آینده در نکاح وی میآید مخفی داشته بود **{وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ}** مگر الله تعالی آن را آشکار ساخته و به پیامبر اسلام وحی کرد که زینب را به نکاح تو در آوردم. پیامبر اسلام ترس داشت **{وَتَخْشَى النَّاسَ}** که اگر یهودان از این موضوع خبر شوند میگویند که زن پسر خود را به نکاح گرفته و یا سائر مردم خواهد گفتند که مردی را به طلاق خانمش وادار ساخته و خودش آن را به نکاح خود در آورده است<sup>2</sup>. الله تعالی می فرماید که ترس از الله لازم است نه از دیگران باید از دستورات وی پیروی گردد **{وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ}**. زینب را الله متعال به خاطری در نکاح پیامبر اسلام درآورد تا بعد از این در نکاح زن مطلقه فرزندی حرجی نباشد **{لَكِي لَا يَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطْرًا}**. در مورد ازدواج نبی کریم صلی الله علیه وسلم با زینب طبری قولی را ذکر کرده که پیامبر اسلام روزی به خانه زینب رفت وی را دید خیلی خوشش آمد، بعد از آن آرزو میکرد که زید طلاقش را بدهد تا با وی ازدواج کند. درین مورد الله تعالی نازل کرده **{وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ}**<sup>3</sup>. این روایت صحیح نیست زیرا پیامبر اسلام

<sup>1</sup>- جامع البیان عن تأویل آی القرآن- ج 22 ص 19- طبری-

<sup>2</sup>- زادالمسیر فی علم التفسیر- ج 6 ص 209- ابن جوزی-

<sup>3</sup>- جامع البیان عن تأویل آی القرآن- ج 22 ص 18- طبری-

صلی الله علیه وسلم زینب را قبل از ازدواج اش با زید دیده بود، زینب دختر عمه پیامبر اسلام بود و پیامبر اسلام خودش زینب را به زید خواستگاری کرد، چرا قبل از ازدواجش با زید خوشش نیامد و محبتش به قلب وی راه نیافت که بعد از ازدواج چنین شد؟ اگر پیامبر اسلام می خواست به عوض این که زینب را به زید خواستگاری کند به خود خواستگاری می کرد، ممانعتی وجود نداشت. حقیقت این است که اراده الله رفته بود تا پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم بعد از زید با وی ازدواج کند تا بالای رسم جاهلی خط بطلان بکشد. این سنت همه پیامبران بود که فرمان الله را در معرض اجرا قرار میدادند و روی دستورات الهی برنامه خود را تنظیم میکردند و آنها چندین زن داشتند درین مشکلی نیست. فرمان الله همواره روی حساب و برنامه دقیقی است و به مرحله اجرا درآمدنی است {وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا} یعنی مقدرات الهی که زینب باید از جمله ازواج مطهرات گردد شدنی است<sup>1</sup>.

کسانی که رسالت های الله را میرسانند و به جز از الله از کس دیگری نمیترسند الله حسابگر زحمات و پاداش دهنده اعمال آنان است.

قضیه تبنی خیلی مهم بود و باید از میان برداشته می شد به این لحاظ الله تعالی در آیت {مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ} تأکید می ورزد که پیامبر اسلام پدر هیچ یکی از مردان شما نیست. از رجالکم چنین معلوم می شود که پدر مردان و یا جوانان نبوده است بلکه پدر اطفال خودش بوده که آنها فوت کرده اند. ولکن پیامبر الله و خاتم پیامبران است. یعنی ختم کننده پیامبران و آخرین پیامبران است که دیگر پیامبری بعد از وی نمی آید. از احادیث صحیح پیامبر اسلام نیز ثابت است که بعد از وی سلسله نبوت ختم و دیگر پیامبر مبعوث نمی شود. بخاری حدیثی را از پیامبر اسلام نقل میکند که می فرماید {كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ، كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ، وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي}<sup>2</sup>. قیادت بنی اسرائیل را پیامبران می کردند، هنگامی که یک پیامبر رحلت می کرد پیامبر دیگری به عوضش می آمد، مگر بعد از من دیگر پیامبری نیست. در حدیث صحیح سنن الترمزی هم از پیامبر اسلام روایت است {وَإِنَّهُ سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي ثَلَاثُونَ كَذَّابُونَ كُلُّهُمْ يَزْعُمُ أَنَّهُ نَبِيٌّ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدِي} در امت من سی دروغگو می باشد، همه آنها فکر می کنند که پیامبر هستند، و من آخرین پیامبرم که بعد از من دیگر پیامبری نیست<sup>3</sup>. در حدیث مسلم پیامبر اسلام به علی علیه السلام گفت:

1- جامع البیان عن تأویل ای القرآن- ج 22 ص 19- طبری-

2- صحیح بخاری- باب ما ذکر عن بنی اسرائیل رقم 3455- ج 4 ص 169.

3- الجامع الکبیر- سنن الترمذی- ت بشار- باب ما جاء لا تقوم الساعة ج 4 ص 69--



نسبت تو به من مثل نسبت موسی به هارون است، مگر این که بعد از من دیگر پیامبری نیست {إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي} <sup>1</sup>.

اجماع صحابه هم در این است که بعد پیامبر اسلام دیگر پیامبری نیست و سلسله نبوت ختم گردیده است. مثال زنده آن جنگ صحابه کرام دسته جمعی با مسیلمه کذاب است که ادعای شرکت در نبوت با پیامبر اسلام را می کرد.

بعد از اجماع صحابه تا به امروز همه علمای جهان اسلام متفق بر این اند که بعد از پیامبر اسلام دیگر پیامبری ظهور نمی کند و سلسله نبوت ختم گردیده است.

بعضی ها منکرین ختم نبوت هستند، آنها حدیثی را از ابن ابی شیبیه از عایشه رضی الله روایت کرده است که گفت: بگوئید خاتم النبیین، و نه گوئید: بعد از وی نبی نیست (قولوا: خاتم النبیین، ولا تقولوا: لا نبی بعده) دلیل می گیرند، همچنان ابن ابی شیبیه از قول مغیره بن شعبه روایت کرده که کسی به مغیره <sup>2</sup> گفت: صلی الله علی محمد خاتم الانبیاء لا نبی بعده. مغیره گفت: چنین نگو ما از آمدن عیسی علیه السلام سخن می زنیم او قبل از پیامبر اسلام بود و بعد از او هم است <sup>3</sup>.

در مورد اقوال فوق باید گفت که: در دین اولین حجت قرآن کریم است، در صورتی که آیات واضح قرآن کریم موجود باشد دیگر روایات دلیل شده نمی تواند، در مرحله دوم حجت احادیث پیامبر اسلام است، روایات دیگر قابل اعتبار نیست، در مرحله سوم اجماع صحابه است، و در مرحله چهارم اجماع امت است. در مورد ختم نبوت آیت قرآن کریم موجود است و بعد از آن احادیث صحیح پیامبر اسلام موجود است، و به تعقیب آن اجماع صحابه و اجماع امت است، پس در مقابل آیت قرآن و احادیث پیامبر اسلام و اجماع صحابه و امت، قولی را که به عایشه صدیقه نسبت داده اند و یا قولی که از مغیره بن شعبه نقل شده دلیل شده نمی تواند <sup>4</sup>.

درین جا سؤال مطرح می شود که چه قسم آخرین پیامبر است که بعد از وی عیسی علیه السلام نازل می شود؟ جواب این است که عیسی علیه السلام قبل از پیامبر اسلام پیامبر بود، و به وی از جانب الله تعالی و حی شده بود، این عقیده مسلمانها است هرگاه کسی از این منکر شود کافر میگردد،

1- صحیح مسلم- باب فضائل علی بن ابی طالب رضی الله عنه ج 4 ص 1870- مسلم بن الحجاج ابوالحسن القشیری النیشابوری- الطبعة 1426 قمری.

2- مغیره بن شعبه: ابو عبدالله و گفته اند ابو عیسی الثقفی صاحب نبی کریم صلی الله علیه وسلم - التاریخ الکبیر لمحمد البخاری- ج ص 108-

3- المصنف ابن ابی شیبیه - ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابی شیبیه العبسی الکوفی- المتوفی 235 هجری- ج 6 ص 494- الطبعة 1409.

4- تفهیم القرآن- ترجمه پشتو- ج 4 ص 241 - طبع پشاور ابوالاعلی مودودی- -

مگر بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم نازل می شود، به صفت پیرو محمد صلی الله علیه وسلم، از دین اسلام پیروی میکند و به طرف قبله مسلمانها نماز می خواند<sup>1</sup>.

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

این مقطع راه و روش و آداب زندگی را به مسلمانان می آموزاند، که اولین گام در زندگی پیروی از دستورات الله و رسولش و تسلیم شدن به آن است، که در این راستا مسلمان از خود اختیاری ندارد، که خلاف فرموده های الله جل جلاله و رسولش کاری را انجام دهد، پس مسلمان باید زندگی خود را مطابق قرآن و سنت پیامبر اسلام عیار سازد.

### فوائد استنباط شده از مقطع:

- 1- برای زن و مرد مؤمن اختیار در ادای اوامر و اجتناب از نواهی الله و رسولش نیست، بلکه بدون چون و چرا به آن تسلیم شوند<sup>2</sup>.
- 2- هرآنکه نافرمانی الله و رسولش را بکند از طریق هدایت خارج شده به طریق ضلالت قدم می نهد<sup>3</sup>.
- 3- باطل ساختن احکام تبنی که در جاهلیت وجود داشت.
- 4- هرگاه شخصی چیزی را به خاطر الله ترک کند، الله تعالی بهتر از آن نصیبتش میگرداند<sup>4</sup>.
- 5- حضرت محمد صلی الله علیه و سلم آخرین پیامبر است که بعد از وی دیگر پیامبری نیست.

---

<sup>1</sup>- تفسیر الکشاف - ج 3 ص 528- الزمخشری-

<sup>2</sup>- ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 274. الجزائری-

<sup>3</sup>- ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 274. الجزائری-

<sup>4</sup>- ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 274. الجزائری-

## مقطع دهم

### امر به کثرت ذکر و تسبیح الله تعالی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (41) وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (42) هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا (43) تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا (44) .

#### ترجمه آیات:

41- ای کسانی که ایمان آورده اید الله متعال را به قلب و زبان و اعضای خود زیاد یاد کنید 42- و صبح و شام به تسبیح او (در همه وقت) بپردازید.

42- او کسی است که به شما عنایت و مرحمت می کند و فرشتگانش برای شما تقاضای بخشش و آمرزش مینمایند تا که شما را از تاریکی های (کفر و ضلالت) بیرون آورده و به نور (ایمان و هدایت) برساند چراکه او پیوسته نسبت به مؤمنان مهربان بوده است.

43- درود شان (از جانب الله) در روزیکه او را ملاقات میکنند امن و امان تان باد است- و آماده ساخته است برای شان پاداش گرانبھائی.

#### علاقه بین این مقطع و مقطع قبلی:

در اول مقطع قبلی الله تعالی به مؤمنین گوشزد نمود که آنچه الله و رسولش دستور میدهند انجام دهید بدون اینکه فکر و عقل خود را در کار بیندازید، و هر گاه کسی نافرمانی الله و رسولش را بکند در حقیقت به گمراهه رفته است. درین مقطع به تعقیب آن دستور میدهد که الله تعالی را به کثرت یاد کرده و در ذکر الله مداومت کنید، زیرا با یاد الله فرشتگان طلب مغفرت میفرستند و الله تعالی رحمت خود را نازل کرده از آتش دوزخ نجات داده داخل بهشت مینماید، در حقیقت مقطع قبلی مقدمه این مقطع است.

## معنای اجمالی مقطع:

در آیات قبلی الله تعالی به مؤمنین فهماند که به فرمان الله و رسولش بدون چون و چرا تسلیم شده و از آن پیروی نمایند. این زمینه سازی بود به دستورات بعدی تا بدون تفکر و تشویش به تطبیق آن اقدام نمایند. درین جا الله تعالی بعد از زمینه سازی به مؤمنین دستور میدهد تا پروردگار شان را به کثرت یاد کنند و در هر حالی از احوال به قدر طاقت بشری از یاد وی غافل نباشند. و بامدادان و شامگاهان و به تسبیح او بپردازند {وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً} امام رازی (بكرة و اصیلا) را اشاره به مداومت تفسیر کرده است<sup>1</sup>. یعنی دائم به ذکر الله مشغول باشید. از معاذ بن جبل روایت است: از رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسیدیم: کدام عمل به نزد الله محبوب تر است؟ گفت {ان تموت و لسانک رطب من ذکرالله}<sup>2</sup>. بمیری و زبانت به ذکر الله مشغول باشد. در آیت دیگری می فرماید {وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ} الانفال:45 و الله را زیاد یاد کنید تا این که رستگار شوید. آیه دیگر {فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ} النساء: 103. یعنی در شب و روز، در بحر و خشکه، در سفر و حضر، در فقر و پولداری، در مرضی و صحت، آشکارا و پنهان، و در هر حال الله را یاد کنید<sup>3</sup>. در حدیث قدسی پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَىٰ فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأِ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأِ خَيْرٍ مِنْهُمْ<sup>4</sup>. الله تعالی می فرماید: کسی که مرا در پیش خود یاد کند، او را در میان جمع یاد کند، او را در میان جمع یاد می کنم که بهتر از آن جمع هستند. الله کسی است که به مؤمنین عنایت و مرحمت میکند و فرشتگانش برای آنها آموزش و بخشش می طلبند تا الله متعال آنها را از تاریکی ها بیرون آورده و به نور ایمان برساند چراکه او پیوسته نسبت به مؤمنان مهربان است، فضل خدای را که تواند شمار کرد - یا شکر یکی از هزار کرد؟ الله بزرگ بندگان ضعیف، ناتوان، نیازمند و فنا پذیر را یاد میکند و به ایشان عنایت و توجه می فرماید، و مغفرت و بخشش خود را نصیب ایشان می نماید، و آن بهشت جاودان است، که در آنجا از هر گونه ترس و هراسی در امن و امانند، و از هر رنجی بدورند، و درد و رنجی به ایشان دست نمی دهد، درود را از جانب الله دریافت می کنند، درود را فرشتگان به ایشان میرسانند. فرشتگان از هر دری به پیش ایشان می آیند و سلام شان می نمایند، و

<sup>1</sup> - مفاتیح الغیب - ج 25 ص 187 - الرازی.

<sup>2</sup> - صحیح ابن حبان - ابوحاتم محمد بن حبان بن احمد بن حبان بن معاذ بن معبد التمیمی - ج 3 ص 99 رقم الحدیث 818 - الطبعة 1406ق

<sup>3</sup> - جامع البیان عن تأویل آی القرآن - ج 22 ص 23 - طبری.

<sup>4</sup> - صحیح بخاری - باب قول الله تعالی - و یحذرکم الله - رقم 6970 - محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری ابو عدالله.

درود والای الله را به ایشان می‌رسانند، اینها گذشته از پاداش از رشمندی است که الله برای شان آماده کرده است.<sup>1</sup>

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

محور این سوره تسلیم شدن به احکام الهی است، در این مقطع هم دستور الهی است که باید الله تعالی را به کثرت یاد کرد، در شب و روز نباید از ذکر وی غافل بود. زیرا جنت جای کسی است که از قرآن و سنت پیروی کرده و از یاد الله غافل نباشد، پس باید به احکام الهی تسلیم بوده و وی را به کثرت یاد کنیم.

### فوائد استنباط شده از این مقطع:

- 1- وجوب ذکر الله تعالی در شب و روز.<sup>2</sup>
- 3- بیان فضل الله متعال بالای مؤمنین به رحمت، مغفرت، کرامت و برکت وی، و دعاء ملائکه برایشان.<sup>3</sup>
- 4- بشارت مؤمنین صادقین به جنت و احترام و عزت آنها در آنجا.<sup>4</sup>

---

<sup>1</sup>- فی ظلال القرآن- ترجمه فارسی- نشر احسان- تهران- ج 5 ص 215- سید قطب-

<sup>2</sup>- التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم- ج 6 ص 128. مصطفی مسلم-

<sup>3</sup>- ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 176. الجزائر-

<sup>4</sup>- ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 174. الجزائر-

## مقطع یازدهم

### وظائف رسول الله صلی الله علیه و سلم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (45) وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (46) وَبَشِّرِ  
الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا (47) وَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ  
وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (48)

#### ترجمه آیات:

45- ای پیامبر ما شما را فرستاده ایم گواه دهنده بالای امت محمد، بشارت دهنده (به جنت کسانیراکه ایمان آورده اند و عمل صالحه انجام داده اندبیم دهنده) به دوزخ کسانیراکه کفر ورزیده و شرک آوردند

46- دعوت کننده به سوی الله طبق فرمان الله ( و به توحید الله و اطاعت الله متعال) و چراغ روشن (برای کسانیکه میخواهند به سوی رستگاری هدایت شوند)

47- و بشارت بده مؤمنین را که برای آنها از جانب الله فضل بزرگ آماده شده است 4- از کفار و منافقین پیروی مکن در فکر آزار و اذیت آنها نباش، و بر الله توکل کن و همین بس که الله حامی و مدافع باشد.

#### علاقه بین این مقطع و مقطع سابق:

در مقطع قبل الله متعال به مؤمنین دستور میدهد که الله تبارک و تعالی را در هر حالی که باشند بسیار یاد کنند و هیچ گاه از یاد وی غافل نباشند و مطمئن باشند که الله تعالی بالای مؤمنین بسیار مهربان است. در این مقطع نتیجه ذکر الله را بیان میکند و میفرماید: بشارت بده کسانی را که به الله تعالی و پیامبر اسلام و قران ایمان دارند، که از جانب الله تعالی برای شان فضل بزرگی آماده شده و آن جنت است که در آنجا برای همیشه در امن و امان هستند، و همچنان در آیات قبلی الله تعالی به مؤمنین وعده اجر کریم را داد، درین جا الله تعالی به پیامبرش دستور میدهد که برای مؤمنین بشارت بده که از جانب الله برای شان فضل بزرگی آماده شده است.

## معنای اجمالی مقطع:

در آیات قبلی الله تعالی برای مؤمنین وعده اجر کریم داده بود، در این جا الله متعال به پیامبرش میفرماید که ای پیامبر ما ترا به عنوان گواه و مژده رسان و بیم دهنده، و به عنوان دعوت کننده به سوی الله طبق فرمان الله و به عنوان چراغ تابان فرستاده ایم، من برای مؤمنین وعده اجر کریم را داده ام و تو هم به مؤمنان مژده بده که ایشان از سوی الله نعمت فراوانی دارند، و از کافران و منافقان فرمانبرداری مکن و اعتنائی به اذیت و آزارشان نداشته باش و بر الله تکیه کن همین بس که الله جل جلاله حامی و مدافع باشد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم آیت {يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا} را در حدیثی چنین تفسیر نموده است: فَإِنَّهُ قَدْ أَنْزَلَتْ عَلَيَّ {يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا عَلَى أُمَّتِكَ بِالْجَنَّةِ وَنَذِيرًا مِنَ النَّارِ وَدَاعِيًا إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَسِرَاجًا مُنِيرًا بِالْقُرْآنِ} <sup>1</sup>. برای من نازل شده: ای پیامبر ما ترا فرستاده ایم شاهد بالای امتت بر جنت و بیم دهنده از آتش، و دعوت کننده به شهادت أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و چراغ تابان به قرآن.

وظیفه پیامبر اسلام رساندن پیام الله جل جلاله را به مردم بود و وی وظیفه خود را بوجه احسن انجام داده و قرآن را به مردم رساند و در روز آخرت هم گواهی میدهد که من پیام الله تعالی را به مردم رساندم.

پیامبر اسلام مبشر بود، کسانی که مطابق قرآن و سنت زندگی خود را عیار میکردند برایشان بشارت جنت را میداد و کسانی که مطابق قرآن و سنت زندگی نکردند آنها را از عذاب الهی بیم میداد و مردم را به سوی دین الله جل جلاله و به سوی قرآن دعوت میکرد.

## مناسبت این مقطع با محور سوره:

این مقطع از راه و روش زندگی بحث میکند که الله تعالی پیامبرش را به صفت معلم و رهنمای بشر فرستاده تا مردم را به سوی کامیابی دنیا و آخرت دعوت کرده و احکام الهی را برای شان بفهماند تا در زندگی خود تطبیق کنند و از کفار و منافقین پیروی نکرده و توکل خود را به الله تعالی نمایند. محور این سوره هم تسلیم شدن به احکام الهی است که مناسبت مستقیم با مقطع دارد.

<sup>1</sup> - المعجم الكبير للطبرانی- سليمان بن احمد بن ايوب بن مطير اللخمي الشامي ابوالقاسم الطبرانی- ج 11ص312- الطبعة 2010 م.

## فوائد استنباط شده از این مقطع:

- 1- حرمت اطاعت کفار و منافقین و فجار و ظالمین در آنچه که مخالفت قرآن و سنت باشد<sup>1</sup>.
- 2- هرگاه کسی توکل خود را به الله کند الله کفایتش می کند<sup>2</sup>.

---

<sup>1</sup>- ایسرالتفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 278. الجزائری-

<sup>2</sup>- التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم- ج 6 ص 132. مصطفی مسلم-



## مقطع دوازدهم

### حکم طلاق قبل از همبستر شدن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (49)

49- ای مؤمنان هنگامی که با زنان مؤمن ازدواج کردید و آنان را پیش از همبستری با ایشان طلاق دادید، برای شما عده ای بر آنها نیست تا حساب آنها نگاه دارید، ایشان را از هدیه مناسبی بهره مند سازید و به گونه محترمانه و زیبایی آنان را آزاد و رها سازید.

### علاقه این مقطع با مقطع قبلی:

در مقطع قبلی الله تعالی به پیامبر اسلام دستور داد که مؤمنین را به فضل بزرگ از جانب الله تعالی بشارت بدهد زیرا مؤمنین از فرمان الله تعالی و رسولش پیروی می کنند پس فضل الهی شامل حال پیروان دین می گردد، در این مقطع یکی از احکام الهی را بیان می کند تا مؤمنین از آن پیروی کنند و آن حکم طلاق قبل از همبستر شدن است که عده ندارد. در مقطع قبلی فضل تطبیق کنندگان احکام الهی بیان شد و در این جا الله تعالی حکم خود را بیان کرد تا به صورت درست تطبیق گردد.

### معنای اجمالی مقطع:

الله تعالی بعد از بیان فضل مؤمنین حکم زن طلاق داده شده ای را بیان میکند که قبل از همبستر شدن طلاق داده شده است، می فرماید: هر گاه با زنان مؤمن ازدواج کردید و آنها را قبل از همبستر شدن طلاق دادید، باید به گونه محترمانه و مناسبی مهر آنان را پرداخته بدون اذیت و آزار رها سازید و برای شان عده نیست، می توانند مباشرتاً بعد از طلاق با کس دیگری ازدواج کنند.

در سوره بقره حکم زنان مطلقه ای که با آنان همبستری نشده بیان گردیده است {وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ} البقره: 237. یعنی اگر زنان را پیش از آن که مجامعت کنید طلاق دادید، در حالی که مهریه ای برای آنان تعیین نموده اید پس نصف مهریه تعیین شده باید به آنان داده شود. به قول جصاص در احکام القرآن اگر مهر تعیین نشده بود

نصف مهر مثل برایش داده شود<sup>1</sup>. معنای آیه سوره بقره اینست که اگر مهر تعیین شده بود، از مهر تعیین شده نصف مهر برایش داده شود و آیه فمتوهن در باره زنی است که مهرش تعیین نشده است.

عدت به خاطر خالی شدن رحم از حمل است، و تأکید برین است که رحم از اثرات ازدواج پیشین خالی گردد، و یا مطمئن شوند که در رحم اثری از ازدواج پیشین باقی نیست<sup>2</sup>.

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

مناسبت این مقطع با محور سوره واضح است زیرا محور سوره تسلیم به احکام الهی است و در این مقطع هم دستور الهی است و آن حکم زن مطلقه قبل از همبستر شدن که باید مؤمنین به آن تسلیم بوده و در زندگی خود عملی نمایند.

### فوائد استنباط شده از مقطع:

- 1- حرمت آزار دادن زن طلاق شده و وجوب رها کردن آن به وجه احسن<sup>3</sup>.
- 2- زن طلاق شده قبل از همبستر شدن عدت ندارد.
- 3- زن طلاق شده قبل از همبستر شدن اگر مهر آن تعیین شده بود، نصف مهر است و اگر تعیین نشده بود، نصف مهر مثل است.

---

<sup>1</sup> - احکام القرآن- ج 6 ص 11- الجصاص.

<sup>2</sup> - فی ظلال القرآن- ترجمه فارسی خرم دل- ج 5 ص 218.

<sup>3</sup> - التفسیر الموشوعی لسور القرآن الکریم- ج 6 ص 137.

## مقطع سیزدهم

### خصوصیات پیامبر اسلام

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِن وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (50) تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (51) لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدِ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا (52).

### ترجمه آیات:

50- ای پیامبر ما برای تو حلال کرده ایم همسرانت را که مهر شانرا پرداخته ای و همچنین کنیزانی را که الله در جنگ بهره تو ساخته و دختران کاکایت را و دختران عمه هایت را و دختران مامایت را و دختران خاله هایت را و دختران خاله هایت که همرايت هجرت کرده اندو زن با ایمانی که خویشتن را به پیامبر ببخشد اگر پیامبر بخواهد او را به ازدواج خود در آورد، که خواست تو است و برای سائر مؤمنان جائز نیست- ما خود ما میدانیم برای مؤمنان در مورد همسران شان چه احکامی مقرر میداریم و کنیزان شان تا این که رنجی گریبانگیر تو نشودالله آمرزنده و مهربان است 51- می توانی موعدهم خوابی هر یک از زنان را به تأخیر اندازی، و هر کدام را بخواهی می توانی در کنار خود جای دهی هر که را طلب کردی از قسمت گناه برایت نیست این بهترین وسیله ای است که باعث میگردد ایشان مسرور شوند و غمگین نشوند و جملگی آنان به آنچه به ایشان میدهی خوشنود گردند و الله میداند آنچه در قلبهای شما است و الله آگاه و شکيبا است

52- بعد از این دیگر زنی بر تو حلال نیست و نمی توانی همسرانت را به همسران دیگری تبدیل کنی هر چند جمال آنان ترا به شگفت در آورد، مگر کنیزان، الله ناظر و مراقب بر هر چیز است.

## اسباب نزول:

الف- از ام هانیه بنت ابوطالب رضی الله عنها روایت است که گفت: پیامبر اسلام از من خواست تا همراهش ازدواج کنم و من معذرت خواستم، الله نازل کرد **{يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحَلَّلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي}**.<sup>1</sup>

ب - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است: هنگامی که همسران پیامبر اسلام، الله و رسولش را اختیار کردند نازل شد **{لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ}**.<sup>2</sup>

## علاقه این مقطع با مقطع قبلی:

در مقطع قبلی حکم زنایی که قبل از همبستر شدن طلاق داده می شوند بیان شد، در این مقطع الله تعالی حکم دیگر زنایی را که مخصوص پیامبر اسلام است بیان میکند، تردد مردم و پروپاگند های دشمنان اسلام را قطع کرده و حکم کسانی را که ازدواج شان با پیامبر اسلام حلال است بیان میکند، تا بعد از این به کسی مجال توطئه چینی نماند.<sup>3</sup>

## معنای اجمالی مقطع:

در آیات قبلی الله تعالی مؤمنین را خطاب قرار داده و برای شان حکم طلاق قبل از همبستر شدن را بیان کرد، در این آیات الله تعالی پیامبرش را خطاب قرار داده احکام ازدواج را برایش بیان میکند.

آن احکام خاصی در باره زندگی پیامبر صلی الله علیه وسلم، در باره ازدواج خاص او با زنان است. درین آیات الله تعالی گروهی از زنان را برای پیامبر اسلام حلال کرد، گرچه بیشتر از چهار باشند ولی برای غیر او حرام هستند، این گروه عبارتند از: زنایی که مهر آنها را تعیین و پرداخت کرده است، و کنیزانی که از زمره غنایم می باشند، و دختران کاکا، عمه، ماما و خاله ها ایکه همراه او مهاجرت کرده اند، هر خانمی که خود را به پیامبر اسلام بدون مهر و ولی هبه کند، اگر پیامبر

<sup>1</sup> - المستدرک علی الصحیحین للحاکم- باب تفسیر سوره احزاب- ج 2 ص 456 رقم 3574

<sup>2</sup> - السنن الکبری للبیهقی- باب لا یجوز له ان یندل ازواجه- ج 7 ص 86

<sup>3</sup> - - التحریر و التنویر- ج 22 ص 63- ابن عاشور

بخواهد با او ازدواج کند. و همچنان او می تواند با هر زنی از همسران خود همبستر شود یا وقت هر زنی از همسران خود را به تأخیر اندازد و سپس به او مراجعه نماید. الله تعالی این خصوصیات را به پیامبر صلی الله علیه وسلم عطا فرموده است و آن را به کس دیگری نبخشیده است<sup>1</sup>. باید مطابق وحی الهی عمل صورت گیرد زیرا الله تعالی هر آنچه انسان انجام میدهد ناظر آن است.

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

محور این سوره تسلیم شدن به احکام الهی در هر حالت است، در این مقطع هم احکامی است در مورد زنان پیامبر اسلام که پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم قسمی که الله تعالی دستور داده بود عملی کرد.

### فائده استنباط شده از مقطع

رفتار با زنان به وجه احسن و راضی ساختن آنها به طریقه نیکو.

---

<sup>1</sup>- فی ظلال القرآن- ترجمه فارسی خرم دل- ج 5 ص 220. سید قطب-

## مقطع چهاردهم

### آداب اجتماعی اسلامی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاطِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْسِنِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُوجَاتِهِ مَنْ بَعْدَهُ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (53) إِنَّ تَبَدُّوا شَيْئًا أَوْ تَخَفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (54) لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (55).

#### ترجمه آیات:

53- ای مؤمنین به خانه‌ها پیامبر بدون این که به شما اجازه داده شود داخل نشوید، وقتی داخل شوید که برای صرف غذا برای شما اجازه داده شود، آن هم مشروط بر این که به موقع داخل شوید، نه این که از مدتی قبل بیایید و در انتظار پخت غذا بنشینید، ولی هنگامی که دعوت شدید وارد شوید و زمانی که غذا را خوردید پراکنده شوید، به گفتگو ننشینید این کار شما پیامبر را آزار میداد اما او شرم می‌کرد ولی الله از بیان حق شرم نمی‌کند، هنگامی که از زنان پیامبر چیزی از وسائل منزل می‌خواستید از پس پرده از ایشان بخواهید، این کار برای پاکی دلهای شما و آنان بهتر است، شما حق ندارید پیامبر الله را آزار دهید و هرگز حق ندارید که بعد از مرگ او همسرانش را به همسری خود در آورید، این کار در نزد الله (گناهی نابخشودنی و) بزرگ است.

54- اگر چیزی را آشکار کنید، و یا آن را پنهان دارید، الله از همه چیز آگاه است برآنان (همسران پیامبر) گناهی نیست که با پدران، فرزندان، برادران، فرزندان برادران، فرزندان خواهران خود، و زنان مسلمان، و بردگان خود (بدون حجاب تماس بگیرد)، از الله بترسید، قطعاً الله بر هر چیز حاضر و ناظر است.

## سبب نزول:

بخاری از انس بن مالک روایت کرده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و سلم با زینب بنت جحش ازدواج کرد و لیمه عروسی نان و گوشت بود، پیامبر صلی الله علیه و سلم مرا فرستاد تا مردم را خوردن غذا دعوت کنم، گروهی می آمدند و میخوردند و میرفتند سپس دسته دیگری می آمدند و میخوردند و می رفتند، مردم را دعوت کردم تا کسی رانیافتم که او را دعوت کنم گفتم: ای پیامبر الله کسی را پیدا نمی کنم تا او را دعوت کنم فرمود **{ارفعوا طعامکم}** یعنی خوراک تان را جمع کنید، سه نفر مانده بود در خانه به سخن گفتن سرگرم بودند، پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم برون رفت به سوی اطاق عائشه رضی الله عنها وقتیکه بدانجا رسید فرمود: (السلام علیکم اهل البیت و رحمت الله و برکاته) عائشه جواب داد: سلام و رحمت الله بر تو باد، اهل و عیال خود را چگونه یافتی یا رسول الله؟ خدا او را برایت مبارک کند، پیامبر اسلام به همه اطاقهای همسران خود یکی پی دیگری سر زده و برایشان همان چیز را گفت که به عائشه گفته بود، آنان هم همان پاسخی را دادند که عائشه رضی الله عنها داده بود، آنگاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم برگشت تا هنوز همان سه نفر قبلی در خانه نشسته بودند سرگرم گفتگو، پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم بسیار با حیا بود برگشت به سوی اطاق عائشه رضی الله عنها، نمیدانم که من او را اطلاع دادم یا اطلاع داده شده بود که سه نفر رفته اند. پیامبر صلی الله علیه و سلم برگشت وقتیکه یک پای خود را داخل در نهاد و پای دیگرش برون در بود میان من و خود پرده را انداخت آیه حجاب نازل گردید<sup>1</sup>.

## علاقه بین این مقطع و مقطع سابق:

در مقطع گذشته سخن از پیامبر اسلام و ازواج مطهرات بود درین مقطع هم سخن معامله مردم با پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم و ازواج مطهرات است. به اصحاب کرام میفرماید که به خانه پیامبر الله متعال بدون اجازه داخل نشوید و همچنان هرگاه از ازواج مطهرات چیزی میخواستید از پشت پرده بخواهید.

<sup>1</sup> - صحیح بخاری رقم 4515 - باب سوره احزاب - ج 4 ص 1799 -

## معنای اجمالی مقطع:

در آیات قبلی سخن از خصائص احکام ازدواج نبی کریم بود در این جا هم قرآنکریم پیوند مسلمانان را با خانه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم و با ازواج مطهرات که مادران مؤمنان هستند چه در قید حیاتش و چه بعد از وفاتش مقرر میدارد. این آیه متضمن آداب و رسومی است که قبل از اسلام مردم در باره ورود به منازل نمیدانستند، به خانه های مردم بدون اجازه گرفتن داخل می شدند حتی در خانه پیامبر اسلام هم بدون اجازه داخل می شدند بلکه بیشتر از خانه دیگران. برخی از آنان وارد خانه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم می شدند، وقتیکه میدیدند خوراکی در حال پخت و پز است به انتظار خوردن آن می نشستند و به سخن گفتن و داستان سرائی می پرداختند بدون متوجه شدن به اینکه این کار سبب ناراحتی و ازار پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم و اهل بیت می گردد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم خیلی با حیا بود نمی خواست دید و بازدید کنندگان خود را خجالت و شرمنده سازد. تا کار به جایی رسید که الله متعال خودش حق را بیان کرده و مردم را متوجه ساخته میفرماید: ای مؤمنان بدون اجازه به خانه پیامبر داخل نشوید، هرگاه برای صرف غذا به شما اجازه داده شود داخل شوید و آن هم مشروط بر اینکه به موقع داخل شوید نه اینکه مدت قبل آمده و در انتظار پخته شدن غذا باشید، ولی هنگامیکه دعوت شدید، وارد شوید و زمانیکه غذا را خوردید پراکنده شده به گفتگو ننشینید **{فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْسِينَ لِحَدِيثٍ}** این کار شما پیامبر را ازار میدهد و او شرم میکند ولی الله از بیان حق شرم نمیکند **{وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ}**.

حضرت عمر رضی الله عنه پیوسته به پیامبر صلی الله علیه و سلم پیشنهاد میکرد که دستور به حجاب دهد، و از الله تعالی هم آرزو میکرد، تا زمانیکه آیه های از قرآنکریم نازل شد و پیشنهادش را تصدیق کرده فرمود که هرگاه چیزی از زنان پیامبر میخواستید از پس پرده بخواهید **{وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ}**<sup>1</sup>. بعداً میفرماید که این حجاب برای دلهای همگان پاکتر و خوبتر است **{ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ}**.

حضرت عمر رضی الله عنه می فرماید که من در سه مورد با پروردگارم موافق شدم. 1- به پیامبر اسلام گفتم که مقام ابراهیم را جای نماز قرار بدهیم، نازل شد **{وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى}** البقرة: 125. 2- به رسول الله صلی الله علیه و سلم گفتم یا رسول الله با زنان انسانهای خوب و خراب صحبت می کنند، اگر آنها را امر کنی به حجاب، نازل شد **{وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ}**

<sup>1</sup> - المعجم الكبير للطبرانی- باب خبر نزول آية الحجاب في تزويج رسول الله- ج 24 ص 48.



مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ}. 3- از پیامبر اسلام زنانش زینت دنیا را خواستند، برای شان گفتیم: اگر پیامبر اسلام شما را طلاق دهد امید است که الله تعالی برایش زنان بهتری از شما بدهد نازل شد { عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ }<sup>1</sup> {التحریم: 5}.

بعضی از مردم میگویند که نشست و برخاست با زنها و خلوت با آنها مسئله نیست مهم اینست که دلها پاک باشد، در حالی که ما مخلوق الله متعال هستیم و او ما را خلق کرده است و از چون و چرا و از پاکی و ناپاکی دلها او آگاه است، وی دستور میدهد که با حجاب باشید، او میداند که خلوت زن و مرد نا محرم بدون حضور داشت محارم شان و بدون حجاب چه عواقب وخیمی دارد؟ به همین منظور به زنان پیامبر اسلام دستور میدهد که در معامله و دادو ستد با دیگران، از پشت پرده حاجات خود و یا از دیگران را برآورده بسازند.

الله تعالی این را در باره زنان پاک پیامبر اسلام و در باره مردان صدر اسلام یعنی اصحاب کرام که کسی به پایه آنها نمیرسد می فرماید. الله تعالی هرگاه خواسته باشد تا حکم مهمی را که تطبیق آن بالای مسلمانها دشوار تمام شود نافذ کند، تطبیق آن حکم را اولاً از پیامبر اسلام آغاز میکند تا مسلمانها با پیروی از وی آن حکم را بالای خود تطبیق نمایند. در موضوع تبنی دیده شد که الله تعالی اول از پیامبر اسلام آغاز کرد، زینب را که زن فرزندی اش بود بعد از طلاق دادن زید به نکاح پیامبر اسلام در آورد تا تطبیق آن بالای مسلمان ها آسان گردد. درین جا هم نخست فرمان حجاب خاص بوده است سپس در سوره نور { وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ } النور: 31 عام گردیده است.<sup>2</sup>

در پایان آیه آمده است: مسلمانان را سزاوار نیست که به پیامبر صلی الله علیه و سلم ادبیت و آزار برسانند و همچنان سزاوار نیست که با همسران پیامبر صلی الله علیه و سلم پس از وفاتش ازدواج نمایند. این به خاطر احترام و بزرگی این خانواده است تا عظمتش محفوظ نگهداشته شود { وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا } سخنان درینجا به پایان نمیرسد بلکه آنرا با تهدید دیگری پی گیری میکند که اگر چیز را آشکارا کنید یا آنرا پنهان دارید الله از همه چیز آگاه است { إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تَخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا }. بعداً الله متعال واضح میسازد که با چه کسانی میتوانند بدون

<sup>1</sup> - صحیح البخاری- باب قوله ( عسی ربه ان یتلک ان یتدلله- رقم 4916- ج 6 ص 158.

<sup>2</sup> - فی ظلال القرآن- ترجمه فارسی خرم دل- نشر احسان- تهران ج 5 ص 225 سید قطب-

حجاب تماس بگیرند و آنها عبارتند از : پدران، فرزندان، برادران، فرزند برادران، فرزندان خواهران خود، و زنان مسلمان و بردگان خود.

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

محور این سوره تسلیم شدن به احکام الهی در هر حالت است که در این مقطع هم قرآن کریم بیان کرده است چگونگی داخل شدن به خانه رسول الله صلی علیه و سلم و سخن زدن با ازواج وی از وراء حجاب، و همچنان حرمت ایذاء رسول الله صلی علیه و سلم مطلقاً و خصوصاً آنچه که تعلق میگیرد به ازدواج ازواج مطهرات بعد از وفات پیامبر اسلام. هدف از این اوامر آموختن آداب اسلامی برای مسلمانها است تا زندگی خود تطبیق نمایند.

### فوائد استنباط شده از مقطع:

- 1- مراعات آداب رفتن به خانه دیگران<sup>1</sup>.
- 2- آواز و تمام بدن زن عورت است، جهت رفع ضرورت می تواند با کسی صحبت کند و یا جائی از بدن خود را کشف نماید<sup>2</sup>.
- 3- عدم جواز خلوت مرد با زن نامحرم<sup>3</sup>.
- 4- مشروعیت حجاب زن مسلمان.
- 5- بیان کسانی که زن مسلمان میتواند با آنها بدون حجاب صحبت کند<sup>4</sup>.
- 6- مشروعیت با حجاب سخن زدن با غیر محارم<sup>5</sup>.

---

1- ایسرالتفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 289. الجزائری-

2- الجامع لاحکام القرآن - ج 14 ص 228- ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر الانصاری الخزرجی شمس الدین القرطبی- دار عالم الکتب الرياض- الطبعة 1387ق.

3- الجامع لاحکام القرآن- ج 14 ص 228- القرطبی-

4- ایسرالتفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 289. الجزائری-

5- ایسرالتفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 289. الجزائری-

## مقطع پانزدهم

### منع ایذاء رسول الله صلی الله علیه وسلم و مؤمنین

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (56) إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا (57) وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (58).

#### ترجمه آیات:

56- الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، ای مؤمنان شما هم بر پیامبر درود بفرستید و چنان که باید سلام بگوئید.

57- آنانی که الله و پیامبرش را آزار می رسانند الله آنان را در دنیا و آخرت نفرین می کند(از رحمت خود بی نصیب می گرداند) و عذاب خوار کننده ای برای شان تهیه مینماید.

58- کسانی که زنان مؤمن و مردان مؤمن را بدون این که کاری کرده باشند و گناهی داشته باشند آزار می رسانند، مرتکب دروغ زشتی و گناه آشکاری شده اند.

#### سبب نزول:

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که آیه **إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ** در مورد کسانی نازل شده که به رسول الله صلی الله علیه وسلم طعن گفتند زمانی که صفیه بنت حی بن اخطب را به خود اختیار کرد<sup>1</sup>.

<sup>1</sup>- جامع البیان عن تأویل آی القرآن ج 22 ص 54- الطبری-

## علاقه بین این مقطع و مقطع سابق:

در مقطع قبلی الله متعال دستور داد که بی مورد در خانه پیامبر اسلام ننشینید و اگر برای صرف طعام شما را دعوت کرد در همان وقت خوردن طعام بیایید و بعد از صرف طعام بروید و با یکدیگر قصه کرده ننشینید زیرا پیامبر را اذیت و آزار میدهید. درین مقطع هم عواقب کسانی را بیان میکند که باعث آزار الله متعال و رسولش می شوند، و آن عذاب خوار کننده ای است که برای شان آماده می شود.

## معنای اجمالی مقطع:

در مقطع قبلی آدابی برای مؤمنان در مقابل پیامبر اسلام بیان گردید، تا با مراعات آن سبب آزار رسول الله صلی الله علیه و سلم نگردند، درین مقطع هم الله تعالی جایگاه کسانی را که الله و رسولش را آزار داده و همچنان سبب آزار مؤمنین و مؤمنات شده اند معین می سازد. درین آیات الله تبارک و تعالی رسولش را عزت داده و ذکر منزلت وی را میکند. الله متعال تعریف و تمجید پیامبر صلی الله علیه و سلم را نزد فرشتگان میکند و فرشتگان برای پیامبر اسلام در پیشگاه الله متعال دعا میکنند **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ** و این تعریف و تمجید ازلی و ابدی و همیشگی و ماندگار است. الله متعال برای مؤمنان هم دستور میدهد تا برای پیامبر اسلام دعا بفرستیم **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ** الله متعال درین آیه ثناء عالم بالا و ثناء عالم پائین را بر پیامبر اسلام جمع کرده است.

از طرف الله تعالی بر پیامبر اسلام درود فرستادن مفهومش این است که الله تعالی بر پیامبر اسلام بسیار مهربان است، که ستایش وی را نموده و در کارش برکت انداخته و نامش را بلند میسازد. درود فرستادن فرشته گان به پیامبر اسلام مفهومش این است که آنها به پیامبر اسلام خیلی محبت دارند که در حق وی به نزد الله تعالی دعا میکنند تا مقام و مرتبه وی را بلند ساخته و پیشرفت در دین نصیبش بگرداند و مقام محود را برایش عطا نماید.

درود بر پیامبر اسلام از جمله واجبات و سنت مؤکد است<sup>1</sup>. در نزد امام شافعی در نماز فرض است، هرگاه کسی آنرا ترک کند نمازش فاسد میگردد<sup>2</sup>. و همچنان گفتن السلام علیک ایهاالنبی در

1- المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز ج 4 ص- 397- دارالکتب العلمیه بیروت الطبعة 2015 م . ابومحمد عبدالحق بن غالب ابن عطیه الاندلسی-

2- تفسیر ابن کثیر- یک جلدی- مکتبة الرشد- الرياض ج 3 ص 509

تشهد واجب است<sup>1</sup>. به نزد امام ابوحنیفه و جمهور علماء درود فرستادن به پیامبر اسلام صرف در طول عمر یک مرتبه فرض است، مثل کلمه شهادت، که به گفتن یک مرتبه فرض ادا می گردد<sup>2</sup>.

از پیامبر اسلام پرسیده شد که برای شما چه قسم درود بفرستیم گفت فُؤلُوا: (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ)<sup>3</sup>.

در مورد اجر کسی که درود به پیامبر اسلام میفرستد ابوهریره رضی الله عنه روایت میکند که پیامبر اسلام گفت که کسی به من یک مرتبه صلاة بفرستد الله متعال ده مرتبه برایش میفرستد: { عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا»<sup>4</sup>. در حدیث دیگری پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده زمانیکه مؤذن آذان میدهد آنچه را که مؤذن میگوید بگوئید بعداً برای من صلاة بفرستید زیرا کسی که برای من یک مرتبه صلاة بفرستد الله متعال برایش ده مرتبه میفرستد بعداً برای من وسیله را بخواهید که آن منزلتی در جنت است و آن برای بنده از بنده گان الله است و من امید وارم که آن بنده من باشم پس کسیکه برای من وسیله خواست شفاعت برایش لازم شد { إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ، فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا، ثُمَّ سَلُّوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ، فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ، لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ، وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ، فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ }<sup>5</sup>.

ابن قیم الجوزی یرحمه الله فائده های زیادی را در بین مورد ذکر کرده از آنجمله: امتثال امر الله متعال، سبب مغفرت گناهان، ضروریات بنده را برآورده میسازد، قایمقام صدقه است، سبب رفع حوائج است<sup>6</sup>.

<sup>1</sup> - مفاتیح الغیب- ج 25 ص 199- الرازی-

<sup>2</sup> - تفهیم القرآن- ترجمه پشتو طبع پشاور- ج 4 ص 205- ابوالاعلی مودودی-

<sup>3</sup> - صحیح بخاری رقم 3370- ج 4 ص 146.

<sup>4</sup> - صحیح مسلم رقم 408- باب الصلاة علی النبی - ج 1 ص 306.

<sup>5</sup> - صحیح مسلم- باب استحباب القول مثل قول المؤذن- ج 1 ص 288- رقم 384

<sup>6</sup> - جلاء الافهام فی فضل الصلاة و السلام علی محمد خیر الانام ص 612 - محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد شمس البین بن قیم الجوزیه- الطبعة 1387ق-

در مورد فضایل فرستادن درود به پیامبر اسلام کتابهای زیادی نوشته شده از آنجمله: فضل صلاة على النبي صلى الله عليه و سلم - اسماعيل بن اسحاق، جلاء الأفهام في فضل الصلاة والسلام على محمد خير الانام- ابن قيم الجوزيه.

پس عظمت و بزرگی پیامبر اسلام به نزد الله متعال واضح شد حالا کسی که به پیامبر اسلام بی احترامی میکند چقدر گناه خواهد داشت در این مورد الله متعال میفرماید: **إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ** آزار دادن الله متعال به آوردن شرک و یا انجام دادن گناهان و آزار دادن رسول الله صلى الله عليه و سلم به نافرمانیش به قول و فعل است، همچنان تعرض به پیامبر اسلام، آل بیت، امت، سنت و دین اسلام آزار دادن رسول الله صلى الله عليه و سلم است<sup>1</sup>. و همچنان اطاعت پیامبر اسلام اطاعت الله تعالی است و نافرمانی نبی کریم صلى الله عليه و سلم نافرمانی الله تعالی است **{من يطع الرسول فقد اطاع الله}** النساء: 80. آزار دادن پیامبر اسلام در حقیقت آزار دادن الله تعالی است. در این صورت از رحمت الله متعال دور شده و در آخرت به عذاب گرفتارش میکند **{لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ}**. بعد از این الله متعال گناه کسانی را بیان میکند که زنان و مردان مسلمان را بدون اینکه گناهی انجام داده باشند، به قول و یا عمل آزار و اذیت میکنند آنها گناه آشکار را متحمل شدند که به آنها دروغ و بهتان بستند. **{وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَتَبْنَا فَعَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا}**. عذاب الهی انشاء الله در آخرت دامنگیرشان است. این در هر زمانی و در هر مکانی وجود دارد که مردان و زنان مسلمان را مورد اذیت و آزار قرار میدهند اینها منافقان و بیمار دلان اند. حال امت اسلامی در جهان فعلا همینطور است که جهان کفری در پی آزار مسلمانها برآمده اند، به بهانه های مختلف مسلمانها را در گوشه و کنار زده و کشته و نظام آنها را از بین برده و به اقتصادشان ضربه زدند.

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

به پیامبر اسلام درود فرستادن و آزار نرساندن به الله و رسولش و به مسلمانها، از جمله دستورات الهی است که به آن باید تسلیم بوده و در زندگی خود تطبیق نماییم. محور سوره هم تسلیم شدن به احکام الهی است که با مقطع مناسبت مستقیم دارد.

<sup>1</sup> - ایسر التفاسیر لكلام العلی الكبير - ج 4 ص 291 - الجزائری-

## فوائد استنباط شده از مقطع:

- 1- صلاة فرستادن به پیامبر اسلام از جمله افضل عبادات است زیرا الله متعال و ملائکه ها صلوات میفرستند و مسلمانها را هم امر فرموده به فرستادن صلوات<sup>1</sup>.
- 2- غضب و عذاب الهی شامل حال کسانی میگردد که در پی آزار واذیت الله متعال و رسولش هستند<sup>2</sup>.
- 3- در دعا کردن باید تنها به خود دعا نکنیم بلکه به خانواده خود و تمام مسلمانها دعا کنیم.
- 4- درود فرستادن بغیر از انبیا درست نیست<sup>3</sup>.

---

<sup>1</sup>- التفسیر الموضوعی لسور القرآن- ج 6 ص 147. مصطفی مسلم-

<sup>2</sup>- فی ظلال القرآن- ترجمه فارسی خرم دل- ج 5 ص 2879. سید قطب-

<sup>3</sup>- تفسیر القرآن العظیم- ج 3 ص 518. ابن کثیر

## مقطع شانزدهم

### فرضیت حجاب

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً (59).

#### ترجمه آیات:

59- ای پیامبر به همسران و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو روسری های خود را بر خویش فرو افکنند تا این که شناخته شوند و مورد اذیت و آزار قرار نگیرند، الله آمرزنده و مهربان بوده و است.

#### سبب نزول:

مدینه مکان خیلی تنگ بود و زنان جهت قضای حاجت خود هنگام شب از خانه ها بیرون می رفتند، در این وقت اشخاص فاسق بیرون شده و زنها ای را که بر سر آنها چادر نمی بود آزار میدادند در این مورد الله تعالی { يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ } را نازل کرد<sup>1</sup>.

#### علاقه بین این مقطع و مقطع قبلی:

هنگامیکه الله متعال آزار دادن زنان و مردان مسلمان را در آیت قبلی نهی فرمود به تعقیب آن علتی را که سبب آزار دادن زنان میشد از میان برداشته و حجاب را واجب گردانید تا زمانیکه جهت رفع حاجات شان از خانه خارج می شوند مورد آذیت و آزار مردان فاسق و فجار قرار نگیرند.

<sup>1</sup>- اسباب النزول- دار و مکتبه هلال- بیروت ص 257- الواحدی-



## معنای اجمالی مقطع:

پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم رهبر، پیشوا و مرجع تقلید مسلمان ها است، بناءً الله تعالی اولتر از همه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم دستور داد تا زنان و دختران خود را به حجاب امر کند بعداً به زنان مسلمان دستور داد که حجاب را مراعات نمایند، زیرا مردان فاسد و بی بند و بار زنانی را که روسری نمی داشتند آزار میدادند، پس باید زنان مسلمان روسری ها را بر سر باندازند تا از گزند اشخاص فاسق و فاجر در امان بمانند. این آیت از مهمترین آیاتی است که در باره حجاب زن مسلمان نارل شده است. حجاب سبب آبرو، عزت و عفت زن مسلمان است. حجاب همان پوشش مخصوص زن‌هاست که تمام بدن را از نظر پنهان میکند.

از آیات فوق چنین معلوم می شود که حجاب یعنی هر آنچه که بین دو چیز حائل واقع شود. **الْحِجَابُ: كُلُّ مَا حَالَ بَيْنَ شَيْئَيْنِ<sup>1</sup>**. و یا **الحجاب: كل ما يستر مطلوبك<sup>2</sup>**. یعنی هر آنچه که مطلوبت را بپوشاند. حجاب همان پوشش مخصوص زن‌هاست که تمام بدن آنها را از نظر پنهان می کند. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت با مردان تمام بدن خود را بپوشاند. علت فرض شدن حجاب هم همین است که زنان مسلمان از شر دست و زبان اشخاص بی بند و بار و رفقای شیطان در امان بمانند. حجاب یگانه راه بوجود آوردن یک جامعه سالم دور از فتنه و فساد است. الله متعال میفرماید: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ** { یعنی ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مسلمان بگو که روسری های خود را بر خود فرو افکنند. در هنگامی که آیت فوق نازل شد در قید نکاح پیامبر اسلام نه زن بود. پنج تن آنها از قریش بودند: عایشه، حفصه، ام حبیبه، ام سلمه و سوده بنت زمعه، و سه تن آنها از غیر قریش بودند که عبارت اند از: میمونه بنت حارث، زینب بنت جحش و جویریة بنت حارث از بنی مصطلق، و یک تن دیگر صفیه بنت حی بن اخطب از نسل هارون برادر موسی علیه السلام. اما دختران وی عبارت اند از: زینب، رقیه و ام کلثوم که همه ازدواج کرده و در حیات پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم وفات کردند، تنها فاطمه که شش ماه بعد از وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم وفات کرد<sup>3</sup>.

1- تاج العروس من جواهر القاموس-محمد بن محمد بن عبدالرزاق الحسینی- مرتضی الزبیدی باب حجب- ج 2 ص 240- مرتضی الزبیدی- الطبعة 2006 م.

2- التعریفات- باب الحاء- ج 1 ص 82- علی بن محمد الجرجانی-

3- تفسیر القرآن- ج 16 ص 447- شعراوی- .

الله متعال درین آیه زنان مسلمان را به خاطر حمایت از عفت آنها به حجاب مکلف نموده فرمان داده که هنگام بیرون رفتن بدن خود را با جلباب بپوشانند. از روایت های صحیح که در تفسیر این آیه نقل گردیده معلوم می شود این آیه در باره پوشش چهره زنان نازل شده است. الله تعالی همسران پیامبر و دختران وی و زنهای با ایمان را امر نموده که به هنگام بیرون رفتن از خانه های شان چهره های خود را با چادر بپوشانند. بیضاوی تفسیر آیه **{يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ}** را پوشاندن چهره و بدن تفسیر نموده است می نویسد (یغظین وجوههن و ابدانهن بملاحفهن اذا برزن لحاجة)<sup>1</sup>. در سوره النور الله متعال می فرماید **{وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ}** النور 31. یعنی زینت های خود را نمایان نکنند مگر آنچه که ظاهراً معلوم می شوند. ابن مسعود رضی الله عنه **{إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا}** را به لباس تفسیر کرده است ، قَالَ: «الثَّيَابُ»<sup>2</sup> " یعنی آنچه که بعد از پوشاندن سر و صورت و بدن، از چادر و یا روپوشی معلوم می شود باکی ندارد. در تفسیر آیه **{يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ}** از ابن عباس رضی الله عنه روایت است **{ان يغطين وجوههن من فوق رؤسهن بالجلابيب و يبدين عينا واحدة}**<sup>3</sup>. چهره های خود را از بالای سر با جلباب بپوشانند و تنها یک چشم را باز بگذارند. از روایات به همین نتیجه رسیدیم که حجاب یعنی پوشاندن زیبایی های زن از نظر مردان که بزرگترین زبائی زن همان چهره و گردن است که باید از نظر نامحرمان پنهان گردد.

شرط در حجاب شرعی این است که حجاب باید تمام بدن را بپوشاند، بسیار چسبیده به بدن نباشد که اندام ها را برجسته نشان دهد، نه بسیار نازک باشد که بدن معلوم شود و نه روسری چنان با زیب و زینت ساخته شود که جلب توجه مردم را نماید. روسری باید خیلی ساده و یک رنگ باشد تا جلب توجه ننماید<sup>4</sup>. **{وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا}** خداوند بخشنده و مهربان بوده و هست. یعنی الله متعال می بخشد چیز ها ای راکه در زمان جاهلیت انجام پذیرفته است.

<sup>1</sup> - انوار التنزیل و اسرار التأویل (تفسیر بیضاوی) ج 1 ص 384 - ناصرالدین ابوالخیر عبدالله بن عمر بن محمد البیضاوی-1397ق.

<sup>2</sup> - المستدرک علی الصحیحین- باب تفسیر النور-ج 2 ص 431 - این حدیث صحیح است به شرط مسلم- الحاکم-

<sup>3</sup> - جامع البیان عن تأویل آی القرآن ج20 ص324- تفسیر طبری-

<sup>4</sup> - تفسیر القرآن- ج 16 ص 451- شعراوی- .

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

محور این سوره تسلیم شدن به احکام الهی است که این آیات هم به مسلمانها آداب اسلامی را رهنمائی می نماید. حجاب یکی از احکام الهی است که باید مسلمانها آن را مراعات نمایند تا یک جامعه سالم را به بار آورده و در فضای امن و امان زندگی نمایند.

### فائده استنباط شده از مقطع:

1- وجوب پوشاندن سر و چهره زنان در برابر غیر محارم<sup>1</sup>.

---

<sup>1</sup>- ایسرالتفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 292. الجزائری-

## مقطع هفدهم

### تهدید منافقین و وعده قرب قیامت برای کفار

لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (60) مُلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَفْتِيلًا (61) سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (62) يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا (63) إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا (64) خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (65) يَوْمَ نُقَلِّبُ وُجُوهَهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ (66) وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَ (67) رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا (68).

### ترجمه آیات:

60- اگر منافقان و بیماردلان و کسانی که در مدینه باعث اضطراب می کردند از کار خود دست نکشند تو را بر ضد آنها می شورانیم و بر آنان مسلط می گردانیم آن گاه جز مدت اندکی در جوار تو در شهر مدینه نمی مانند.

61- نفرین شدگان و رانده شده گانند، هرکجا یافته شوند، گرفته خواهند شد و پیاپی به قتل خواهند رسید.

62- این سنت الهی در مورد پیشینیان جاری بوده است در سنت الله دگرگونی نخواهد دید.

63- مردم از تو در باره فرا رسیدن قیامت می پرسند بگو: آگاهی از آن اختصاص به الله دارد و بس تو چه می دانی شاید هم فرا رسیدن قیامت نزدیک باشد

64- الله قطعاً کافران را نفرین و از رحمت خود دور ساخته و برای ایشان آتش سوزانی فراهم کرده است

65- آنان جاودانه در آن خواهند ماند سرپرست و یآوری نخواهند یافت .

66- روزی که چهره های ایشان در آتش زیر و رو و دگرگون می گردد می گویند: ای کاش ما از الله و پیامبر فرمان می بردیم .

67- و می گویند: پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود پیروی کرده ایم و آنان ما را از راه به در برده اند و گمراه کردند.

68- پروردگارا! آنان را دوچندان عذاب کن، و ایشان را کاملاً از رحمت خود دور دار.

### سبب نزول:

بعضی از منافقین در مدینه می خواستند تا نفاق خود را آشکار سازند، الله متعال این آیه را نازل کرده و آنها را سخت تهدید کرد<sup>1</sup>.

### علاقه بین این مقطع و مقطع سابق:

علاوه بر این که در مقطع قبلی به زنان مسلمان دستور داده شد که حجاب را مراعات کنند تا از شر اذیت و آزار منافقین و کفار درامان بمانند، در آیین مقطع کفار و منافقین را تهدید می نماید که اگر از آزار دادن مسلمان ها دست نکشند پیامبر را بر آنها مسلط می سازد تا آنها را از مدینه رانده و در هر گوشه و کنار به قتل برسانند.

### معنای اجمالی مقطع:

پیامبران در اثنای نشر رسالت شان به سه طائفه یا گروه مواجه بوده اند، گروه اول ایمان آوردند و از منهج پیامبران پیروی کردند. گروه دوم کافر بودند و به پیامبران ایمان نیاورده و با آن ها جنگیدند. گروه سوم متردد بین کفر و ایمان بودند، که همین گروه منافقین بودند. به همین لحاظ پیامبران فرستاده می شدند تا وضع اجتماعی را که ناشی از فساد و ظلم و بی عدالتی و رشوت و استبداد بود تغییر دهند. پس کسانی که از وضع نابسامان اجتماعی رنج می بردند هرچه عاجلتر به پیامبران ایمان آورده و از آن ها پیروی میکردند، مثل ابوبکر صدیق و خدیجه رضی الله عنها که بدون چون و چرا به پیامبر اسلام ایمان آوردند.

<sup>1</sup>- جامع البیان عن تأویل آی القرآن- ج 22 ص 58- طبری- -

کسانی که به فساد گرفتار هستند و از فساد و استبداد نفع میبرند، آن‌ها به هیچ وجه راضی به نظامی نیستند که جلو ظلم و فساد آنها را بگیرد، مردمان مکه از جمله کسانی بودند که هم ظاهراً به زبان خود ایمان نیاوردند و هم قلباً پیامبر را بد می‌دیدند.

طبقه سوم منافقین هستند که ظاهراً به زبان ایمان می‌آوردند و به قلب خود کافر بودند، به همین سبب الله تعالی جای آنها را در پائین‌ترین طبقه دوزخ قرار داده است. اینها یک تعداد از مردمان ترسوی مدینه بودند که ظاهراً به پیامبر اسلام ایمان آورده مگر قلبهایشان مملو از کفر و دشمنی با پیامبر اسلام بود. آنها نمی‌خواستند که پیامبر اسلام پیروز گردد، از طرق مختلف می‌خواستند پیامبر اسلام را ضربه بزنند. به همین سبب است که الله تعالی منافقین مدینه را خاص کرده است و می‌فرماید: **لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ**. الله تعالی منافقین را چنین صفت نموده است، 1- **الْمُنَافِقُونَ** 2- **وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ** 3- **وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ**. در جای دیگر قرآن منافقین را به فی قلوبهم مرض وصف کرده است: **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (8) يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (9) فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (10)** البقره. برخی از مردم می‌گویند: به الله و روز قیامت ایمان آورده ایم، در حالی که ایمان نیاورده اند. آنان (گمان می‌کنند) الله و مؤمنان را فریب میدهند، در حالی که فقد خود را فریب میدهند ولی نمی‌فهمند. در دل‌هایشان بیماری است و الله بر بیماری آنان افزوده است و به خاطر دروغ‌های ای که می‌گفتند عذاب دردناکی (در پیش) دارند. (المرجفون) آنها ای که می‌خواهند در چیز ثابتی تزلزل بیاورند، همین‌طور منافقین بودند، هرگاه قوت مسلمانها را احساس می‌کردند کوشش می‌کردند تا در بین آنها اضطراب و پراگندگی را بار آورده که سبب ضعف و نابودی آنها گردد.<sup>1</sup>

الله جل جلاله کسانی را که مسلمانان را اذیت آزار داده و در میان آنها شائعه افگنی میکردند تا باعث تزلزل و تفرقه در میان مسلمانها شود، تهدید کرده و تذکر داد که اگر از این کارهای پلید خود دست برندارند و از مزاحمت مسلمانان دوری نکنند الله عز وجل پیامبرش را بر آنها مسلط میگرداند همان‌گونه که او را قبلاً بر یهودیان مسلط کرد و فضای مدینه را از ایشان پاک ساخت.

هم‌چنین الله متعال به پیامبرش دستور میدهد تا ایشان را از سرزمین مدینه براند و خون ایشان را مباح گرداند و هر کجا یافته شوند گرفته شده کشته شوند **{أَيُّمًا تُقْفُوا أُخْدُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا}**، این عذابی

<sup>1</sup> - تفسیر القرآن- طبع مصر ج 16 ص 456- شعراوی.

که به منافقین و دو طائفه دیگر وعده دادیم و گفتیم که تبعیدشان می‌کنیم و خونشان را هدر می‌سازیم، سنتی است از الله تعالی که در امت‌های پیشین نیز جاری ساخته، هر وقت قومی به راه فساد انگیزی و ایجاد فتنه افتادند، و خواستند تا به منظور استفاده‌های نامشروع در بین مردم اضطراب افکنند، تا در طغیان و سرکشی بی‌مانع باشند، ما آنان را به همین طریق گرفتیم، و تو هرگز دگرگونی در سنت الله نخواهی یافت، پس در شما امت همان جاری می‌شود که در امت‌های قبل جاری شد {سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ}.

بعد از تهدید منافقین به جواب سوالی می‌پردازد که مشرکین در باره آمدن قیامت می‌کردند، جواب این سؤال را الله متعال خود میدهد، که آمدن قیامت به هیچ‌کسی معلوم نیست جز به الله، و ایشان را از نزدیک بودن قیامت ترسانده و به ایشان گوشزد می‌نماید که چه بسا قیامت در رسد و ایشان را تند در بر گیرد، سپس قرآن صحنه‌ای از قیامت را نشان میدهد، آنانی که فرا رسیدن هرچه زودتر قیامت را در خواست می‌کنند از این صحنه خوشحال نمی‌شوند. این صحنه نشان میدهد که زمانی چهره‌های شان در آتش دوزخ افتیده و در آنجا همیشه بوده و هیچ‌داد رسی نمی‌داشته باشند و می‌گویند: ای کاش اطاعت الله و رسولش را می‌کردیم، یا رب ما اطاعت رؤسا و بزرگان خود را کردیم ما را به گمراهی کشاندند. در آن روز از کرده‌های خود پشیمان بوده و برای سروران خود عذاب دوچند را درخواست می‌کنند، این صحنه درد آوری است که هیچ‌شخص شتابگری در فرارسیدن آنروز شتاب نمی‌کند.

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

ما عقیده داریم که روزی انسانها در قبرها زنده شده و از آنجا بیرون آمده در روی زمین به پیشگاه الله متعال در صحرای محشر حضور می‌یابند، عقیده به الله متعال و به مقدرات وی از جمله احکام الهی است، این مقطع هم از روز قیامت خبر میدهد که فرارسیدن آن روز به الله متعال معلوم است و بس و به جز الله متعال احدی از آن آگاهی ندارد. محور این سوره تسلیم شدن به احکام الهی است که این مقطع هم از وحی الهی خبر میدهد که باید به آن تسلیم باشیم.

## فوائد استنباط شده از مقطع:

- 1- مشروعیت راندن اهل فساد از سر زمین های اسلامی<sup>1</sup>.
- 2- مقدرات الهی تغیر ناپذیر است، انسان باید به آن تسلیم باشد.
- 3- فرا رسیدن روز قیامت رابه جز الله متعال کس دیگری نمیداند<sup>2</sup>.
- 4- انسان نباید کور کورانه پیروی پیشوایان یا بزرگان خود رانماید بلکه جستجو کرده حقایق را در یافته متیقناً از آن پیروی نماید<sup>3</sup>.

---

1- ایسر التفاسیر لكلام العلی الكبیر- ج 4 ص 194. الجزائری-

2- التفسیر الموضوعی لسور القرآن الكریم- ج 6 ص 157. مصطفى مسلم-

3- التفسیر الموضوعی لسور القرآن الكریم- ج 6 ص 157. مصطفى مسلم-



## مقطع هزدهم

### هدایات برای مؤمنین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا (69) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (70) يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِغِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (71).

#### ترجمه آیات:

69- ای مؤمنان مانند کسانی نباشید که موسی را آزار رساندند و الله او را از آنچه می گفتند تبرئه کرد و او در پیشگاه الله گرانقدر و صاحب منزلت بود.

70- ای مؤمنان از الله بترسید و سخن حق و درست بگوئید.

71- در نتیجه الله اعمالتان را شایسته می کند و گناهانتان را می بخشد و هرکه از الله و پیامبرش پیروی کند به تحقیق به پیروزی و کامیابی بزرگی دست یافته است.

#### علاقه این مقطع با مقطع قبلی:

در مقطع قبلی بیان کسانی شد که الله و رسولش را آزار میدادند، وعده عذاب برای شان داده شد، درینجا مؤمنین را منع نمود تا هیچ گاهی به آزار رسول الله صلی الله علیه وسلم متوسل نشده و از مشابهت با کسانی که موسی علیه السلام را آزار میدادند پرهیز نمایند تا به آنها عذابی نرسد که به منافقین و کفار رسید.

#### معنای اجمالی مقطع:

بعد از اینکه پیامبر اسلام به مدینه آمد و مسلمانان قوت گرفتند، و جنگها با مشرکین و یهودیان بوقوع پیوست، در مدینه کسی نماند که کفر خود را آشکار کند. تعدادی از مردم در باطن کافر و در ظاهر مسلمان بودند. آنها کسانی بودند که شائعات پرانی کرده و دروغها را پخش میکردند، بعضی از مسلمانان هم به دامهای شان افتیده و در بخشی از شائعات با ایشان همگام میشدند، آنها منافقین بودند.

در نتیجه آیاتی نازل گردید و مؤمنین را از اذیت و آزار رساندن به پیامبر اسلام برحذر داشته و متوجه ساخت تا فریب دشمنان را نخورده او را نیازارند همانگونه که بنی اسرائیل به موسی علیه السلام آزار رساندند.

در سوره الصف الله تعالی قول موسی علیه السلام را بیان کرده می فرماید: **وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَأْتُونَنِي بِالصَّف:5.** و هنگامی که موسی به قوم خود گفت ای قوم من چرا مرا آزار می دهید؟ این آیت دلیل بر این است که آزار دادن مسلمان ها و پیامبر اسلام مسئله تعصب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم نیست بلکه جریانی است که تمام پیامبران با آن مواجه بودند. موسی علیه السلام در دعوت خود به سوی الله با دو گروه مواجه بود، گروه اول فرعون و فرعونیان و گروه دوم بنی اسرائیل. موسی علیه السلام به سوی فرعونیان فرستاده نشده بود بلکه به سوی بنی اسرائیل فرستاده شده بود، به همین سبب موسی و هارون علیهما السلام به فرعون گفتند: **{إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تَعْذِْبُهُمْ} طه: 47.** ما فرستاده پروردگارت هستیم، بفرست همراه ما بنی اسرائیل را و آنها را عذاب نکن. هدف موسی علیه السلام نجات دادن بنی اسرائیل از چنگال فرعون بود. اما دعوت موسی علیه السلام فرعون را به این خاطر بود که ممکن به الله تعالی ایمان بیاورد. با وجودی که برایش ایمان نیاوردند بلکه سبب آزارش شده و برایش گفتند: **ساحر دروغگو {ساحرٌ كَذَّابٌ} غافر: 24.** و گفتند: رسولی که به طرف شما فرستاده شده مجنون است **{إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ} الشعراء: 27.** این طبیعی است که باید موسی علیه السلام از طرف فرعون آزار ببیند زیرا که آمده بود تا الوهیت فرعون را باطل بسازد. مگر بنی اسرائیل قوم جاهل و نادانی بودند که موسی علیه السلام را آزار دادند با وجودی که آنها را از عذاب فرعون نجات داده بود، برایش گفتند: **الله را به ما نشان بده {أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً} النساء: 153**، همان گونه که آنان معبودان دارند برای ما معبودی تعیین کن **{اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ} الأعراف: 138**، برو تو و پروردگارت جنگ کنید **{فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا} المائدة: 24** و ما به تو ایمان نمی آوریم تا الله را آشکارا نبینیم **{لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً} البقره: 56.** علاوه بر این به شخصیت موسی علیه السلام تعرض کرده تهمت زده اند، از آن جمله حدیثی بخاری از ابوهریره روایت کرده و او از پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم که موسی علیه السلام خیلی با حیا بود، در ستر بدن خود خیلی توجه داشت که جائی از بدنش را هیچ کسی برهنه ندیده بود، بنی اسرائیل وی را آزار میدادند و میگفتند که حتماً در بدنش عیب و یا مرضی است که کوشش میکند تا بدنش را کسی نبیند. روزی موسی علیه السلام در جای خلوتی لباسهای خود را کشیده بالای سنگی گذاشت تا غسل کند، هنگامی که از غسل فارغ شد می خواست لباسهای خود را بگیرد، سنگ به دستور الله تعالی در حرکت شده به پیش رفته و موسی علیه السلام

به دنبالش تا اینکه مردم وی را دیدند که بدنش هیچ عیبی ندارد. بعداً سنگ ایستاده شد و موسی علیه السلام لباسهای خود را گرفت، به این ترتیب الله تعالی موسی علیه السلام را از تهمت بنی اسرائیل برائت داد.<sup>1</sup> حدیث دیگری را ابن ابی حاتم و حاکم و ابن مردویه به اسناد صحیح از ابن عباس روایت می کنند که موسی علیه السلام اوامر و نواهی الله تعالی را به بنی اسرائیل بیان کرد حتی ان اوامری که راجع به اموال بود، این موعظه بالای قارون سخت تمام شد، و به بنی اسرائیل گفت: بیائید زنی را آماده سازیم تا به موسی تهمت زنا زند آنگاه وی را رجم می نمایم به این ترتیب از شرش نجات می آیم. بنی اسرائیل زنی را آماده ساختند تا به موسی علیه السلام تهمت بزندی، بعداً به موسی علیه السلام گفتند که تو می گویی هرگاه کسی عمل زنا را مرتکب شود رجم می شود، موسی علیه السلام گفت بلی، بعداً گفتند که اگر شما هم باشید رجم می شوید؟ گفت بلی، بعداً گفتند که شما زنا کرده اید با فلان زن باید رجم شوید، و زن را خواستند تا اقرار کند که موسی علیه السلام با وی زنا کرده است. در این وقت موسی علیه السلام زن مذکور را قسم داد تا راست بگوید و الله تعالی هم به قلبش الهام کرد که حقیقت را بیان کند. آن زن اعتراف کرد که مردم مرا وادار کردند تا این تهمت را بر تو بزنم و من شاهدی میدهم که تو پاک هستی و پیامبر الله هستی، سپس موسی علیه السلام سجده کنان گریه میکرد.<sup>2</sup> به این ترتیب الله تعالی از آن تهمت موسی علیه السلام را برائت داد.

با در نظر داشت آزاری که قومش به موسی علیه السلام رساندند، در حای که او به نزد الله تعالی صاحب آبر و عزت بود. الله تعالی مؤمنین را نهی فرموده که مانند بعضی از بنی اسرائیل نباشند، و با پیامبر شان عملی انجام ندهند که آنان انجام داده اند، یعنی پیامبرشان را اذیت کنند. بر مؤمنین لازم است که در برابر پیامبرشان قول راست و درست گویند، و آنچه می گویند به راستی آن مطمئن باشند. گرچه اصحاب کرام به پیامبر اسلام خیلی احترام داشتند، و از انجام آنچه که سبب اذیت و آزار پیامبر اسلام میشد خود داری میگردند، باوجود آن هم بعضی از غافلین سخنانی می زدند که سبب ناراحتی پیامبر صلی الله علیه و سلم می شد. مثل سخن مردی که در قسمت تقسیم کردن مال غنیمت گفت که عادلانه تقیم نکرده، موضوع را به پیامبر اسلام رساندند، وی فرمود: **رحم الله**

<sup>1</sup> - صحیح بخاری- باب حدیث خضر مع موسی علیه السلام- رقم 3223.

<sup>2</sup> - تفسیر ابن ابی حاتم- ابو محمد عبدالرحمن بن محمد بن ادريس بن المنذر التميمي الرازي بن ابی حاتم- ج 9 ص 3018- المتوفى: 327- الطبعة 1405ق.

موسی قد اؤذی بأكثر من هذا فصبر<sup>1</sup>. یعنی الله تعالی به موسی رحم کند که زیاد تر از این آزار دید و صبر کرد.

این آیات قرآن مسلمانان را به گفتن سخنان راست و درست رهنمود نمود و به ایشان فرمان داد که سخنان ناسنجیده و سرسری نگویند بلکه در سخنان شان دقت و تأمل داشته باشند که این موجب اصلاح اعمال شان گردیده سبب مغفرت گناهان شان میگردد<sup>2</sup>. و از الله تعالی و رسولش کاملاً اطاعت نمایند زیرا پیروزی بزرگ در اطاعت الله تعالی و رسولش نهفته است.

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

محور این سوره تسلیم شدن به احکام الهی است، که این مقطع هم به مؤمنین آداب اسلامی را می آموزاند، به آنها دستور میدهد که احترام پیامبر اسلام را داشته به وی آزار نرسانند، و همچنان سخنان راست و درست بگویند، و در باره آن دقت کنند و هدف و جهت کلام را بشناسند، سخنان خوبی بگویند که ایشان را به عمل نیک بکشاند. الله تعالی کسانی را می بخشاید که سخنان خوبی بگویند و کارهای نیکی را بکنند.

### فوائد استنباط شده از مقطع:

- 1- وجوب اطاعت الله متعال و رسول الله صلی الله علیه و سلم که آن متضمن فلاح و رستگاری در دنیا و آخرت است.
- 2- ضرورت پابندی به تقوی و ضرورت صدق در قول و عمل. که در نتیجه آن یک جامعه صالح بمیان آمده و سبب مغفرت گناهان و دخول در جنت میگردد.

<sup>1</sup>- صحیح بخاری- باب حدیث خضر مع موسی علیهما السلام- رقم 2981

<sup>2</sup>- فی ظلال القرآن- ترجمه فارسی خرم دل - ج 5 ص 233. سید قطب-

## مقطع نزدهم

### عظمت تکلیف انسان و حمل امانت

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (72) لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (73).

#### ترجمه آیات:

72- ما امانت را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم از پذیرش امانت خود داری کردند و از آن ترسیدند و حال این که انسان زیر بار آن رفت، و آنان واقعاً ستمگار و نادان اند.

73- و سرانجام الله مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را کیفر می دهد و بر مردان زنان مؤمن ببخشايد، الله همواره بخشايند و مهربان بوده و است.

#### علاقه این مقطع با مقطع سابق:

در مقطع قبلی مؤمنین امر شده به پیروی از قرآن و سنت، در این مقطع عظمت قرآن کریم بیان شده که آسمان ها و زمین با این بزرگی از حمل آن خود داری کردند و انسان ضعیف و ظالم و جاهل حمل آنرا بدوش گرفت، به این شرط که هرگاه کسانی از آن پیروی نمودند در آخرت کامیاب و رستگار گردند و کسانی که ابا ورزیده و از آن پیروی نکردند در عذاب گرفتار گردند.

اطاعت از الله تعالی و رسول الله صلی الله علیه و سلم از خود مشکلات و سختی ها ای را در بر دارد که با تحمل آن میتوان به فوز آخرت رسید و همین صعوبات را انسان بدوش گرفت و اگر در تطبیق شریعت و دعوت به سوی الله از مؤمنین کوتاهی سرزند الله متعال بخشنده و مهربان است.

## معنای اجمالی مقطع:

در مقطع قبلی به کسانی که تقوی اختیار کنند و پیروی از الله و رسولش نمایند وعده جنت داده شده بود، به تعقیب آن الله تعالی در این جا واضح میسازد که بدست آوردن جنت با قبول کردن، پذیرفتن و به عهده گرفتن مسئولیت بزرگی بدست می آید که از پذیرفتن و به عهده گرفته آن آسمانها و زمین و کوه ها ترسیده و زیر بار آن نرفته و از قبول آن ابا ورزیده اند. و آن امانت الهی است، که تنها انسان آن امانت را پذیرفته و بردوش کشیده و مسئولیت آنرا قبول کرده است. الله تعالی می فرماید: **{ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ }** ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوه ها عرضه کردیم از پذیرش امانت خود داری کردند و از آن ترسیدند و حال اینکه انسان زیر بار آن رفت. امانت: مال یا اشیائی که شخصی به نزد شخص دیگری از ترس ضایع شدن، جهت حفظ و نگهداری میگذارد، هرگاه صاحب مال، مال خود را طلب کرد، امانتدار میتواند که مال را به صاحبش تسلیم کند و یا منکر شود زیرا کدام شاهد و یا ضمانتی ندارد<sup>1</sup>. اما امانت الهی امانت اوامر و نواهی، امانت اطاعت از الله یگانه و امانت تکلیف است<sup>2</sup>. انسان ظالم به نفس خود است و جاهل به عواقب امور. این امانت شامل همه تکلیف های شرعی است. ابن کثیر یرحمه الله هم در شرح این آیت امانت را به تکلیف، اوامر و نواهی تفسیر کرده است. آدم علیه سلام امانت را بشرطی قبول کرده است که اگر از اوامر اطاعت و از نواهی پرهیز کرد ثواب بگیرد، و اگر از اوامر سر باز زده و از نواهی پرهیز نکرد به عذاب الهی گرفتار گردد، در مرحله اول امانت به آسمانها و زمین و کوه ها عرضه گردید مگر آنها ابا ورزیده نه پذیرفتند، از ترس این که مبادا در اجرا و عمل به آن کوتاهی کنند و مورد عذاب الهی قرار گیرند، مگر آدم علیه السلام پذیرفت، به خاطری که انسان ظالم و زیاد جاهل است، یعنی در حق خود ظلم کننده و از عواقب امور جاهل است. پس انسان اختیار داده شده بین کفر و ایمان و طاعت و معصیت، هرگاه کبر و معصیت را قبول کرد مورد عذاب الهی قرار می گیرد، و هرگاه ایمان و طاعت را اختیار کرد، به درجه عالی رسیده و از جمله بندگان مقرب وی قرار می گیرد. به این اساس هرگاه کسی در اطاعت الله متعال تقصیر ورزد در حقیقت امانت را خیانت کرده و در حق خود ظلم نموده به همین سبب است که الله متعال میفرماید: **{ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ }** النحل: 33. و الله به ایشان ستم نکرد بلکه خود شان به خویشتن ستم کردند، چرا که خویشتن را با کفر شان در معرض عذاب

<sup>1</sup> - تفسیر القرآن- ج 16 ص 488- شعراوی-

<sup>2</sup> - فتح الباری شرح صحیح البخاری- احمد بن علی بن حجر ابوالفضل العسقلانی الشافعی - ج13ص-65- الطبعة 1424ق.

کردگار قرار دادند زیرا دنیا کشتزار آخرت است هرآنچه انسان در دنیا کشت کند در آخرت ثمره آن برایش داده می شود. **{إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ}** {الإسراء: 7}.

در این جا سؤال مطرح می‌گردد که چگونه عرضه شد به آسمان ها و زمین و کوه ها در صورتی که آنها جامد اند؟ در جواب باید گفت که این عرضه از طرف انسان نیست که با آنها افهام و تفهیم کرده نتواند، بلکه این پیشکش از جانب خالق مخلوقات است، الله تعالی آنها را مخاطب قرار داده بود، او مطالب همه مخلوقات خود را میداند، او خود میداند که به مخلوقات خود چطور فرمان دهد، زیرا وی قادر مطلق است. الله تعالی به سلیمان علیه السلام زبان حیوانات را فهماند و باد و جن را به فرمان وی قرار داد، قرآن کریم میفرماید: **{عَلَّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ النَّمْلَ: 16}**. روزی مرچه ای به دیگر مورچگان گفت: در خانه های خود داخل شوید که لشکر سلیمان شما را پامال نکند، این قول را سلیمان علیه السلام شنید و خنده اش آمد **{فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا}** {النمل: 19}. سلیمان علیه السلام سخن هدهد را چطور فهمید و هدهد چطور دانست که اهل سبا الله یگانه را نمی پرستند که موضوع را به سلیمان علیه السلام بیان کرد **{وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ}** {النمل: 24}. همچنان تسبیح کوه ها همراه داود علیه السلام **{يَا جِبَالُ أَوْبِي مَعَهُ وَالطَّيْرُ سَبَّأً: 10}**. در سوره الاسراء **{وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ}** {الإسراء آیه 44}. هر چیز با آفریدگارش در ارتباط است مگر انسانها نمی فهمند **{وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ}** {الاسراء: 44}.

در نتیجه انسان امانت را اختیار کرد **{وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ}** معنی حمل انسان یعنی که انسانها آماده به تطبیق آن شد، در این مورد الله تعالی می فرماید **{مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا}** {الجمعه: 5}. کسانی که تورات را به صفت یک منهج قبول کردند و آنرا حفظ نمودند، بعداً بالای خود تطبیق نکردند، آنها به نزد الله تعالی مانند خری هستند که کتاب ها را نقل میدهند مگر آنچه که در کتاب است استفاده کرده نمی توانند. پس کسی که بگوید ایمان به الله و پیامبرش دارم، مگر فرموده های الله و رسولش را بالای خود تطبیق نکند به نزد الله تعالی مانند همان خر است <sup>1</sup>.

این حمل امانت به خاطری است تا الله متعال کسانی را که امانت را خیانت کردند، از مردان و زنان منافق که در ظاهر مسلمان و در خفا کفر ورزیده اند، و مشرکین و مشرکات، که غیر از الله متعال را عبادت میکنند عذاب کند، و ببخشد گناهان مردان و زنان مسلمان را بعد از این که توبه کنند زیرا وی غفور و رحیم است.

<sup>1</sup> - - تفسیر القرآن- ج 16 ص 490- شعراوی.

این سوره با رهنمود کردن پیامبر صلی الله علیه و سلم به اطاعت از الله، نافرمانی از منافقان و کافران، پیروی کردن از وحی الله، و توکل کردن به الله یگانه آغاز گردیده بود. و ختم میگردد به بیان دلیل پیروی نکردن از کفار و منافقین و آن این که منافقین و مشرکین مستحق عذاب اند پس هرکسی که از آنها پیروی کند نیز در آخرت مستحق عذاب الهی می گردد.

این سوره رهنمود ها و قوانین و مقرراتی را در بر گرفته است. که نظام و سیستم جامعه اسلامی بر آنها پایدار و استوار میگردد. جامعه ای که مخلص الله است، و رو به الله میکند و میرود، و مطیع رهنمود ها و رهنمون های الله می شود، با این آهنگ این سوره پایان می پذیرد، آهنگی که بزرگی مسئولیت و سترگی امانت را به تصویر می کشد، و موضع بزرگی و منشأ سترگی را معین و مشخص میدارد، و سراسر آن را در تلاش انسان برای شناخت الله، و راهیابی به قانون وی، و فرمان بردن از مشیئت و اراده او محصور و محدود میکند.

با این آهنگ این سوره پایان می پذیرد، و بدین وسیله فرجام و پایان سوره با موضوع و رویکرد آن هماهنگ و همآوا میگردد، هماهنگی و همآوایی اعجاز انگیزی که به تنهایی دال بر سرچشمه این کتاب است.

### مناسبت این مقطع با محور سوره:

الله تعالی انسان را به مکارم اخلاق رهنمائی نموده و پیامبرش را به بهترین خلق مزین ساخته و بار سنگین امانت یعنی تکلیف را به دوشش نهاده که همین امانت جمیع وظایف دین را در بر می گیرد. موضوع این مقطع امانت تکلیف است که احکام الهی را در بر دارد و تسلیم شدن به احکام الهی محور این سوره است.



## فوائد استنباط شده از مقطع:

- 1- وجوب رعایت امانت و اداء آن<sup>1</sup>.
- 2- انسان ظالم و جاهل است، زمانی از این ظلم و جهل بیرون شده و جنات نصیب شان می‌گردد که مطابق قرآن و سنت زندگی خود را عیار سازند<sup>2</sup>.
- 3- عدم پیروی از قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم انسانرا به پائین ترین درجه می‌رساند<sup>3</sup>.

---

<sup>1</sup>- ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر- ج 4 ص 300. الجزائری-

<sup>2</sup>- ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر ج 4 ص 300- الجزائری.

<sup>3</sup>- التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم- ج 6 ص 163. مصطفی مسلم-

## نتیجه

سوره احزاب دارای هفتاد و سه آیت است در آغاز نشأت دین اسلام در مجتمع اسلامی تازه پیا خاسته که رسم و رواجهای جاهلی در آن حاکم بود، و با وجود مشاکلی که بین مشرکین مکه و گروه های دیگر در اطراف مدینه وجود داشت نازل گردید.

سوره احزاب در مجموع روی تسلیم شدن به احکام الهی در هر حالت بویژه در هنگام مشکلات میچرخد که مشتمل است بر معارف، احکام تشریحی، قصص، عبرت ها و مواعظی چند، از آن جمله داستان غزوه احزاب و بنی قریظه.

سوره احزاب با وجود تنوع و تعدد ظاهری موضوعات آن، در آن غرض و موضوع واحدی نهفته است، و میان تمامی آیه ها و موضوعات آن پیوند اجتناب ناپذیر و ناگسستنی با موضوع و غرض اصلی سوره بر قرار است، این وحدت موضوعی از معجزات برتر و مقتضای بلاغت و حکمت الهی است.

وحدت موضوعی و یکپارچگی سوره احزاب حکمت، بلاغت و اعجاز قرآن بلکه از برترین تجلیات اعجاز قرآن است.

قرآن همان طور که در فصاحت الفاظ و شرف معانی خود معجز است در ترتیب و نظم آیات خود نیز معجز است.

سوره احزاب به چندین مقطع تقسیم شده که هر مقطع با مقطع قبلی و بعدی، و مقطع اول با مقطع اخیر، و تمام مقاطع با محور سوره به گونه ای مناسبت دارند، این خود نشانگر اعجاز قرآن کریم است که کتاب آفریدگار عالمیان است و تا پایان زندگی دنیا کسی مانند آنرا آورده نمی تواند.

و من الله توفیق

## پیشنهاد

سعادت دنیا و آخرت انسانها در کشف و بررسی بیشتر حقائق کتاب بزرگ آسمانی است. قرآن کتاب خواندنی و معجزه جاودان و سند حقانیت دین اسلام است و پیوسته بسان خورشید تابان بر تاریکی های زمان درخشیده و همه مردم را به تحدی می خواند و نه تنها یکایک دانشمندان، بلکه جملگی ایشان را تا دست به دست هم داه مثل سوره ای از سوره های قرآن بنگارند، از انجام چنین کاری تا قیام قیامت در مانده و ناتوان اند. هرچه بینش ها وسیعتر و دید ها عمیقتر گردد و مطالعه و تحقیق در باره این کتاب بیشتر انجام گیرد، رموز و اسرارش بهتر جلوه گر می شود، و حقائق تازه تری از آن بدست می آید، با وجود این همه درین اواخر دشمنان دین اسلام کوشش کرده اند تا در قرآن شبهاتی ایجاد کرده و به مردم نشان دهند که قرآن کتاب الله تعالی نبوده بلکه ساخته دست بشر است، میگویند: جملات موضوعات آن پراکنده و بدون هیچ ربطی در تمام سوره ها نوشته شده، به جز تعداد اندکی از سوره های کوتاه که یک موضوع را در یک مکان ذکر کرده و بس. و همچنان موضوعاتی که در قرآن ذکر گردیده خیلی موضوعات پیش پا افتاده است که این چنین کتابی شایسته یک شخص عادی نیست چه رسد به خالق عالمیان. علما تا جائی در جواب این بی خردان کتاب ها نوشته و اعجاز قرآن را ثابت ساخته اند، مگر آن نوشته ها کافی نیست باید علما به زبان های مختلف به رد آنها پردازند، من در این رساله خود یکی از شبهات آنها را رد کرده و ثابت ساخته ام که قرآن معجز است به جز الله تعالی کس دیگری مثل آنرا آورده نمی تواند، و قول الله تعالی درین مورد حق است. از محصلین گرامی خواهشمندم تا شبهاتی را که مستشرقین و بی دینان در مورد قرآن و حدیث وارد کرده اند مطالعه نموده و در رساله های خود به عوض اینکه موضوعات تکراری را گرفته به اندک تغیر عنوان، رساله خود را بنویسند بهتر آن است که جواب دندان شکنی به دشمنان دین بدهند تا از یک طرف حقانیت دین اسلام بر ملا شده و از طرف دیگر اجر عظیم را در آخرت بدست آرند. به امید موفقیت همه برادران در دنیا و آخرت.

فهرست آیات

شماره	آیات	سور	صفحه
1	أولئك هم المفلقون	البقرة:5	3
2	فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ	البقرة:10	96
3	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ	البقرة:21	4
4	فَأَنْتُمْ بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ	البقرة:23	1
5	وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ	البقرة:26	4
6	هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً	البقرة:29	4
7	فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	البقرة:38	4
8	حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً	البقرة:56	100
9	مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.	البقرة:57	104
10	إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ	البقرة:62	56
11	وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى	البقرة:125	82
12	أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ	البقرة:214	47
13	لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ	البقرة:225	33
14	كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَكُمْ	البقرة:216	4
15	وَإِنْ طَلَقْتُمْوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ	البقرة:237	77
16	وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ	آل عمران:130	3
17	كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ	آل عمران:185	41
18	أَنْي لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ	آل عمران:195	48
19	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ	النساء:1	4
20	وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ	النساء:13	1
21	وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ	النساء:14	1
22	مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ	النساء:80	88
23	لَا يَسْتَوِي الْفَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ	النساء:95	47
24	فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَاماً وَقُعُوداً	النساء:103	70
25	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ	النساء:136	20
26	مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ	النساء:143	25
27	إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ	النساء:145	25
28	قالوا لموسى: أرنا الله جهرة	النساء:153	100
29	فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ	النساء:65	32
30	يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ	المائدة:67	20
31	يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ	المائدة:41	20
32	أذهب أنت وربك فقاتلا	المائدة:24	100
33	وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ	التوبة:68	25
34	إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ	التوبة:111	48
35	لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ	براهيم:7	42
36	إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ	الاسراء:7	105
37	وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ	الاسراء:44	38

100	طه:47	فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ	38
42	الانبياء:35	وَنَبِّئُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً	39
83	النور:31	وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ	40
40	النمل:16	عَلِمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ	41
105	النمل:19	فَتَنَبَّسَ صَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا	42
15	الاحزاب:23	مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا	43
100	غافر:24	فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ	44
42	محمد:7	إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ	45
26	المجادله:3	فَتَحْرِيْرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا	46
100	الصف:5	يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُونَنِي	47
105	الجمعه:5	مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ	48
83	التحریم:5	عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ	49
40	نوح:4	إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ	50

### فهرست احادیث

شماره	احادیث	مراجع	صفحات رساله
1	إذا حكم الحاكم فاجتهد	صحيح بخارى	27
2	إذا سمعتم المؤذن فقولوا مثل ما يقول	صحيح مسلم	87
3	إنا أرسلناك شاهداً على أمتك	المعجم الكبير	73
4	إنما أنا لكم بمنزلة الوالد أعلمكم	سنن ابى داود	33
5	ان تموت ولسانك رطب من ذكر الله	فتح البارى	70
6	قولوا اللهم صل على محمد وعلى آل محمد	صحيح بخارى	87
7	تجاوز الله عن أمتي الخطأ و النسيان	المستدرک للحاکم	28
8	خيركم من تعلم القرآن وعلمه	صحيح بخارى	101
9	رحم الله موسى قد أودى بأكثر	بخارى	2
10	ففي أي هذا أستأمر أبوي	صحيح بخارى	55
11	فإن الله يأجركم على تلاوته كل حرف	المستدرک للحاکم	2
12	فوالذى نفسى بيده لولا أن يقول الناس زاد عمر	السنن الكبرى للبيهقى	14
13	قولوا خاتم النبيين ولا تقولوا لا نبي بعده	مصنف ابن ابى شيبه	67
14	كانت سورة الأحزاب توازي سورة البقرة	المستدرک للحاکم	14
15	لا يصلين أحد العصر إلا في بني قريظة	صحيح بخارى	11
16	لولا أن يقول الناس زاد عمر في كتاب الله	صحيح بخارى	14
17	من قرأ حرفاً من كتاب الله فله به حسنة	ترمذى	2
18	من استيقظ من الليل و أيقظ أهله	المستدرک للحاکم	60
19	من صلى علي واحدة صلى الله عليه عشر	الادب للبخارى	87
20	من ادعى إلى غير أبيه وهو يعلم	صحيح بخارى	28
21	ما من مؤمن إلا وأنا أولى به	صحيح بخارى	32
22	من يرد الله به خيراً يفقهه في الدين	بخارى	2
23	نصرت بالصبا وأهلكت عاد بالدبور	صحيح مسلم	40
24	كانت بنو إسرائيل تسوسهم الأنبياء	صحيح بخارى	66
25	وإنه سيكون في أمتي ثلاثون كذابون	صحيح ابن حبان	67
26	و كانت اطول من سورة البقره ولكن نقصوها	ثواب الاعمال	13
27	يقول الله تعالى أنا عند ظن عبدي بي وأنا معه	صحيح بخارى	70
28	يا رسول الله لأنت أحب إلي من كل شيء	صحيح بخارى	32
29	يا رسول الله يذكر الرجال و لا يذكر النساء	المستدرک للحاکم	59

## فهرست اعلام

شماره	اسم	صفحه
1	ابو سلمه	7
2	ابی بن کعب	15
3	زید بن ثابت	16
4	سعد بن معاذ بن نعمان	10
5	مغیره بن شعبه	63

## منابع و مصادر

- 1- أحكام القرآن-الامام حجة الاسلام أبي بكر أحمد بن علي الرازي الجصاص المتوفى سنة 370هـ - ضبط نصه وخرج آياته عبد السلام محمد علي شاهين الجزء الاول دار الكتب العلمية بيروت - لبنان الطبعة الاولى 1415 - 1994 م
- 2- اسباب نزول الآيات- ابي الحق على الواحدى النيشابورى- دارالباز للنشر و التوزيع مكة الطبعة 1412ق.
- 3- الاساس فى التفسير- سعيد حوى- دار السلام للطباعة و النشر و التوزيع- القاهرة. الطبعة 2016 م.
- 4- البحر المحيط فى التفسير- ابوحيان محمد بن يوسف بن على بن يوسف بن حيان الاندلسى ناشر دار الفكر - بيروت - طبعة 1420ق.
- 5- البناءيه شرح هدايه- باب قال أنت على مثل امى - ابو محمد محمود بن احمد بن موسى بن احمد حسين الحنفى- الطبعة 1413ق.
- 6- التفسير الموضوعى لسور القرآن الكريم- نخبة من العلماء التفسير و علوم القرآن- جامعة الشارقة للامارات العربية المتحدة الطبعة. 1434 ق.
- 7- التفسير الوسيط للقرآن الكريم- محمد سيد طنطاوى- دار نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزيع- القاهرة الطبعة 1431ق.
- 8- الجامع لاحكام القرآن- ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابى بكر الانصارى الخزرجى شمس الدين القرطبى المتوفى 671هجرى- دار عالم الكتب- الرياض. الطبعة 1387ق.
- 9- السيره النبويه - ابو محمد جمال الدين عبدالملك بن هشام بن الحميرى المعافرى الطبعة 1405ق.
- 10- المبسوط للسرخسى - محمد بن احمد بن ابى سهل السرخسى المتوفى: 482هجرى - دارالمعرفة- بيروت. الطبعة 2014 م.
- 11- المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز- ابو محمد عبدالحق بن غالب بن عطيه الاندلسى- ناشر دار الكتب العلميه - لبنان. الطبعة 2015 م.
- 12- المدخل الى القرآن الكريم- دكتور محمد عبدالله دراز- طبعة كويت. الطبعة 2016 م.
- 13- المستدرک على الصحيحين- ابو عبدالله الحاكم بن عبدالله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحاكم النيشابورى- المتوفى 405هجرى. الطبعة 2009 م.



- 14- المعجم الكبير للطبرانی- سليمان بن احمد بن ايوب بن مطير اللخمي الشامي ابوالقاسم الطبراني المتوفى 360- مكتبة بن تيميه القاهره. 2010 م.
- 15- النبأ العظيم- دكتور محمد عبدالله دراز- مطبعه السعادت 1389 هجرى.
- 16- انوار التنزيل و اسرار التأويل- ناصر الدين ابوالخير عبدالله بن عمر بن محمد البيضاوى. 1397 ق.
- 17- ايسر التفاسير لكلام العلى الكبير- ابى بكر جابر الجزائرى- مكتبة دالعلوم و الحكم المدينه 2009 م.
- 18- بحر العلوم- ابوالليث نصر بن محمد بن ابراهيم السمرقندى- مكتبة مشكات الاسلاميه. 1412 ق.
- 19- تاج العروس من جواهر القاموس- محمد بن محمد بن عبدالرزاق الحسينى ابوالفضل الملقب بمرتضى الزبيدى المتوفى 1205. الطبعة 2006 م.
- 20- تفسير التحرير و التنوير- محمد الطاهر بن عاشور- مؤسسة التاريخ- بيروت- لبنان. 1423 ق.
- 21- تفسير القرآن- محمد متولى الشعراوى- ناشر شركت برتك- مصر. الطبعة 2016 م.
- 22- 17- تفسير القرآن العظيم- ابى الفدا اسماعيل عمر بن كثير- مكتبة الرشد- الرياض. 1422 ق.
- 23- تفسير ابن ابى حاتم- ابو محمد عبدالرحمن بن محمد بن ادريش بن المنذر التميمى الرازى بن ابى حاتم المتوفى 327 هجرى. الطبعة 1405 ق.
- 24- تفسير الكشاف- جارالله محمد بن عمر بن محمد الزمخشري- دارالكتب العلميه بيروت. 1395 ق.
- 25- تفسير مراغى- احمد مصطفى المراغى- دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع- بيروت. 2015 م.
- 26- تفهيم القرآن- ترجمه پستو- سيد ابوالاعلى مودودى- اداره احياء العلوم بشاور. 1992 م.
- 27- جامع البيان عن تأويل آى القرآن- ابى جعفر محمد بن جرير الطبرى- دار احياء التراث العربى - بيروت- لبنان. 1413 ق.
- 28- جلاء الافهام فى فضل الصلاة على محمد خير الانام- محمد بن ابى بكر بن ايوب بن سعد شمس الدين بن قيم الجوزيه المتوفى 751 هجرى- دارالعروبه- كويت. 1387 ق.
- 29- زادالمسير فى علم التفسير- جمال ال الدين عبدالرحمن بن على بن محمد الجوزى- دارالكتب العلميه - بيروت. 1971 م.
- 30- سنن ابى داود- سليمان بن الاشعث بن اسحاق بن بشر السجستاني- المتوفى 275- محقق: محمد محى الدين عبدالحميد- المكتبة العصريه- بيروت. 1434 ق.
- 31- سنن الترمذى- محمد بن عيسى بن سوره بن موسى بن الضحاک الترمذى ابو عيسى- المتوفى 279 هجرى. 1421 ق.
- 32- سنن الكبرى للبيهقى- احمد بن الحسين بن العلى بن موسى ابوبكر البيهقى. 1402 ق.
- 33- سنن النسائى الكبرى- ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب النسائى- دارالكتب العلميه بيروت. 1387 ق.

- 34- صحيح ابن حبان- محمد بن حبان بن احمد بن حبان بن معاذ بن معبد التميمي ابو حاتم.1406ق.
- 35- صحيح بخارى- محمد بن اسماعيل بن ابراهيم بن المغيرة البخار ابو عبدالله المتوفى256. الطبعة 1357ق.
- 36- صحيح مسلم- مسلم بن الحجاج ابوالحسن القشيري النيشابورى- دار احياء التراث العربى- بيروت.1426ق.
- 37- عيون الاثر فى فنون المغازى و الشمائل و السير- محمد بن محمد بن محمد بن احمد سيدالناس اليعمرى الربعى- ناشر دار القلم بيروت.1418ق.
- 38- فتح البارى شرح صحيح بخارى- احمد بن على بن حجر ابوالفضل العسقلانى الشافعى- دارالمعرفة- بيروت.1424ق.
- 39-47- فرهنگ فارسى يك جلدى حسن عميد- تهران مؤسسه انتشارات امير كبير طبع 1361.
- 40- فى ظلال القرآن - سيد قطب- ترجمه فارسى خرم دل- نشر احسان- تهران. 1397 شمسى.
- 41- كتاب المغازى- ابو عبدالله محمد بن عمر بن واقد الواقدى المتوفى 207 ناشر عالم الكتب بيروت.1413ق.
- 42- لباب التأويل فى معاني التنزيل- علاء الدين على بن محمد بن ابراهيم بن عمر الشيجي أبو الحسن، المعروف بالخازن- المتوفى: 741 هجرى- المحقق: تصحيح محمد علي شاهين- الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت- الطبعة: الأولى - 1415 هـ
- 43- مسند الشافعى- ابى عبدالله محمد بن ادريس الشافعى- دارالكتب العلميه - بيروت.1412ق.
- 44- مصنف ابى شيبة - ابوبكر عبدالله بن محمد بن ابى شيبة العيسى الكوفى المتوفى 234ق الطبعة 1386ق .
- 45- معالم التنزيل فى تفسير القرآن- ابو محمد الحسين بن مسعود البغوى- دارالطبيه للنشر و التوزيع- المتوفى 516 هجرى. 2014 م.
- 46- معرفة السنن والآثار- ابى بكر احمد بن الحسين البيهقى الخراسانى المتوفى 458 هجرى- المحقق: عبدالمعطى امين قلجى- دار قطيبه بيروت الطبعة 1412 هجرى.
- 47- نظم الدرر فى تناسب الآيات و السور- ابى الحسن بن ابراهيم بن عمر البقاعى طبعة دائرة المعارف العثمانية- حيدر آباد- الهند. 1884 م.

## Summary

Ahzab Surah has 73 Ayats and contains Education, Rulings, edifications, some preaching and history of Ahzab War and history of Bani Qariza's Jews. The Context of Ayats give us testimony about the Ayats that came in Madinah.

This surah contents parts of Muslims life that starts from Bader continue before Hadibia Peace, this surah says from the real view and full occurrence of Muslims life in Madinah. It says from the guidance that newly created the Muslims society. This guidance is linked to the principle of Base of belief for Almighty Allah and following the Messenger of the Allah (Mohammad) and it is the beginning that every occurrence and accidents for the base of big Revelation of Allah. So, Muslims follow the programs of Allah that has chosen for them.

This surah had set-out the way and method of Islamic society and said from been firm the group of Muslims. And says the base of Belief and parts of sharia. Make Adjustment or reject the Habit and moral. And call Muslims for information about Islam in all affairs, from Ahzab Battle, Bani Qariza, the positions of infidels, Jewish and Hypocrites, from their Conspiracy and conspiracy against Muslims, tells from War effects and Booty about life of Muslims. Says the Punishment of people who Annoyed and threats Mohammad Peace be upon him. Clearly made the Incidents and events of Judgment Day or End Day. Says The high position of the people that Heavy trust of Sharia, trust of belief and perseverance, Trust of invitation and patience, trust of acceptance of Difficulties and problems and trust of jibe it's in their life that carried.

This surah apparently in Despite having different subjects, its sections are inextricably linked with the axis of the surah that This is itself one of the miraculous forms of the Qur'an.



**Salam University**  
**Faculty of Sharia & Law**  
**Department of Tafsir&Hadis**



**Islamic Republic of Afghanistan**  
**Ministry of Higher Education**  
**Private Universities Presidensy**

# **Thematic's unity in ahzab surah**

**A Master's Thesis**

**Student: Abdul Zahoor Jannaty''**  
**Supervisor: Dr. Mesbahullah Abdul Baqi''**

**Year 2021**



**Salam University**  
**Faculty of Sharia & Law**  
**Master Program in Jurisprudence & Law**



**Islamic Republic of Afghanistan**  
**Ministry of Higher Education**  
**Private Universities Presidency**

# **The purposes of Sharia the Rules of Hajj and Umrah**

**A Master's Thesis**

**Student: Abdul Satar "Hanifi"**

**Supervisor: Dr. Rafiullah "Hataa"**

**Year 2021**